هفت صبح

ویژه آخر هفته

روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری واقتصادی ایران
پنجشنبه | ۲ اسفند ۱۴۰۳
۱۲ صفحه
شماره ۳۹۹۴
قیمت ۱۰۰۰۰ تومان

تیغ به دستان جاهل کوچه‌های تاریک

درباره قاتل امیرمحمد، بخت سیاه کوین اسپیسی و چالش تقویمی

● کبریت زیر بشکه باروت / قصه‌های گمشده - پاورقی روزهای فرد ● تهرانی‌ها به اشباح زورگیر جان می‌دهند / سریال قتل‌ها توسط سارقان خفت‌گیر، هرچند وقت یک‌بار در پایتخت تکرار می‌شود ● مدیر جدید شرکت ۶ هزار میلیاردی / از سعید زرندی، رئیس جدید فولاد مبارکه اصفهان چه می‌دانیم؟ ● خاموشی صنایع؟ / تفسیر یک تصمیم در میانه جنگ اقتصادی ● حالا شد! / این همان تیمی بود که هواداران استقلال مدت‌ها منتظر دیدنش بودند ● این مطالب را در صفحات مختلف امروز دنبال کنید

بهترین خودروهای اسپرت ارزان برای سال ۲۰۲۵

قفسه خالی خودروهای اسپرت ایران را می‌توان ارزان‌تر پر کرد! صفحه ۰۶ را بخوانید

قطری‌ها در تهران

شیخ مسالمت‌جو

دنبال چیست؟ صفحه ۰۲

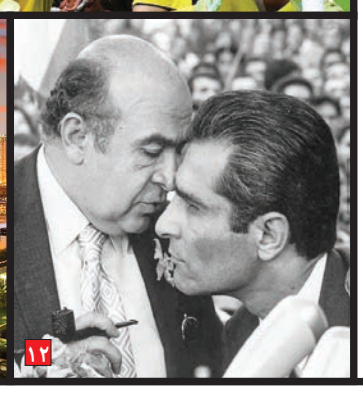

مادر خرج‌های ایران زمین

نگاهی به نقش چهار استان بوشهر، خوزستان، اصفهان و کرمان در اقتصاد مملکت

در بسته آخر هفته بخوانید:

● عمارت مسعودیه
درباره عمارت و باغی مصفا در میدان بهارستان

● نه منو کشت، نه قوی ترم کرد
شوخی‌ها و طنازی‌های شبکه‌های مجازی هفته

● چرا رنگ تختی در ایستگاه قطار صوفیه، لبو شد؟
یادداشت‌هایی از ابراهیم افشار، حمید رستمی، نادر نامدار، احد بابایی منیر و مهدی افخمی

سفره غذایی با نان کمتر، تخم مرغ بیشتر

تحلیلی پرجزئیات بر جدول کالری مصرفی ایرانیان در سال ۱۴۰۴

نگین باقری | در جدول جدیدی که وزارت بهداشت برای تعیین دستمزد کارگران به شورای‌عالی کار داده، میزان نیاز روزانه هر فرد به گوشت‌های قرمز و سفید، نان، برنج و میوه‌ها کاهش یافته است. البته این جدول افزایش‌هایی هم در بخش‌های تخم مرغ و لبنیات و ماکارونی داشته است. مهم‌ترین تغییرات این بوده که از وزن روزانه میوه مصرفی ۸۰ گرم، از وزن مورد نیاز برنج ۲۵ گرم و از وزن مورد نیاز گوشت سفید و قرمز به ترتیب روزانه ۱۰ و ۸ گرم کم شده است. همچنین به میزان مصرف توصیه شده روزانه تخم مرغ و لبنیات هم به ترتیب ۵ و ۵۰ گرم زیاد شده است.

روز سه‌شنبه اعضای کمیته دستمزد رقم ۲۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان را به عنوان هزینه سبد معیشت کارگران تصویب و در جلسه امروز شورایعالی کار ارائه کردند. این شورا هر ساله جدولی از وزارت بهداشت دریافت می‌کند که در آن میزان کالری مقرون به‌صرفه و مطلوب هر ایرانی در طول روز نوشته شده. ارزش غذایی سبد اول (مقرون به‌صرفه) برابر ۲۳۸۶ کالری و برابر ۱۴۶۵ گرم و ارزش سبد مطلوب ۲۳۵۸ کالری و هزار و ۴۸۰ گرم بوده است. از نظر وزارت بهداشت سبدی مطلوب است که کف کالری‌های روزانه را به فرد برساند. رئیس کمیته مزد و نماینده جامعه کارگری از کانون عالی شورای اسلامی کار به روزنامه هفت صبح می‌گوید که این شورا مبلغ هزینه ماهانه سبد معیشت کارگران را برای خانواده سه نفره با همین موادی که در سبد مقرون به‌صرفه اعلام شده به دست آورده است. در سبد مقرون به‌صرفه از هر ماده غذایی اصلی چند گرم وجود دارد و نسبت به سال‌های قبل چقدر تغییر کرده است؟

دسته اول: مواد غذایی کاهش یافته

- میزان نان در جدول سال قبل برای هر نفر در روز ۳۱۰ گرم بود که در این جدول به ۲۹۰ گرم رسیده است.
- در جدول سال قبل میزان نیاز روزانه به برنج ۹۵ گرم بود، امسال این عدد به ۷۰ گرم رسید.
- میزان مصرف میوه از ۲۸۰ گرم به ۲۰۰ گرم رسیده است.
- مرغ از ۶۰ گرم سال قبل، به ۴۰ گرم رسیده است. درست است که این وزن کم شده اما در مقابل ۱۰ گرم روزانه هم آبزیان به سبد اضافه شده که قبل از این اصلا در جدول وجود نداشت. با این حال همچنان در این یک سال ۱۰ گرم از سبد گوشت سفید کم شده است.
- میزان توصیه شده قند و شکر سال قبل برابر با ۴۰ گرم بوده که امسال به ۳۰ گرم رسیده است. البته اینطور که محسن باقری می‌گوید توصیه شده که از مصرف قند و شکر هم کم و به مصرف میوه‌های خشک شیرین، مثل کشمش توت و انجیر اضافه شود.

دسته دوم: افزایش یافته‌ها

- مهمترین افزایش مربوط به وزن مورد نیاز تخم مرغ بوده که نشان می‌دهد از ۳۵ گرم سال قبل به ۴۰ گرم رسیده است.
- امسال مقدار توصیه شده ماکارونی از ۲۰ گرم به ۲۵ گرم رسیده است. چراکه ظاهرا طبق اعلام وزارت بهداشت سبوس ماکارونی زیاد است و به همین دلیل برای اضافه کردن فیبر، ۵ گرم سهم این ماده غذایی را در سبد خوراک ایرانیان زیادتر کرده‌اند.
- شیر و فرآورده‌های لبنی از ۲۵۰ گرم در سال‌های گذشته به ۳۰۰ گرم رسیده است.
- قبلا نیاز هر فرد به حبوبات (به تنهایی) در جدول برابر ۲۶ گرم بود که اما حالا توصیه شده که بخشی از نیاز ما به آن از مغزدانه‌ها (فندق، گردو، بادام و ...) تامین شود و به همین دلیل حالا وزن آن به ۳۰ گرم رسیده. یعنی ۴ گرم آن شامل مغزدانه‌ها می‌شود.
- مقدار روغن توصیه شده سال قبل ۳۵ گرم بود که امسال هم همان ۳۵ گرم باقی مانده است.
- میزان مصرف سبزی‌ها ۳۰۰ گرم و سیب زمینی ۷۰ گرم ثابت بوده است. ادامه در صفحه ۰۳

طلای گرمی، مسکن متری!

برخی مردم در حال سرمایه گذاری در حوزه‌های نامطمئن اقتصادی هستند؛ به رغم تمام سیگنال‌های هشدار که مسئولان و کارشناسان مخابره می‌کنند

فاطمه رجبی | عده زیادی زن و مرد و پیر و جوان که پلاکاردها را بالای سرشان گرفته بودند و هر روز در برابر یکی از نهادهای مسئول تجمع می‌کردند و می‌خواستند دولت سرمایه زندگی‌شان را برگرداند. اگر در نیمه‌دوم سال ۹۶ از اطراف ساختمان‌هایی مثل بانک مرکزی، مجلس، ریاست‌جمهوری و... زیاد عبور می‌کردید حتما آنها را می‌دیدید. کسانی که با وعده سودهای بالا پولشان را در صندوق‌های قرض‌الحسنه‌ای که مثل قارچ از هر گوشه سبز می‌شدند، گذاشته بودند اما آن صندوق‌ها یکی بعد از دیگری ورشکسته شده و مالباخته‌ها را دست‌خالی، رها کرده بودند. بحران آنقدر بالا گرفت که حتی نقش خیلی زیادی هم در شروع ناآرامی‌های خیابانی گسترده سال ۹۶ داشت. در نهایت هم خسارت بخشی از مالباخته‌ها را دولت جبران کرد، البته به قیمت کسری بودجه و از جیب همه مردم. حالا عده‌ای از کارشناسان می‌گویند که ماجرا در حال تکرار شدن است و این‌بار خطر مالباختگی در کمین کسانی است که در کوران تورم و نوسان بازارها پولشان را در بازارهای نامطمئن سرمایه‌گذاری می‌کنند. در این بین دو بازار نسبتا تازه هم بیشتر از بقیه در معرض اتهام قرار دارند: طلای آب‌شده گرمی و خانه متری!

جذاب خطرناک

آمار دقیقی از تعداد کسانی که در ماه‌های اخیر، همزمان با اوج‌گیری نوسان بازارها به سمت خرید طلای آب‌شده، رفته‌اند وجود ندارد اما از رشد عجیب و غریب تعداد پلتفرم‌های آنلاین که به فروش طلای آب‌شده مشغول هستند، می‌توان فهمید که بازارش خیلی سکه است. این بازار جذابیت زیادی دارد، اول از همه اینکه برای خرید طلا لازم نیست حتما به اندازه مشخصی پول داشته باشید بلکه هر چقدر که در توانتان باشد، می‌توانید به همان اندازه برای خرید طلا اقدام کنید. در حالی که هم سکه‌ها و مسکوکات طلایی رایج در بازار همگی دارای وزن مشخص هستند و حباب قیمتی و اجرت زیادی دارند و هم صندوق‌های طلای بورسی معمولا بالاتر از ۵ تا ۱۰ میلیون را به عنوان سرمایه‌گذاری اولیه قبول می‌کنند. ضمن اینکه قاعدتا با خرید طلای آب‌شده، خریدار اصل کالا را به صورت فیزیکی دریافت می‌کند اما وقتی کسی از صندوق‌های بورسی خرید می‌کند چیزی به شکل فیزیکی دستش را نمی‌گیرد. البته نقش تبلیغات را هم نمی‌شود نادیده گرفت وگرنه بازار طلای آب‌شده همیشه وجود داشته اما بیشتر محل خرید و فروش خود فعالان صنف طلا بوده نه مردم عادی. چراکه در این بازار امکان سوءاستفاده و تقلب زیاد است و خود اهالی صنف هم بر اساس اعتبار فروشنده و تخصص خودشان خرید می‌کنند. حتی در این موارد هم تعداد شکایت و کلاهبرداری کم نیست. بنابراین یکی از اصلی‌ترین هشدارهایی که در این مورد داده می‌شود انواع تقلب‌هایی است که در این بازار وجود دارد. ضمن اینکه خریداران ممکن است در فروش طلای آب‌شده به مشکل برخورد کنند؛ یعنی بعدتر موقع فروش اعتبار طلایی که خریده‌اند زیر سوال برود و مجبور شوند که طلای خریداری شده را زیر قیمت بفروشند. تصور کنید که یکی از فروشنده‌های مطرح طلای آب‌شده نامعتبر از آب دربیاید و سروصدای این موضوع بلند شود، می‌توانید تصور کنید که چه اتفاقی برای طلاهای آب‌شده‌ای که از طرف این فروشنده فروخته شده‌اند، می‌افتد. با همه این تهدیدها اما تهدید اصلی چیز دیگری است: خالی‌فروشی.

ماجرای سکه ثامن را به خاطر دارید؟ غائله‌ای که بعد از فروش سکه مجازی به ۳هزار نفر و فرار فرهاد زاهدی‌فر، مدیرعامل شرکت سکه ثامن منجر شد. به واسطه چنین تجربه‌ای فروشنده‌های طلای آب‌شده، حتی آنها که به صورت آنلاین طلا می‌فروشند، موظف هستند اصل یعنی فیزیک طلایی که فروخته‌اند را به خریداران بدهند. در حال حاضر پلتفرم‌های فروش آنلاین می‌گویند که به محض خرید، فرایند آماده‌سازی و ارسال فیزیک طلا انجام می‌شود اما اگر تعداد خریداران زیاد باشد طبیعتا این فرایند طولانی می‌شود. اگر روند کار چند روز و چند هفته طول بکشد چه؟ صبر خریداران چه زمانی باید تمام شود؟ اگر صبر آنها سر آمد اما خبری از ارسال طلا نشد چه؟ وقتی این اتفاق بیفتد یعنی «خالی‌فروشی» انجام شد و در واقع فروشنده چیزی که وجود نداشته را به خریداران فروخته. در حالت خوش‌بینانه فروشنده نمی‌خواسته خالی‌فروشی کند، بلکه در تامین چیزی که فروخته به مشکل خورده و در حالت بدبینانه فروشنده بعد از جلب اعتماد چند هزار نفر، وقتی تعداد خریداران زیاد شد، تصمیم گرفته تا زمان سرریز شدن صبر آنها و فرار، خالی‌فروشی کند. این خطر وقتی بیشتر احساس می‌شود که از خودمان بپرسیم مگر چقدر طلای آب‌شده در بازار طلای ایران وجود دارد؟ عده‌ای می‌گویند با رونق گرفتن این بازار حجم بیشتری از طلایی که باید به سمت ساخت مسکوکات طلایی برود، سر از بازار طلای آب‌شده در می‌آورد اما طبیعتا طلایی که در حال حاضر ساخته شده و مجوز فروش با اجرت و سود مشخص دارد سر از این بازار در نمی‌آورد، بلکه طلای دست دوم و شمش هستند که به سمت این بازار می‌روند. این در حالی است که دقیقا به دلیل نوسان شدید قیمت، میزان فروش طلا از جانب مردم و رونق بازار طلای دست دوم کم می‌شود و کسی طلایی را که قبلا برایش اجرت پرداخت کرده نمی‌فروشد مگر بخواهد طلای بهتری بخرد. پس می‌ماند همان طلای آب‌شده جاری در بازار و شمش طلا که مقدار مشخص و نه چندان زیادی دارد.

چرا نظارت نیست؟

خرید و فروش طلای آب‌شده قانونی است پس نمی‌توان از بیخ‌وبن جلوی آن را گرفت ضمن اینکه حتی اگر غیرقانونی شود باز به ابهاماتش اضافه شده و امکان کلاهبرداری بیشتر می‌شود اما به همین دلیل است که دولت و دستگاه‌های امنیتی به هشدار دادن در مورد خرید طلای آب‌شده کفایت می‌کنند. ممکن است بپرسید که چرا به جای هشدار دادن نظارت را بیشتر نمی‌کنند؟ مخصوصا روی برندهای شناخته شده. جواب این است که تا وقتی یک شرکت تخلفی نکرده نمی‌توان کاری کرد، موبایل موسوی را به یاد بیاورید که آنقدر بزرگ شد که روی پیرهن بازیکنان فوتبال تبلیغ می‌کرد. ماجرا وقتی بحرانی می‌شود که فروشنده به تعهداتش عمل نکند که معمولا در چنین مواردی، کلاهبردار از کمی قبل از احساس شدن کلاهبرداری‌اش، تدارک فرار را دیده است.

یک متر خانه چند؟

اگر شما از امسال سالی ۱۰۰ میلیون تومان توان پس‌انداز برای خرید خانه داشته باشید، با احتساب اینکه قدرت سرمایه‌گذاری‌تان با افزایش نرخ مسکن رشد کند در نهایت بعد از ۴۰ سال می‌توانید یک خانه ۴۰ متری بخرید در حالی که اگر همین پول را در بازارهای دیگر سرمایه‌گذاری کنید مخصوصا صندوق‌های سرمایه‌گذاری، به مدد قانون سود مرکب در نهایت سود بیشتری می‌کنید. به همین دلیل است که در دنیا کسی به این شکل خانه نمی‌خرد و خانه خریدن به کمک تسهیلات بانکی انجام می‌شود پس بازار خرید متری خانه با چه هدفی رونق گرفته؟ کسانی که در این بازار سرمایه‌گذاری می‌کنند، می‌خواهند سهمی از رشد قیمت مسکن مخصوصا مسکن‌های در حال ساخت داشته باشند. در واقع به صورت متری، در پروژه ساخت یک بنا مشارکت کنند و بعد از اینکه ساخت خانه تمام شد و به فروش رفت به میزان رشد قیمتی که داشته سود ببرند. این سرمایه‌گذاری از نظر نرخ رشد قیمت مسکن خیلی منطقی است اما از نظر رکودی بودن بازار فروش و احتمال تاخیر زیاد در نقدشوندگی سرمایه، جذاب به نظر نمی‌رسد مخصوصا برای کسانی که سرمایه اندکی دارند و واقعا می‌خواهند در حد چند متر وارد این بازی شوند، بقیه بازارها جذاب‌تر به نظر می‌رسند. تازه این حساب و کتاب برای زمانی است که پیچیدگی‌های این بازار را ندانید. تصور کنید که شما از یکی از سایت‌های فروش آنلاین یا حتی شرکت‌های غیرآنلاین اقدام به مشارکت در ساخت مسکن کردید و با یک سرمایه اندک چندمتر از پروژه در حال ساخت را خریدید، اگر در حین ساخت قیمت تمام شده بیشتر شد، تکلیف خرید شما چه می‌شود؟ روی کاغذ به شما وعده داده می‌شود که سود شما تضمین شده است و مشکلات اینچنینی به پای سازنده خواهد بود اما در عمل شکایت‌های بسیاری در مورد عدم اجرای تعهدات سازنده‌های چنین پروژه‌هایی وجود دارد که باعث می‌شود در مورد این بازار هم هشدارهای زیادی شنیده شود. ضمن اینکه امکان صوری بودن کل ماجرا و تکرار خالی‌فروشی در این مورد هم اصلا کم نیست.

ستون پنجشنبه
دکتر امیررضا مافی

کوچ و گریز

دیروز بعد از پایان اولین جلسه ترم جدید دانشگاه، یک زوج دانشجو که از قبل می‌شناختمشان و در این نیمسال هم با من درس دارند، پیشم آمدند تا درباره موضوعی مشورت کنند. بچه‌های دیگر که رفتند و کلاس خالی شد، فهمیدم دو، سه هفته پیش، پس از سال‌ها نامزدی و رابطه، ازدواج کردند. خیلی خوشحال شدم. اما آن‌ها با چهره‌ای مضطرب و کلامی نگران به من گفتند: هفته آینده برای همیشه عازم یکی از کشورهای خلیج‌فارس خواهند شد. خوشحالی‌ام در ذهنم ماسید و با اتفاق دلخراش چند روز قبل کوی دانشگاه تهران آمیخته شد. من می‌فهمم مهاجرت، به‌ویژه برای جوانان، همواره در نگاه اول چیزی شبیه به یک رویاست؛ راهی برای فرار از رنج‌ها و محدودیت‌ها. فرصتی برای نو شدن، برای ساختن فردایی متفاوت. اما این رویا در دنیای امروز با پرده‌ای از ابهام و تردید پوشیده شده است. پرسیدم برای چه می‌روید، شما که مسئله‌ای ندارید؟ گفتند اینجا آینده نیست. پرسیدم: آینده آنجا چه شکلی است؟ گفتند می‌دانیم هر اندازه که تلاش کنیم موفق می‌شویم ولی اینجا شما می‌دانید فردا چه شکلی است؟ شما می‌توانید تضمین دهید که اوضاع خوب می‌شود؟ شما می‌توانید برای تخصص ما کار قابل‌قبول پیدا کنید؟ آنجا شرکت ثبت کردیم و بعد از چند سال هم به غرب خواهیم رفت. گفتم: وطن؟ خاک؟ مرد جوان گفت: این‌ها ارزش‌هایی است که برای ما برساخت کردند. وطن من خود من هستم، همسرم است. راستش پاسخی نداشتم برای ابهام فردا، حتی برای مفهوم وطن. برای مهم‌ترین دلیل انفعال بچه‌هایی که هر روز، جاهای مختلف تماشایشان می‌کنم. نیم ساعت آخر همین کلاس را درس نگفته بودم و به بچه‌ها پیشنهاد کردم اگر تمام جهان دست به دست هم بدهند که ما ناامید شویم و از حرکت بایستیم، خودمان باید برای خودمان کاری کنیم، خودمان باید برای فردایمان تلاش کنیم و دقیقا خانم جوان همین را به رویم آورد و گفت: خود شما چند دقیقه پیش مگر نگفتید که اگر همه جهان علیه آدم بشود، آدم از درون خودش می‌جوشد؟ ما اینجا کاری نداریم، چون نمی‌دانیم فردا چه طور خواهد شد. مردش ادامه داد: فلانی! امروز هر کس بتواند می‌رود و وطنش را هم با خودش می‌برد. راست می‌گفت. ما برای بچه‌ها فردا نساختیم. ما ابهام ضخیم آینده را نزدودیم، ما بچه‌ها را در تلخی محضی رها کردیم و به دعواهای خودمان مشغول شدیم. ما پیش چشمشان رویا نگذاشتیم و تا دلمان بخواهد این ناکامی‌ها امروز ضریب می‌گیرند. من دیروز به چشم خودم دیدم، در همان دقایق طلایی شروع یک زندگی جدید، یک زوج پرشور دنبال شروعی نو در آن سوی مرزها هستند و ما عمیقا از واقعیت تلخ از دست دادن جوانانمان بی‌خبریم. آن‌ها درباره فردایشان ابهام دارند و می‌روند و ما برای این ابهام کاری نکردیم و نمی‌کنیم. آن‌ها فقط می‌روند که رفته باشند. رفتن برایشان اهمیت دارد، نه چطور رفتن و نه چگونه آنجا زیستن. آن‌ها می‌روند که از ابهام و استیصال رها شوند. هر دوی این بچه‌ها، تک‌فرزند بودند و پدرومادر حامی هجرتشان. ما چه راه‌حلی برای جلوگیری از این گریز، چه به لحاظ منطقی و چه به لحاظ معرفتی ارائه کردیم؟ آیا می‌توانیم مانع گریز یک نفر شویم وقتی مابه‌ازایش چیزی نساختیم؟ ما چگونه باید رویا بسازیم برای این بچه‌ها که نروند در حالی که رویاها زیر هجوم ابهام در حال نابودی هستند. جوانان، در دنیایی که مملو از نامعلومی است، به جست‌وجوی امنیت و آرامش می‌گردند و ما این را کم داریم. مرد جوان به من گفت: استاد شما هم اگر رودربایستی با خودتان را کنار بگذارید، اگر بندهای اتصالتان را ببرید، فردا چمدانتان را برمی‌دارید و برای بچه‌هایتان می‌روید و من عمیقا به این سوال مشغول شدم و هستم. دست آخر به آن زوج جوان، فقط یک جمله گفتم: اگر شکست خوردید حتما برگردید. اینجا همیشه خانه شماست و روزنه‌ای در آن پیدا خواهد شد. کاش ما که ماندیم روزنه‌ها را همین حالا دریابیم و جلوی بسته شدنشان را بگیریم، اگر همچنان بمانیم...

اپ خبری هفت صبح
دانلود از وب سایت هفت صبح
www.7sobh.com

با نصب این نرم افزارموبایلی ، همزمان با تحریریه روزنامه هفت صبح از تازه ترین اخبار، تصاویر و ویدئوهای خبری آگاه شوید. محتوای خبری این اپلیکیشن متفاوت از روزنامه چاپی خواهد بود وسعی‌مان این است بین صدها خبر و گزارش روزانه ، مهم ترین اخبار را در اختیاراتان قرار دهیم. برای ثبت نظر ، لایک و ابراز احساسات نسبت به اخبار منتشر شده باید به عنوان عضو عادی ثبت نام کنید.
عضویت عادی و استفاده از نرم افزار رایگان است اما در نسخه جدید نرم‌افزار خبری هفت‌صبح این امکان فراهم شده است که اعضاء ویژه با خرید اشتراک هفتگی ، ماهانه یا سالیانه به نسخه pdf روزنامه و سایر گزارش‌ها ، یادداشت‌ها و مطالب اختصاصی روزنامه دسترسی پیدا کنید.

شیخ مسالمت جود تهران

در سفر امیرقطر به ایران چه گذشت؟

خبر سفر شیخ تمیم، امیر ۴۵ ساله قطر به تهران، درست زمانی اعلام شد که گزارش‌هایی از سوی رسانه‌های آمریکایی در مورد احتمال یادرمیانی عربستان و برخی از کشورهای عربی میان ایران و آمریکا، مطرح بود. با این حال عباس عراقچی، وزیرخارجه قاطعانه ارتباط میان سفر شیخ تمیم به تهران با شایعات را رد کرد. با همه اینها سفر امیر قطر در بحبوحه شرایط ناسامان منطقه و بالا گرفتن تنش‌ها میان تهران و واشنگتن توجه زیادی را به خود جلب کرد. شیخ تمیم که از جوان‌ترین حکمرانان در میان کشورهای عربی است در تهران با رئیس‌جمهور و رهبر انقلاب دیدار کرد. در مورد این سفر شیخ تمیم آل‌ثانی، بیشتر بخوانید.

رئیس‌جمهور در دیدار با امیر قطر، از نقش موثر و سازنده قطر در مسائل منطقه‌ای و جهانی به‌خصوص در برقراری آتش‌بس در غزه قدردانی کرد. از قبل هم گفته شده بود که یکی از اهداف مهم این سفر، صحبت در مورد مسئله غزه است. مسعود پزشکیان، رئیس جمهوری در نشست مشترک هیئت‌های عالی‌رتبه ایران و قطر با بیان اینکه روابط دو کشور همواره از روندی رو به ارتقا برخوردار بوده است، گفت: اشتراکات دینی و فرهنگی و منافع مشترک، پشتوانه‌های مستحکم برای تقویت و گسترش بیش از پیش روابط دوجانبه و دوجه است. رئیس‌جمهور بر ضرورت تسریع در اجرای توافقات مشترک میان دو کشور تاکید کرد و افزود: اجرای این توافقات، علاوه بر ارتقای سطح همکاری‌ها، افق‌های جدیدی پیش‌روی روابط صمیمی و دوستانه ایران و قطر ایجاد می‌کند. امیر قطر در این نشست با ابراز خشنودی از روند رو به گسترش روابط دو کشور، خواستار انجام همه اقدامات لازم برای تسریع این روند شد و تصریح کرد: روابط ایران و قطر از دیرباز دوستانه و صمیمی بوده و با وجود افزایش حجم این روابط در سال‌های اخیر، هنوز تا سطح مورد نظر سران دو کشور فاصله داریم.

شیخ تمیم بن حمد آل‌ثانی همانطور که همکاری‌های دوجانبه و منطقه‌ای ایران و قطر را ستوده و بر بستر منافع مشترک عنوان کرد و گفت: تلاش خواهیم کرد با برگزاری منظم کمیسیون‌های مشترک همکاری‌های اقتصادی تعاملات و تبادلات دو کشور را به سطح هدف‌گذاری شده، برسانیم. گفته‌های دو طرف نشان می‌دهد که روابط نزدیک دو کشور با وجود تغییرات گسترده در خاورمیانه طی یک سال و نیم اخیر، ادامه خواهد داشت.

طبق آنچه که در رسانه‌ها اعلام شد، در این سفر مقامات عالی‌رتبه جمهوری اسلامی ایران و قطر، شش سند و یادداشت تفاهم همکاری در بخش‌های مختلف اقتصادی و تجاری، فرهنگی، آموزشی و ورزشی به امضا رساندند. اما ناظران معتقدند تنها هدف از این سفر مسائل اقتصادی و همکاری‌های دوجانبه نیست. تصویر منتشر شده از دیدار هیئت‌های دو کشور در کاخ سعدآباد نشان می‌دهد که افرادی چون مهدی سنایی، معاون سیاسی رئیس‌جمهور و سفیر سابق ایران، عباس عراقچی و زبرخارجه و سیدعباس موسوی سفیر ایران در آذربایجان از همراهان پزشکیان در جلسه روز چهارشنبه بوده‌اند؛ به نکته مبهمی در حوزه انرژی کشور بیان شده، چه معنایی در دل خود پنهان دارد؟ آیا این جمله را باید فراری از تعهدات اساسی دولت در قبال نقل‌وانتقال گاز دانست یا تغییر استراتژی اجتناب‌ناپذیر در مواجهه با تنگناهای اقتصادی؟

برای درک بهتر عمق این تصمیم و پیامدهای آن، می‌توان به اظهارات عبدالوهاب سیهال آبادی، رئیس خانه صنعت و معدن ایران، رجوع کرد. او با لحنی انتقادی و صریح، پرسش‌های کلیدی را مطرح می‌کند: «وزیر نیرو چه حقی دارد که از زیر بار تامین برق صنایع شانه خالی کند؟ این چطور نیرو ساخت تهیه کردن است؟» این سوال، ریشه در انتظارات و حقوقی دارد که فعالان صنعتی از دولت به عنوان متولی اصلی زیرساخت‌های کشور دارند.

سهیل آبادی در ادامه، با اشاره به بخشنامه وزارت صمت مبنی بر ممنوعیت تقسیط حقوق قطعی معادن، دامنه نگرانی‌ها را گسترده‌تر می‌کند: «وزارت صمت ابلاغ کرده که تقسیط حقوق دولتی معادن ممنوع است؛ این جور بخشنامه‌ها عجیب نیست؟» این پرسش، نه تنها به تناقضات احتمالی در سیاست‌های اقتصادی دولت اشاره دارد، بلکه از یک رویکرد منسجم سیاسی رئیس‌جمهور و سفیر سابق ایران، عباس عراقچی و زبرخارجه و سیدعباس موسوی سفیر ایران در آذربایجان از همراهان پزشکیان در جلسه روز چهارشنبه بوده‌اند؛ به نشان می‌دهد وزن دیپلمات‌های تیم رئیس‌جمهور بالا بوده است و احتمالا گفت‌وگوهای قبلی‌ای در مورد مسائل منطقه و حتی شاید تنش‌ها میان تهران و واشنگتن در گرفته باشد.

امیر قطر که به دلیل قد بلند ۱۹۱ سانتی‌متری و انعطاف سیاسی خود متهم است، در سال‌های اخیر روابط نزدیکی با تهران داشته است. در واقع پس از اینکه قطر از سوی عربستان طرد و تحت محاصره سیاسی و اقتصادی قرار گرفت، او به تهران و آنکارا در بست و مقامات ایرانی ناامید نکردند. به‌نظر می‌رسد که شیخ تمیم با نوعی همدلی و حس قدرشناسی با ایران برخورد می‌کند. جالب است بدانید که رئیس‌جمهور ایران، ۱۱ مهر ۱۴۰۳ به دعوت رسمی شیخ تمیم بن حمد آل‌ثانی، به این کشور سفر کرد و بلافاصله در اقدامی متمایز مهمان منزل شخصی امیر قطر شد؛ که نشان از صمیمیت دو طرف داشت.

قطر سابقه بیش از یک دهه در میانجی‌گری دارد. در واقع دوحه به دلیل روابط نزدیک با اغلب کشورهای جهان، از شرق تا غرب، موقعیتی استثنایی برای خود رقم زده است. خانواده آل‌ثانی نزدیک به دو قرن است که در این منطقه قدرت دارند و همین پیشینه آنها را به گزینه‌ای امن برای همه طرف‌ها تبدیل کرده است. او که به‌عنوان مردی بلندپرواز شناخته می‌شود که در فکر ایده‌ای درخشان برای قطر است، تنش در خاورمیانه را برای اهداف توسعه‌طلبانه خود مانند یک سم مهلک در نظر می‌گیرد. به همین دلیل است که او در سال‌های گذشته قطر را به یک میانجی اساسی تبدیل کرده است. دوحه سال‌ها وقت صرف ایجاد صلح در افغانستان کرده.

با این حال بسیاری معتقدند این کشور باعث و بانی بازگشت طالبان به قدرت بوده. بعد از آن با واقعه هفت اکتبر، قطری‌ها تمرکز خود را بر روی آتش‌بس در غزه میان اسرائیل و حماس گذاشتند. اما حالا دو پرونده دیگر، روی میز شیخ تمیم آل‌ثانی است. اولـی مربوط به بازگشت ثبات در سوریه با کمک کشورهای عربی بوده و دومی مرتبط با تنگه‌ای است که ترامپ برای باریکه غزه کشیده است. کشورهای عربی از قطر به‌عنوان میانجی توقع دارند تا هر طور شده با کمک عربستان در مقابل توسعه‌طلبی ترامپ در باریکه غزه ایستادگی کند.

گزارش دو

دوستی ترامپ و پوتین چه تاثیری بر ایران دارد؟

از روزی که ترامپ تلفن کاخ سفید را برداشت و به رئیس‌جمهور روسیه زنگ زد تا مشکلات بین دو کشور بعد از سه سال دوری حل وفصل شود، بدبینی‌ها نسبت به این اتفاق شدت پیدا کرد. اجلاس روز سه‌شنبه در ریاض و مواضع ترامپ و توافق بر سر اوکراین نشان داد که بدبینی‌ها ریشه در برخی واقعیات سیاسی و بین‌المللی دارد. اروپایی‌ها احساس می‌کنند که ترامپ ناگهان و پس از ۹ دهه به آنها پشت پا زده و در مقابل پوتین، رهایشان کرده و اوکراین بازی را تا حد زیادی باخته است. در تهران هم برخی معتقدند نزدیکی پوتین و ترامپ می‌تواند به ضرر ایران تمام شود. البته این دیدگاه، تنها نظری نیست که در خصوص چنین ماجرایی وجود دارد. گروه دیگری از ناظران می‌گویند احتمال این هم وجود دارد که ایران بتواند از طریق پوتین، امتیازاتی را از طرف آمریکایی بگیرد.

در همین زمینه دیوید فرنچ در مقاله‌ای در نیوزک‌تایمز که عصر ایران آن را ترجمه کرده نوشته است: هر گونه تفاهم یا توافق میان ترامپ و پوتین درباره اوکراین می‌تواند با واکنش‌های منفـی از سـوی متحدان ایالات‌متحده و حتـی برخی اعضای کنگره این کشور همراه باشـد. ایـن وضعیت با افزایش فشـارهای داخلی در آمریکا منجر مجموع می‌تواند کفـه مذاکرات پوتین و ترامپ در مورد اوکراین می‌تواند تأثیرانی فراتر از اوکراین داشته باشد. نحوه تعامل این دو رهبر می‌تواند بـر بحران‌های دیگر مانند وضعیت سـوریه و ایران نیز تاثیـر بگذارد. طبیعی اسـت که کاهش فشـار بر روسیه در اوکراین به افزایش نقش این کشـور در بحران‌های دیگر منجر خواهد شد.

با این حال و با وجود تحلیل‌هایی که مطرح شـده، حوزه روس‌ها وعده‌هـای متفاوتی می‌دهنـد. سخنگوی کاخ کرملیـن روز سـه‌شنبه با تکیه بـر شـایعات، گفت که مذاکرات میان روسـیه و آمریـکا اثری بر همکاری‌های میان مسـکو و تهران نخواهد داشت. پسـکوف همچنین خاطرنشان کرد روسیه آماده کمک برای حل‌وفصل مسائل پیرامون برنامه هسـته‌ای ایران اسـت. اما هنوز نمی‌دانیم که می‌شـود به حرف‌های پسـکوف، دیپلمات ۵۷ سـاله روس اتکا کرد یا ایران ممکن اسـت در مسئله روسیه تجربه‌های مشـابه یـا آنچه بین سـال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ داشـت، تکرار شـود. در تهران، اعتماد به روس‌ها و دعوت به چنین اعتمادی کاری دشـوار به‌نظر می‌رسد، اما شـاید دعوت به صبوری برای دیدن نتایج تحولات از یکسـو و پیگیری دیپلماسـی همه‌جانبه از سوی دستگاه وزارت خارجه از سوی دیگر، گزینه مناسب‌تری باشد.

یادداشت اقتصادی

خاموش صنایع؟

تفسیر یک تصمیم در میانه جنگ اقتصادی

پارسـا ملکی | به‌تازگی، اظهارات وزیر نیـروی دولت، عبـاس علـی آبـادی مبنی بر عدم الـزام این وزارتخانه به تامین برق صنایع، موجی از نگرانی و پرسش را در میان فعالان اقتصادی و صنعتی کشـور به راه انداخته اسـت. این تصمیم که در شـرایط دشـوار جنگ اقتصادی اتخاذ شده نه‌تنها ابهامات جدی را در خصـوص آینده بخش صنعت ایجاد کرده، بلکه سوالات بنیادینی را درباره رویکرد و وظایـف دولت در قبال اقتصاد کشـور مطـرح می‌سـازد. «دیگر موظف به تامین برق صنایع نیسـتیم؟» این جمله کوتاه که در نامه‌ای از طرف عالی‌ترین مقام مسـئول در حوزه انرژی کشـور بیان شـده، چه معنایی در دل خود پنهان دارد؟ آیا ایـن جمله را بایـد فـراری از تعهدات اساسـی دولت در قبال نقل‌وانتقال گاز دانست یا تغییر اسـتراتژی اجتناب‌ناپذیر در مواجهه با تنگناهای اقتصادی؟

برای درک بهتـر عمـق ایـن تصمیم و پیامدهـای آن، می‌توان بـه اظهـارات عبدالوهـاب سـیهال آبادی، رئیـس خانه صنعت و معدن ایران، رجوع کرد. او با لحنی انتقـادی و صریح، پرسـش‌های کلیدی را مطرح می‌کند: «وزیر نیرو چه حقی دارد که از زیر بار تامین برق صنایع شانه خالی کند؟ این چطور نیرو سـاخت تهیه کردن اسـت؟» این سوال، ریشه در انتظارات و حقوقی دارد که فعالان صنعتی از دولت به عنوان متولی اصلی زیرساخت‌های کشور دارند.

سهیل آبادی در ادامه، با اشـاره به بخشنامه وزارت صمت مبنی بر ممنوعیت تقسـیط حقوق قطعـی معادن، دامنـه نگرانی‌ها را گسـترده‌تر می‌کنـد: «وزارت صمت ابلاغ کرده که تقسـیط حقوق دولتـی معادن ممنوع اسـت؛ این جور بخشنامه‌ها عجیب نیسـت؟» این پرسـش، نه تنها به تناقضات احتمالی در سیاسـت‌های اقتصادی دولت اشـاره دارد، بلکه از یک رویکرد منسـجم سـیاسی رئیس‌جمهور و سفیر سـابق ایران، عباس عراقچـی و زبرخارجه و سـیدعباس موسوی سفیر ایران در آذربایجان از همراهان پزشکیان در جلسه روز چهارشـنبه بوده‌اند؛ به نشـان می‌دهـد وزن دیپلمات‌های تیم رئیس‌جمهور بـالا بـوده اسـت و احتمالا گفت‌وگوهـای فشـرده‌ای در مورد مسـائل منطقه و حتی شـاید تنش‌ها میـان تهران و واشنگتن در گرفته باشد.

امیـر قطر کـه به دلیـل قد بلنـد ۱۹۱ سـانتی‌متری و انعطاف سیاسی خود متهم است، در سـال‌های اخیر روابط نزدیکی با تهران داشته است. در واقع پس از اینکه قطر از سوی عربستان طرد و تحت محاصره سیاسی و اقتصادی قرار گرفت، او به تهران و آنکارا در بست و مقامات ایرانی ناامید نکردند. به‌نظر می‌رسد که شیخ تمیم با نوعی همدلی و حس قدرشناسـی با ایران برخورد می‌کند. جالب اسـت بدانید که رئیس‌جمهور ایران، ۱۱ مهر ۱۴۰۳ به دعوت رسمی شـیخ تمیم بن حمد آل‌ثانی، به این کشـور سـفر کرد و بلافاصله در اقدامـی متمایز مهمان منزل شـخصی امیر قطر شد؛ که نشان از صمیمیت دو طرف داشت.

قطـر سـابقه بیـش از یـک دهـه در میانجی‌گـری دارد. در واقع دوحـه به دلیل روابط نزدیـک با اغلب کشـورهای جهان، از شرق تا غرب، موقعیتی اسـتثنایی برای خود رقم زده اسـت. خانواده آل‌ثانی نزدیک به دو قرن اسـت که در این منطقه قـدرت دارند و همین پیشـینه آنها را به گزینه‌ای امن برای همه طرف‌ها تبدیل کرده است. او که به‌عنوان مردی بلندپرواز شـناخته می‌شود که در فکر ایده‌ای درخشـان برای قطر اسـت، تنش در خاورمیانه را برای اهداف توسـعه‌طلبانه خود مانند یک سـم مهلک در نظـر می‌گیرد. به همین دلیل اسـت که او در سال‌های گذشـته قطر را بـه یک میانجی اساسـی تبدیل کرده اسـت. دوحه سال‌ها وقت صرف ایجاد صلح در افغانستان کرده.

با این حال بسیاری معتقدند این کشور باعث و بانی بازگشت طالبان به قدرت بوده. بعد از آن با واقعه هفت اکتبر، قطری‌ها تمرکز خود را بر روی آتش‌بس در غزه میان اسرائیل و حماس گذاشـتند. اما حالا دو پرونده دیگر، روی میز شـیخ تمیم آل‌ثانی اسـت. اولـی مربوط به بازگشت ثبات در سـوریه با کمک کشورهای عربی بوده و دومی مرتبط با تنگـه‌ای اسـت که ترامپ برای باریکه غزه کشـیده اسـت. کشـورهای عربی از قطر به‌عنـوان میانجی توقع دارند تا هر طور شـده با کمک عربستان در مقابل توسـعه‌طلبی ترامپ در باریکه غزه ایسـتادگی کند.

چهره روز

مدیر جدید شرکت ۶ هزار میلیاردی

از سعید زرندی، رئیس جدید فولاد مبارکه اصفهان چه می‌دانیم؟

دیروز اعلام شد که آقای سعید زرندی به عنـوان مدیرعامل شـرکت فولاد مبارکه اصفهان انتخاب شده است.

چرا مهم اسـت؟ فـولاد مبارکه طبق ردهبندی صد شـرکت برتر ایران که سازمان مدیریت صنعتی طبق اطلاعات سـال مالی ۱۴۰۲ منتشر کرده است؛ ششـمین شـرکت برتر ایران و اولین شرکت فولادی کشور است. این شرکت در سـال ۱۴۰۲، ۳۰۰۰ هـزار میلیارد تومان فروش داشته که تقریبا ۵۰ درصد نسبت به سال قبل از آن بیشتر است. همچنین ارزش این شرکت در بورس تهران، بر مبنـای اطلاعات دیروز بازار سـرمایه ۵ هزار و ۸۵۳ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان است.

البته تغییر این سمت برای فوتبالی‌ها نیز مهم است چرا که تیم سپاهان متعلق به فـولاد مبارکه یکـی از قدرت‌های همیشـگی فوتبال ایران و یکی از مدعیان همیشگی قهرمانی در لیگ برتر است.

از آقای زرندی چه می‌دانیم؟ او متولد سال ۱۳۵۹ است و پیش از این سمت، معاون طرح و برنامـه وزارت صنعت، معدن و تجارت و مدیرعامل شـرکت سرمایه‌گذاری صنایع شیمیایی ایران بوده اسـت. آقای زرندی، آن طور که سایت رویداد ۲۴ گفته، فرزند آیت‌الله زرندی، امام جمعه پیشـین کرمانشاه بوده اسـت. آیت‌الله محمد حسـین زرندی در سال ۱۳۱۱ متولد شد و در سال ۱۳۹۳ از دنیا رفت. آیت‌الله زرندی از سال ۱۳۶۴ تا سـال ۱۳۸۶ نماینده ولی‌فقیه در استان کرمانشـاه و امام جمعه مرکز این استان بود.

آقای زرنـدی چه تحصیلاتـی دارد؟ زرندی دانش آموخته رشته مهندسی معدن دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد مدیریت فناوری اطلاعات از دانشـگاه تهران و دکترای مدیریت دولتی گرایش توسـعه از دانشـگاه علامه طباطبایی است و هم اکنون عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی است.

مشـروح سـمت‌های آقـای زرندی چیسـت؟ او ظاهـرا کارش را از مرکز گسـترش فناوری اطلاعـات وزارت صمت آغاز کرده و سـپس در سـال ۱۳۸۴ به عنوان معاون دبیرخانه ستاد فولاد آغاز به کار کرد. سه سال بعد هم به عنوان مدیر کل دفتر آمار و فراوری داده‌های وزارت صنایع و معادن و فلزات منصوب شـد و همزمان با این سمت مسئولیت دبیر سـتاد پایش تولید و سرمایه گذاری وزارتخانه را نیز برعهده وزارت عوض شد.

بعد از آن بود که با تاسیس استان البرز به عنوان اولین رئیس سازمان صنایع و معادن این استان معرفی شد و تا سال ۱۳۹۱ در این مسئولیت فعالیت کرد. در همان استان البرز بود که به عنوان مدیرکل ارتباطات و فناوری اطلاعات استان نیز منصوب شـد. دیدگاه‌ها و پیگیری‌های او درباره «ارتباط صنعت، صنعت، معدن و تجارت منصوب شد. زرندی همچنین تا سال ۱۴۰۰ به‌عنوان جانشین وزیر در کمیسیون اقتصادی دولت، شورای اقتصاد مقاومتی، شورای عالی بورس، شورای توسعه مناطق آزاد، شـورای عالی بیمه، شـورای سرمایه گذاری خارجی و شورای پول، اعتبار، ایفای نقش کرد.

پیش از آقای زرندی چه کسـی مدیر فولاد مبارکه بود؟ آقای محمد طیب‌نیا به مدت سه سال و پنج ماه. آن طور که سایت چیلان، رسانه فولاد ایران نوشته: اجرای طرح انتقال آب از خلیج فارس به به عنوان معاون طـرح و برنامه وزارت نیرو، ساخت نیـروگاه سیکل ترکیبی، توسـعه تولید فولاد سبز، سـرمایه‌گذاری در شرکت‌های دانش‌بنیان، توزیع بیشترین میزان سود در دو سـال اخیر، تولید پنج محصول جدید در سال جاری، حرکت به سمت انرژی‌هـای تجدیدپذیـر، خرید اپال پارسـیان سنگان، رشد سـودآوری و افزایش ارزش پورتفوی سرمایه‌گذاری شرکت کارنامه آقای طیب‌نیا بوده است.

دو نکته جالب توجه: اولا از آقای زرندی به عنوان گزینه معرفی شده توسط روحانی به مسعود پزشکیان به عنوان وزیر صحت یاد شده اسـت که البته او به این سمت نرسـید ولی حالا سمت تجاری فوق‌العاده مهمی را کسب کرده است. از سوی دیگر آقای زرندی کتبی در زمینه مبارزه با فساد و سلامت اداری نوشته و حالا به شرکتی رفته که دقیقا در روزهای ابتدایی دولت رئیسی متهم به فسادی بزرگ شد هرچند که بعدها معلوم شد اعداد و ارقام آن فساد واقعی نبوده و در واقع توام با پروپاگاندای سیاسـی علیه دولت روحانی توسـط برخی نمایندگان مجلس بیان شـده است.

گلری

۷ تصویر جالبی از حاشیه دیدار هیات قطری و هیات ایرانی، عباس عراقچی را در این قاب می بینید. عکس از ایرنا

۸ جدیدترین دستاوردهای موشکی و پهپادی نیروی زمینی سپاه که در جریان مرحله دوم رزمایش پیامبر اعظم با حضور سرلشکر باقری رونمایی شد. عکس از ایسنا

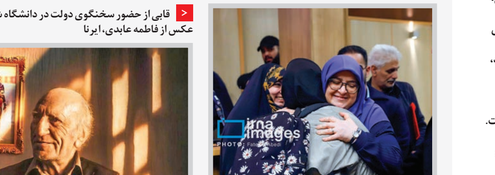

۶ قابی از حضور سخنگوی دولت در دانشگاه شریف. عکس از فاطمه عابدی، ایرنا

۷ شینا انصاری، معاون رییس جمهور در مراسم شصت‌وپنجمین سالگرد زادروز اپیمراطور ژاپن مورد استقبال سفیر ژاپن در ایران قرار گرفت.

۸ پوستری که تیم گل گهر برای دربی کرمان (گل گهر سیرجان-مس رفسنجان) با تصویری از استاد فقید «باستانی پاریزی» طراحی کرده است.

۸ پژمان بازغی و همسر سابقش مستانه مهاجر و دخترشان در جشن تهیه کنندگان سینما

سایت نگار سیاسی / گزیده‌ای از تحلیل‌های جناح‌های سیاسی

سخنان فرمانده سپاه در مورد نوار رزم سپاه؛ سردار سرلشکر پاسدار حسین سلامی عصر چهارشنبه در حاشـیه مرحله اصلی رزمایش پیامبر اعظم ۱۹ نیروی زمینی سپاه در گفت و گو با خبرنگاران تاکید کرد: ایران کشوری مقتدر و با قدرت است و در مقابل هر گونه تهدید و تجاوزی با قدرت از منافع و استقلال ایران اسلامی دفاع می‌کند.

توان رزم سخت نیروهای مسـلح جمهوری اسلامی در حوادث و صحنه های مختلف ۴۶ سال اخیر از جمله عملیات‌های وعده صادق یک و دو به نمایش گذاشـته شده است.

جمهوری اسلامی ثابت کرده که برای برخوردهای سخت، اراده لازم را دارد و به سلاح‌های پیشرفته مجهز است. هر چیزی که دنیای مدرن از نظر تسلیحات و سخت افزار نظامی دارد، سپاه نیز در همان مقیاس دارد.

دشمن با تمرکز بر نامیدسازی جوانان به دنبال این است که جوانان کشور را نسـبت به توانمندی و دسـتاوردهای نظام اسلامی دچار تردید کند. (ایرنا)

موضوع اف ای تی اف همچنان در مجمع در حال بررسی است؛ سومین جلسه کمیسیون مشترک مجمع به ریاسـت آیت الله صـادق آملی لاریجانـی، با حضور نمایندگان کمیسیون‌های «اقتصادی»، «سیاسی، دفاعی و امنیتی»، «حقوقی و قضایی» مجمع، معاون وزیر اقتصاد و رئیس مرکـز اطلاعات مالی، معـاون رئیس کل بانک مرکزی و نماینـدگان وزارت امور خارجه و وزارت نفت با موضوع آثار حقوقی پیوسـتن جمهوری اسلامی ایران به کنوانسـیون «مقابله با تامین مالی تروریسـم» (CFT) برگزار شد.

اعضای کمیسـیون مشـترک مجمع تشخیص مصلحت نظام پس از استماع نتایج بررسـی‌های کارگروه متناظر این کمیسـیون در دبیرخانه مجمع در ادامه به تبادل نظر درباره ایرادات شـورای نگهبان در خصوص آثار حقوقی پیوسـتن به کنوانسـیون مقابله با تامین مالی تروریسم و بیان دیدگاه‌های خود در پذیـرش یا عدم پذیرش آن به الحاق پرداختند.

در ادامه اعضای کمیسـیون مشـترک به تبـادل نظر پرداختند و ایرادات شورای نگهبان در خصوص مفاد آن کنوانسـیون مورد بررسی قرار گرفت. (ایسنا)

پزشـکیان در مورد FATF چه گفت؟ مسـعود پزشکیان پیش از ظهر چهارشنبه در جریان حضور سرزده در وزارت امور اقتصادی و دارایی، طی نشستی با رئیس، معاونین و مدیران ارشد، این وزارتخانه با تأکید بر اینکه اگر در نظام اقتصادی ما اجرای قانون مبتنی بر مدیریت داده‌ها و اطلاعات به درسـتی صورت گیرد، اساسا بسـتری برای فساد ایجاد نخواهد شـد که بخواهیم با مفسدین مقابله کنیم، افزود: چرا عده‌ای باید از عناوینی مانند FATF فرار کنند در حالی که می‌توانیم با اجرای چنین سـامانه و کاری در داخل کشور جریان نقدینگی را رصد کنیم و مانع از خروج منابع کشور یا وقوع جرائم مالی شویم. البته خوشبختانه اقداماتی در این زمینه در دولت در حال انجام است که باید به آن سرعت بخشید و در صورت اجرا خیلی از مشکلات ما در این بخش مرتفع خواهد شد. (ایسنا)

آمارهای جالب توجهی که یک جامعه‌شـناس بیان کرد؛ محمد فاضلی در هجدهمین همایش سالانه انجمن علوم سیاسی ایران که در دانشـگاه مطالعات جهان دانشگاه تهران برگزار شد، اظهار کرد: در سال‌های ۸۴ و ۹۷ دو پیمایش فرهنگ سیاسـی مردم ایران انجام شد. منظور از فرهنگ سیاسـی، باورها و گزاره‌های بنیادینی است که در ذهن مردم یک کشور وجود دارد و کنشـگری سیاسـی آنان را شـکل می‌دهد. در سـال ۸۴ شاخصه مشروعیت نظام سیاسی، ۶۲ بود و سال ۹۷ به ۵۲ کاهش یافت. دومین شاخص مبنای دینی مشروعیت سیاسی بود که از ۶۸ درصد در سـال ۸۴ به ۵۴ در سال ۹۷ کاهش یافت.

وی افزود: شـاخص اعتماد به نهادهای نظامی نیز از ۴۶ درصد به ۳۹ درصد رسید. شـاخص اعتماد به مسئولان نظام سیاسی از ۴۱ درصد به ۳۴ درصد کاهش پیدا کرد. احسـاس عدالت توزیعی در سـال ۸۴ به میزان ۲۴ درصد بود که در سـال ۹۷ به ۲۳ درصد رسـید. شاخص عدالت رویه‌ای نیز از ۲۵ درصد در سال ۸۴ رسید به ۳۲ درصد در سال ۹۷. شاخص احسـاس پاسخگویی نظام سیاسی نیز از ۳۸ درصد به ۳۱ درصد رسید. احسـاس بی‌قدرتی مردم نیز از ۵۱ درصد به ۶۰ درصد افزایش یافت.

این استاد دانشـگاه ادامه داد: در مورد شاخص احسـاس کارآمدی نظام سیاسی در بعد اقتصادی نیز در سال ۸۴، به میزان ۶۴ درصد مردم این شـاخص را بد و خیلی بد می‌دانسـتند که این رقم در سال ۹۷ به ۷۲ درصد رسـید. در بعد خارجی نیز ۴۵ درصد جامعه در سال ۸۴ فکر می‌کرد که سیاسـت خارجی جمهوری اسلامی کارآمد نبوده است و این عدد در سـال ۹۷ به ۶۴ درصد افزایش یافت. نکته جالب این اسـت که پژوهش‌های انجام‌شده در سـال ۸۴ و ۹۷، هر دو نشـان می‌دادند که جامعه ایران تسـاهل‌گر و ضدخشونت است.

فاضلی بیان کرد: پرسشی که سال ۹۷ به پیمایش اضافه شـد، مربوط به نظر مردم در مـورد دخالت حکومت در حجاب و نحوه لباس پوشـیدن مردم بود. در سـال ۹۷، بیش از ۴۳ درصد مردم مخالف و کاملاً مخالف و تنها ۳۶ درصد موافق دخالت حکومت در این امور بودند و مابقی در این زمینه تردید داشتند. این مخالفت در بین جوانان و تحصیل‌کردگان بیشـتر بود. یکی از بدترین شاخص‌ها در هر دو پیمایش، امید به آینده ایران بود. این شـاخص در سال ۸۴، به میزان ۴۸ درصد بود که در سال ۹۷ به ۳۳ درصد کاهش یافت.

وی عنوان کـرد: در نتیجه‌گیری از پیمایش سـال ۹۷ می‌توان گفت که گروه سـنی ۱۵ تا ۲۹ سـال، ارزیابی منفی‌تری از حرکت تاریخی جامعه ایران در ۱۰۰ سـال گذشته دارد، بیشتر با تعامل سازنده با جهان موافق است، بیشتر از آزادی حمایت می‌کند، کمتر مایل به مشارکت سیاسی عینی اسـت و کمتر از اعمال خشونت سیاسی حمایت می‌کند. به طور کلی نسل جوان و تحصیل‌کرده، ارزش‌های دموکراتیک قوی‌تری دارد.

این استاد دانشگاه با بیان اینکه سـال ۹۷ صدای مردم شـنیده نشد، گفت: سطح نارضایتی مردم که در پیمایش‌ها بازتاب یافته بود، نشان می‌داد که باید تغییراتی در شیوه حکمرانی صورت گیرد که همـوسیی بیشتری را با تحولات ارزش‌های نسل جوان داشته باشـد. در ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ دقیقا عکس این کار انجام شد. (جماران)

تهرانی‌ها به اشباح زورگیر جان می‌دهند

پرونده حوادث

سریال قتل‌ها توسط سارقان خفت‌گیر، هر چند وقت یک‌بار در پایتخت تکرار می‌شود

در زندان تهران بزرگ فشـافویه جا برای سوزن انداختن نیسـت. آنجا بیش از ۱۵ هزار مددجو روزگار می‌گذرانند که تعداد زیادی از این افراد همیـن سـارقان و زورگیرانی هسـتند که در طرح‌های پلیس پیشگیری دسـتگیر می‌شوند. در واقع ماموران پلیس، جانشان را کف دسـتشان می‌گذارند تا این افراد شرور را دسـتگیر کنند اما از آن طرف قانون، مجازات چندان سـخت و سختی برای سـارقان در نظر نمی‌گیرد و اقامت آنها در زندان آنقدرها هم طول نمی‌کشد.

انگار مار به زندان می‌آیند و افعی بیرون می‌روند. اولین‌بار به اتهام سرقت دسـتگیر می‌شوند و گاهی بار دوم به اتهام قتل!

خفت‌گیری مرگبار در پارک نهج‌البلاغه

اواسـط پاییز سـال ۱۴۰۲ با ثبت شکایت‌های سـریالی شـهروندان و مالباختگان با موضوع خفت‌گیری در بوسـتان‌های نهج‌البلاغه، فدک و پردیسان رسـیدگی به موضوع در دستور کار کارآگاهان پلیـس آگاهی تهران قـرار گرفت. سـارقان با ایجـاد رعـب و وحشـت و حتی ضرب‌وجرح افراد و وادار به تسلیم کردن اموالشان می‌کردند. در جریان همیـن ضرب‌وجرح‌های بی‌رحمانـه جوان ۳۰ سـاله تهرانـی در پارک نهج‌البلاغه به کام مرگ فرو رفت.

در حالی که ردیابی باند سارقان جنایتکار ادامه داشت، شش نفر از متهمان با تلاش کارآگاهان پایگاه دوم پلیس آگاهی تهران ردیابی و در پاتوق خود واقع در فرحـزاد تهران در یـک عملیات ضربتی دسـتگیر شدند.

کارآگاهان با به‌کارگیری مخبران خود در میان خلافکاران موفق به دزدی باند تبهکاران شده و سرانجام آنها را به دام انداختند. آنها ادعا می‌کنند دو همدسـت فراری‌شـان مسـبب همه جنایت‌ها هسـتند و تلاش می‌کنند گناه را گردن یکدیگر بیندازند. همچنین مشخص شـد که این افراد گوش‌های مرتبط با رابط خود فروخته و از شهر مشهد آنها را به افغانستان می‌فرستادند.

در حالی که حین تحقیقات مشخص شد که قتل فجیع جوان تهرانی در تاریخ سوم دی‌ماه امسال نیز توسط اعضای این باند رخ داده بود، رسیدگی به موضوع در دسـتور کار ایـن بازپرس جنایی قرار گرفـت و همچنین کارآگاهـان اداره دهم پلیس آگاهی تهران تحقیقـات را در این زمینه کلید زدند.

نامزد مقتول که در زمـان حادثه همراهش بود در اولیـن تحقیقات گفت: «من و همسـرم آن شـب برای ورزش به پـارک نهج‌البلاغه رفتیم. نیم ساعتی پیاده‌روی کردیم و روی یک نیمکت نشسـتیم تا استراحت کنیم که یک‌دفعه چند مرد چاقوبه دست به ما حمله کردند. به‌سرعت من را داخل جوی آب پرتاب کرد و یک چاقو به پشتم زدند که باعث شد بعدا کمرم چند بخیه بخورد. دستبندم را از دستم کشیدند و صدای فریادهای شوهرم را می‌شـنیدم و همزمان درد شـدیدی که داشـتند به او هم چاقـو می‌زدند. آنها اصـلا نگفتند چه می‌خواهند و فقط حمله کردند. ما هیچ مقاومتی نکردیم یعنی اصلا کار به مقاومت نرسید. همین که حمله کردند ضربات آغاز شـد. من توانایی حرکت نداشتم که صدای شوهرم را شنیدم که گفت بلندشو آنها رفتند. با زحمت از داخل جوی آب بیرون آمدم و دیدم شوهرم غرق خون است.» متهمان در حالی بازسـازی صحنه قتل را انجام دادند که سعی می‌کردند گناه را گردن یکدیگر بیندازند. رسیدگی به این پرونده در جریان روال قضائی

دستور زبان عشق

آدمی را
توانایی عشق نیست
در عشق می‌شکند و می‌میرد

احمدرضا احمدی

امام علی علیه السلام

أَیُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ فَمَا خُلِقَ امْرُؤٌ عَبَثاً فَیَلْهُوَ وَلَا تُرِکَ سُدًی فَیَلْغُوَ.

ای مـردم! از خـدا بترسید؛ زیرا هیچ کـسی عبث آفریده نشده است، تا به سرگرمی و غفلت گذراند و مهمل رها نشده است تا بیهودگی کند.

نهج‌البلاغه (صبحی صالح) ص ۵۴۰، ح ۳۷۰

واگویه‌های انتظار

نسیمت آمد و رؤیای دفترم آشفت
نه شعر، خواب پریشان که گفته‌اند اینست
غم غروب و غم غربت وطن بی تو / نماز شام غریبان که گفته‌اند اینست

حسین منزوی

اوقات شرعی تهران: اذان صبح ۰۵:۲۰ | طلوع خورشید ۰۶:۴۵ | اذان ظهر ۱۲:۱۸ | غروب خورشید ۱۷:۵۱ | اذان مغرب ۱۸:۰۹

هفت صبح | روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری و اقتصادی
سال چهاردهم | شماره ۳۹۹۴ | پنجشنبه | ۲ اسفند ۱۴۰۳
صاحب امتیاز: شرکت هفت صبح ماندگار

مدیر مسئول و سردبیر: آرش خوشخو
دبیر آنلاین: صدرا بکتاش
مدیر هنری: وحید غفاری

هفت صبح

بازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

نشانی: تهران، خیابان سهروردی جنوبی، خیابان اقلیمی، کوچه شازاد، پلاک ۳
کد پستی ۶۵۳۵۱-۱۵۶۶۷
تلفن: ۸۸۴۳۱۹۸۸ | شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۳۱۹۸۸-۰۲۱ توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: پیام همشهری-جام جم
اشتراک اینترنتی: www.jaaar.com

تیغ به دستان جاهل کوچه‌های تاریک

درباره قاتل امیرمحمد، اقبال کوین اسپیسی و چالش تقویمی

۱ قاتل امیرمحمد خالقی درست مثل متهم به قتل داریوش مهرجویی، خیلی جوان است. خیلی جـوان. این که متهم بـه قتل مهرجویی اهل افغانستان است و قاتل امیر محمد تبعه ایران، خیلـی در ماجرا فرقی ایجـاد نمی‌کند. وقتی لباس زندان می‌پوشند و چشم بند می‌زنند مثل هم هستند. با فقر بزرگ شده‌اند، فضائل اخلاقی را در پیچ و خم مشکلات زندگی به کناری گذاشته‌اند و جاهلانه پا در راه خشم و خشونت و جنایت گذاشته‌اند. هر دو جاهل هستند. هردو ابله هستند و ارزشی برای جان انسان قائل نیستند. هردو حاصل گذراندن ۱۰ – ۱۲ سال سختی هستند که بر کشور ما و یا در کل منطقه سپری شده است. این موج جوانان و نوجوانان خشن محروم تیغ به دست، در هر نسل تولید می‌شوند و پلیس نمی‌تواند از پس همه آنها بربیاید. این موج خشم و جنون را در سطحی قابل کنترل‌تر در ورزشگاه‌ها و استادیوم‌ها می‌بینید و در هولیگان‌های وطنی.

نمی‌دانم توهین‌آمیز است یا نه اما وقتی پسرکان ۱۰، ۱۲ ساله را می‌بینم که جلوی سوپرمارکت‌ها و عموما با هماهنگی صاحبان سوپرمارکت‌ها در حال تلکه کردن مردم و مشتریان هستند با خودم می‌گویم چه بر سر این‌ها خواهد آمد؟ اینان هم بـه تیغ به دستان جاهل کوچه‌های تاریک بدل می‌شوند؟

۲ کوین اسپیسی شانس ندارد! درست در موقعی که به نظر می‌رسد اسپیسی با از دست دادن تمام اموال و زندگی‌اش در ماجرای اتهامات متعدد جنسی از سوی همبازیان مردش بالاخره به ثبات در زندگی خود رسیده و نتفلیکس نیز شروع به پخش دوباره کارهای اسپیسی بعد از تبرئه او از دادگاه‌های متعدد کرده بود، حالا گای پیرس وارد میدان شده و پرونده‌ای از سال ۱۹۹۷ را رو کرده سر صحنه فیلم محرمانه لس آنجلس. فیلمی که پیرس به عنوان یک پلیس جوان وظیفه شناس در رقابت با کوین اسپیسی به عنوان پلیس فاسد درخشیده بود. فیلمی که از مهم‌ترین آثار دهه نود بود. گای پیرس گفته که: «کوین اسپیسی در زمان فیلمبرداری «محرمانه لس‌آنجلس» او را تحت آزار جنسی قرار می‌داده، بعد از شروع جنبش می‌تو و شنیدن خبر به جریان افتادن پرونده اسپیسی بغضش ترکیده، به هق‌هق افتاده و رنجی که در آن سال‌ها متحمل شده وجودش را انباشته و...» اما چرا بعد از ۲۸ سال گای پیرس فیلش یاد هندوستان کرده؟ راستش اول این که به من و شما مربوط نیست! دوم این که بدبینان می‌گویند که دو هفته دیگر مراسم اسکار است و گای پیرس کاندیدای اسکار برای فیلم بروتالیست شده است، البته اسکار نقش مکمل و می‌گویند این تلاشی است از سوی این بازیگر و مدیر برنامه‌هایش برای کسب اسکار نقش ۲. و خب این وسط کوین اسپیسی دوباره درگیر یک پرونده جدید خواهد شد. انگار «کارما» دست از سر این اعجوبه بازیگری بر نمی‌دارد. در فیلم محرمانه لس آنجلس کوین اسپیسی ۳۷ ساله بوده و گای پیرس ۳۰ ساله. حالا اما هردو نفر سن و سالی دارند.

۳ تصحیح: دیروز در متن مربوط به چالش‌های تقویمی آخر سال همه تاریخ‌ها به جای آنکه پسوند اسفند داشته باشند، بهمن ماه خورده‌اند و همین طوری هم از گلوگاه ممیزی ما گذشته‌اند. عذر می‌خواهیم. متن اصلی این‌گونه است: دیروز که از چالش‌های آخر سال نوشتم این را از قلم انداختم که سه‌شنبه ۲۸ اسفند، هم چهارشنبه سوری است و در عین حال آغاز شب‌های قدر. یعنی سه‌شنبه ۲۸ اسفند: آغاز شب‌های قدر و مراسم چهارشنبه سوری، چهارشنبه ۲۹ اسفند: ضربت خوردن حضرت علی. پنجشنبه ۳۰ اسفند: شب شهادت حضرت علی، شب دوم قدر و همچنین سال تحویل که در ساعت ۱۲ و ۳۰ دقیقه ظهر همین ۳۰ اسفند رخ می‌دهد.

۴ نیمه دی ماه نوشته بودیم که چهل روز سخت در انتظار پرسپولیس است. خب اگرچه در این میان دو پیروزی خوب بر تراکتور و گل‌گهر ثبت شد اما سرخ‌ها هم سوپرجام را از دست دادند، هم از جام حذفی اخراج شدند و هم لیگ نخبگان آسیا را ترک کردند. آن هم در شرایطی که کافی بود دوتا گل از الهلال کمتر بخورند تا به مرحله بعد بروند. روزگار سختی بود برای طرفداران پرسپولیس.

مظنونین همیشگی

ترور احمد کسروی در عمارت دادگستری

بنده یک صبحی از منزلم که آن‌وقت سه راه امین‌حضور بود [...] به دادگستری آمدم. آن‌موقع بنده معاون اداره بازرسی وزارت دادگستری بودم که رئیس نداشت تقریباً بنده کفیل آن اداره بودم. چون رئیس قبلی‌اش آقای فولادوند برای انتخابات رفته بود وکیل بشود. عمارت دادگستری هم هنوز در اختیار دادگستری نبود فقط قسمت دادسرا آن‌جا آمده بود و همین اداره بازرسی فقط. [...] بنده همین‌جور که توی اتاقم نشسته بودم که مشرف به حیاط بود [...] دیدم صدای الله اکبری می‌آید و شلوغ شده.

بنده پا شدم نگاه کردم شلوغ است به پیشخدمت گفتم برو ببین چه خبر شده. رفت برگشت گفت آقا کسروی را کشتند. ما یک بازپرسی داشتیم بازپرس شعبه یک دادسرای تهران به اسم کسرایی. بنده خیلی ناراحت شدم دویدم آمدم پایین که بروم ببینم چی شده، رفتم توی آن قسمت دادسرا دیدم جلوی شعبه هفت بازپرسی شلوغ است. خب بنده پرسیدم گفتند نخیر کسروی کشته شده. بنده وارد شدم آن پیشخدمت‌ها چون راه را باز کردند بنده رفتم توی اتاق دیدم دم در اتاق یک جوانی افتاده کارد خورده و مرده که معلوم شد بادیگارد سید احمد کسروی است و وسط اتاق هم کسروی افتاده از شکمش مقدار زیادی روده این‌طور چیزها بیرون آمده، دندان مصنوعی‌اش افتاده بیرون و فوت کرده و زیر میز هم آقای بلیغ بازپرس شعبه هفت غش کرده افتاده. آقای بلیغ را با پیشخدمت‌ها کشیدیم بیرون و بردیم اتاق دیگر. دادستان تهران -که آقای مجلسی بود- آمدند. بعد ایشان تلفن کرد که خود بنده هم توی اتاق بودم تلفن کردیم به فرماندار نظامی چون جرمی واقع شده بود در صلاحیت فرماندار نظامی آن‌وقت‌ها بود. سرگرد شجره از دادسرای حکومت نظامی آمد. بنده کاری که کردم تلفن کردم به وزارتخانه و گفتم چنین وضعی شده گفتند شما اجازه بدهید ما امروز دادسرا را تعطیل کنیم [...] بعد جلوی این راهروی شعبه هفت را هم بنده بستم.

پیشخدمت‌های دادگستری گذاشتم تا کسی نرود تا تکلیف جنازه ایشان معلوم بشود. یک‌وقت دیدم یک جوانی آمد مشت زد صف را باز کرد رفتم گفتم آقا چه خبره؟ گفت آقا کجاست؟ پدر من کجا افتاده است؟ گفتم پدر شما کی هست؟ گفت کسروی، من البته سلام به ایشان کردم معلوم شد که آقای جلال کسروی است پسر [احمد] کسروی. تسلیت گفتم و خب او را من بردم توی اتاق دید جنازه پدرش را. معلوم شد که آن روز کسروی را برای ادای توضیحاتی برای توضیحات راجع به

همین کتاب شیعه‌گری و ظاهراً اهانت‌هایی که به امام جعفر صادق شده است یا... بازپرس احضار کرد. البته این احضار کردن او در خارج منعکس شده بود و بنابراین دسته فدائیان اسلام می‌دانست که کسروی آن روز به دادگستری خواهد آمد. یک روز هم همین آقایانی که آن روز آمدند و باعث قتل کسروی شدند، امامی‌ها در درشکه به کسروی حمله کرده بودند.

بخشی از مصاحبه نصرت‌الله امینی (۱۲۹۴-۱۳۸۸) با پروژه تاریخ شفاهی ایران در دانشگاه هاروارد.

سایت‌نگار

وداع با والی زاده، شرایط اسفناک بابل، گرایش رنگی سردار

منوچهر والی‌زاده ـ دوبلور برجسته کشورمان ـ که مدتی در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان بستری بود، چهارشنبه اول اسفندماه درگذشت. این دوبلور برجسته کشورمان از حدود یک ماه قبل در بیمارستان بستری بود و در سن ۸۴ سالگی به دلیل بیماری جان خود را از دست داد. منوچهر والی‌زاده با نام اصلی «منوچهر والی‌زاده طهرانی» چهارم تیرماه ۱۳۱۹ در محله لاله‌زار تهران زاده شد. او در سال‌های ۱۳۳۸–۱۳۳۷ از دوران دبیرستان بعد از چند تئاتر آماتوری به تئاتر تهران راه یافت و در یک نمایشنامه به کارگردانی خانم مورین نقش کوتاهی به عهده گرفت و پس از همکاری در چند فیلم کوتاه، به علی کسمایی معرفی شد و چندین سال در کنار او کارآموز بود. بعد از مدتی در فیلم «دختر بنفشه‌فروش» نقش اول فیلم «هل فرر» را به عهده گرفت. در سال ۱۳۴۰ از طریق تاجی احمدی به امین امینی معرفی شد، (استودیو عصر طلائی) و اولین بازیگری او در سینما بازی در فیلم خداداد (۱۳۴۱) بوده است و تا سال ۱۳۵۷ـ۱۳۵۶ نزدیک به ۱۸ فیلم سینمایی بازی کرد.

او بیشتر به خاطر صداپیشگی به‌جای شخصیت کارتونی «لوک خوش‌شانس» و «مایکل اسکافیلد» در مجموعه تلویزیونی «فرار از زندان» شناخته می‌شود. همکاری با برنامه «صبح جمعه با شما» در رادیو هم از جمله فعالیت‌های مهم این هنرمند به شمار می‌رود.

والی‌زاده همچنین به جای بازیگرانی چون تام هنکس، جان ترالوتا، تام کروز، هریسون فورد، نیکلاس کیج، جیسون استاتهام، جیم کری، ویل اسمیت، ادی مورفی، رابرت واگنر و الویس پریسلی صداپیشگی کرده است.

حمید یعقوبی، روانشناس بالینی و رئیس انجمن پیشگیری از خودکشی ایران درباره وضعیت رو به‌رشد خودکشی در ایران گفت: «در دنیا از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ میزان خودکشی از ۱۴ درصد به ۵/۹ درصد رسیده، اما در ایران این آمار امسال از ۵/۹ هم بالاتر می‌رود و براساس پیش‌بینی من به ۶/۹ یا ۷/۹ می‌رسد؛ یعنی از میانگین دنیا هم بالاتر. این آمار دو پیام دارد؛ یکی اینکه خودکشی قابل پیشگیری است و دوم اینکه وضعیت ما خلاف دنیاست.» براساس اعلام یعقوبی، هر خودکشی که رخ می‌دهد؛ باید ۲۰ برابر شود تا بتوان به عدد اقدام به خودکشی رسید مثلاً در کشور که سالانه ۷۲۰ هزار مورد خودکشی رخ می‌دهد، اگر ۲۰ برابر شود، به ۱۵۰ هزار مورد اقدام به خودکشی می‌رسد. برخی هم می‌گویند که اگر همین عدد را ۲۰ برابر کرد، به عددی می‌رسیم که نشان‌دهنده میزان افکار خودکشی است. یعقوبی تاکید کرد که موارد اقدام به خودکشی قبلی، بسیار مهم است که وزارت بهداشت در تلاش است با این افراد در ارتباط باشد؛ یعنی آن ۱۵۰ هزار نفر.

آزمون بارها در مصاحبه‌هایش به‌وضوح اعلام کرده که در ایران طرفدار تراکتور است و اگر روزی به لیگ برتر بیاید برای این تیم به میدان خواهد رفت. از طرفی او و باشگاه تراکتور یکدیگر را در اینستاگرام فالو دارند که این موضوع مهر تاییدی است بر اینکه او به این باشگاه تبریزی علاقه‌مند است. اما مثل بسیاری از طرفداران خنثی فوتبال که می‌گویند بین این دو تیم فرقی برایشان وجود ندارد اما در نهایت ته دلشان طرفدار یکی از آنها هستند، سردار نیز چنین وضعیتی دارد. این مهاجم تیم ملی فوتبال ایران به واقع نگاه تعصبی به هیچ یک از دو تیم استقلال یا پرسپولیس ندارد اما اگر قرار باشد او یکی از بین این دو را انتخاب کند، آن تیم استقلال خواهد بود. سردار از سال‌ها قبل در اینستاگرام از قلب آبی استفاده می‌کند. از طرف دیگر نزدیک‌ترین دوستان او طرفدار سفت و سخت آبی‌های پایتخت هستند که شاید این مسئله نیز در گرایش او به سمت استقلال تاثیر داشته است. آزمون حتی سال گذشته در تمرینات پیش‌فصل استقلال نیز حضور پیدا کرد و با لباس این تیم تمرین کرد.

همچنین در جریان جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه بود که یک چالش بین او و هواداران پرسپولیس اتفاق افتاد و سردار هنوز نتوانسته این موضوع را فراموش کند. سال بعد پس از اینکه کارلوس کی‌روش از ایران رفت و به عنوان سرمربی جدید کلمبیا انتخاب شد نیز سردار در مصاحب‌ای به هواداران پرسپولیس طعنه زد و گفت: «همه هواداران فوتبال در ایران برای کی‌روش آرزوی موفقیت می‌کنند به جز هواداران یک تیم» باید به این نکته هم در مورد آزمون اشاره کرد که او دوستی نزدیکی با اسطوره باشگاه استقلال یعنی فرهاد مجیدی هم دارد و یکی از ستارگانی است که انتخاب فرهاد مجیدی به عنوان سرمربی البطائح را تبریک گفت.

دو خبر جنایی:

۱. در گفت‌وگوی تلفنی وزیرعلوم و سردار محمدیان مطرح شد بر خلاف شایعات فضای مجازی، قاتلان امیرمحمد خالقی از اتباع خارجی نبودند و روند اقدامات پیشگیرانه پلیس از قبیل نصب کیوسک‌های انتظامی و دوربین در معابر پرخطر اطراف دانشگاه‌ها مورد بررسی قرار گرفت

۲. در پی اعلام فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر آتش‌سوزی خودروٌ قرار گرفت. وی افزود: با حضور پلیس در محل، مشخص شد زنی حدودا ۴۰ ساله به علت سوختگی شدید ناشی از حریق خودرو توسط عوامل اورژانس به مرکز درمانی منتقل شده است، اما با وجود تلاش کادر درمان مصدوم در بیمارستان جان باخته است.

فرمانده انتظامی شهرستان رضوانشهر با بیان اینکه در تحقیقات اولیه ماموران به شوهر این زن مشکوک شده و وی را با هماهنگی مرجع قضائی دستگیر کردند بیان داشت: متهم ۴۵ ساله در تحقیقات پلیس به آتش‌زدن عمدی خودرو و قتل همسرش به علت اختلافات خانوادگی اعتراف کرد.

اخیراً دو نوجوان ایرانی که در آمریکا ساکن هستند، اقدام به فروش سکه‌های تاریخی ایرانی دوره هخامنشی کردند، این سکه‌ها که به‌طور غیرقانونی از ایران خارج شده بودند، به قیمت‌های بسیار بالایی به فروش رسیدند، این عمل نه تنها به اعتبار تاریخی و فرهنگی ایران آسیب وارد می‌کند بلکه نشان‌دهنده یک بحران جدی در مورد قاچاق آثار تاریخی و عدم نظارت مناسب بر این مسائل است، فروش این گونه اشیای تاریخی نه‌تنها موجب از دست رفتن یک میراث ملی می‌شود بلکه در برخی موارد می‌تواند به اعتبار کشور در سطح بین‌المللی آسیب بزند.

«جبار آذین» منتقد و مدرس سینما درباره سریال تاسیان گفت:

تینا پاکروان در دومین اثر خود پس از خاتون، این‌بار برای تولید تاسیان بی‌پروا از خط قرمزها عبور کرده است. وی مانند برخی دیگر از هنرمندان برای ساختن و روایت داستان عاشقانه سریالش از قالب تاریخی استفاده کرده است تا بتواند راحت‌تر داستان خود را تعریف کند؛ اما مجبور شده آگاهانه از خطوط قرمز عبور کند.

وی ادامه داد: تاسیان یک ملودرام تاریخی است که قصه‌اش را در دهه ۵۰ بازگو می‌کند و خط محوری آن که چندان تازه نیست، عشقی میان یک ساواکی به اسم امیر و دختری به نام شیرین است. رخداد وقایع فیلم در دوران پهلوی به گمان پاکروان توانسته بهانه‌ای برای طرح روابط امیر و شیرین و نمایش رقص‌های مختلف و نمایش‌هایی از مصرف دخانیات و مشروب‌خواری باشد. وی افزود: البته این نوع مسائل در آن روزگار عادی و معمولی بوده، اما مسئله این است که پاکروان داستان و مسائل جاری آن زمان را برای جامعه امروز در قالب سریال روایت می‌کند و بدیهی است سریالش با محدودیت‌ها، مخالفت‌ها و ممیزی‌های ساترا که متولی نظارت بر تولید شبکه‌های نمایش خانگی است روبه‌رو شود.

ایران آنلاین نوشت: بابل بعد از رشت پرجمعیت‌ترین شهر شمالی کشور محسوب می‌شود؛ در حال حاضر سطل‌های زباله این شهر در همه مناطق شهری مملو از زباله‌هایی شده که جمع‌آوری نمی‌شود. حجم انباشت زباله‌ها به گونه‌ای است که اطراف مخازن و سطل‌های زباله را با آهک‌پاشی شد تا کمی از انتقال بیماری و بوی بد آن کاسته شود. جمعی از اهالی روستای انجیلسی بابل در ۹ اردیبهشت‌ماه سال جاری با تجمع و نصب بنر در ورودی سایت زباله این منطقه، خواستار اجرای حکم قطعی دادگاه تجدید نظر مازندران مبنی بر جابه‌جایی سایت زباله انجیلسی به مکان دیگر شدند. اهالی روستای انجیلسی بابل که خواهان اجرای حکم قطعی دادگاه تجدید نظر استان مازندران مبنی بر جابه‌جایی این سایت زباله شدند در ورودی این سایت تجمع و خواستار حل گره کوره ۲۵ ساله این سایت در قلب جنگل‌های هیرکانی شده بودند.

روستای انجیلسی یکی از روستاهای بالادست بخش بابلکنار در جنوب بابل است که اهالی این روستا بعد از ۲۵ سال پیگیری موفق شدند حکم قطعی جابه‌جایی این سایت را از طریق مراجع قضایی در تاریخ پنج بهمن ۱۴۰۰ از شعبه ۲۵ دادگاه تجدید نظر استان دریافت کنند. بعد از قطعی‌شدن حکم سایت انجیلسی در جلسه شورای حفظ بیت‌المال شهرستان بابل که ۲ سال گذشته با حضور رئیس کل وقت دادگستری مازندران تشکیل شد، تا ۱۵ اسفند سال ۱۴۰۲ برای حل این مشکل زمان تعیین شد که بعد از گذشت نزدیک به ۲ ماه از این ضرب‌الاجل اهالی روستا خواستار اجرای حکم شدند. نفوذ شیرابه‌ها در اراضی کشاورزی، مراتع چرای دام و شیوع بیماری‌های مختلف سبب شد که اهالی منطقه دست از زادگاه خود بردارند و برای ادامه زندگی به مکان دیگری دست به کوچ اجباری بزنند. اهالی منطقه که در مدت ۲۵ سال گذشته تمام توان خود را برای حل این مشکل به کار بسته بودند موفق به حل مشکل نشدند، در نهایت با طرح شکایت در مراجع قضایی این خواسته را پیگیری کردند.

اهالی بخش بابلکنار بر این باورند که مشکلی انجیلسی که قرار بود یک سال مردم منطقه تحمل کنند تا یک مکان مناسب برای زباله شهر بابل و ۶ شهر اقماری آن بیابند اما ۲۵ سال است که آسایش را از اهالی بخش بابل کنار ربوده و حتی با حکم قطعی مرجع قضایی هم این گره گشوده نشد.

وضعیت «حجاب» در بهمن ۱۴۰۳، تفاوت چندانی با یکی دو ماه گذشته نکرده است؛ طبق مشاهده انصاف نیوز در گزارش پیش‌رو هیچ گونه درگیری میان حجاب‌بان‌ها و افراد بدون پوشش سر مشاهده نشده است و زنانی بدون پوشش روسری مثل گذشته در خیابان‌ها تردد می‌کنند.

» این گزارش از ساعت ۴ تا ۶ عصر روز ۲۸ بهمن ۱۴۰۳ در چهارراه ولیعصر تهیه شده است؛ خبرنگار انصاف نیوز نظر ۱۵ تن از شهروندان با دیدگاه‌ها و پوشش‌های متفاوت را ثبت کرده است.

» بدیهی است که این گزارش درباره منطقه‌ای در تهران است؛ وضعیت در همه جای پایتخت یکسان نیست. برخی بخش‌ها سنتی‌تر هستند.

» ساعت ۴ عصر است و سه دختر دهه هشتادی در محوطه کافه‌ای در میدان فلسطین، مشغول خوردن و حرف زدن هستند.

» شالِ یکی‌شان افتاده است و در جواب این سوال که آیا این اواخر کسی به شما به خاطر حجابتان تذکر داده است یا نه می‌گوید «به من کسی گیر نداده. اطرافیانم هم شکل من هستند و نشنیدم کسی چیزی بهشان بگوید. اما به‌هرحال همین که می‌دانم کسانی بعضی وقت‌ها در خیابان‌ها تذکر می‌دهند، احساس ناامنی دارم.»

» دوستش می‌گوید «البته همیشه در میدان فلسطین یک ون هست اما ندیدم کسی را به خاطر حجابش ببرند»

» دختر ۲۳ ساله‌ای هم اعلام می‌کند که کسی به خاطر حجاب به او تذکر نداده است و این موضوع هم ربطی به آمدن پزشکیان ندارد و بعد از مدت زمانی این موضوع برای [دولت به معنای عام] عادی شده است.

دنده عقب

اشکان عقیلی‌پور

رفقا خوبین؟ عرض کنم کـه... چجوری بگم... ببینین، من یه نظری دارم که نمیدونم شما چقدر با من موافقین... راستش به نظر من هیچ چیز در این کُره خاکی، لزج‌تر از بعضی، بعضی، بعضی از این تازه عروس‌دامادها نیست که فکر می‌کنن حالا چه فتح‌الفتوحی کردن. علی‌الخصوص موقع غذا خوردن که لقمه دهنِ همدیگه میذارن. آدم دوست داره با دمپاییِ خیس، بکوبه تو صورتشون. البته شاید هم فقط من اینجوریم که در این صورت صددرصد، ایراد از منه.

امروز تو یه رستوران نشسته بودم و ساندویچم را با سرعت و حجمِ بالا وارد دهان می‌کردم و سس و ملحقاتِ اضافه که از گوشه‌های لبم بیرون میومد رو با دستمال رُفت و روب می‌کردم. یه جفت از این مرغ‌عشق‌ها (جزو اون بعضی لزج‌ها) پشت سرم بودن. هر چی سعی می‌کردم این جیک‌جیک‌هایِ عاشقونه‌شون رو نشنوم، نمیشد. البته حتما از ساندویچ بود که احساس تهوع داشتم، والا این دو تا که تابلو و عکسی از زیباترین مناظر طبیعت رو به وجود آورده بودن. سرعتِ بلع رو بردم بالاتر که یه وقت خدای نکرده با دمپایی خیس... هیچی ولش کن. داشتم به سمتِ هوای آزاد فرار می‌کردم که مرغ‌عشقِ نر گیر داد:

- «آقا ببخشید...» / «جانم؟» / «زحمت می‌کشین یه عکس از ما بگیرین؟»

آخه من نمی‌فهمم وسط ساندویچی عکسِ چی رو می‌خوان اینا؟ بعدش هم، سلفی بگیر بره دیگه. البته موبایلش رو که گرفتم فهمیدم چرا خودش نمی‌تونه بگیره. برایِ اینکه با جفت دستاشون به هم اشاره بکنن. احساسِ خارش، کل بدنم رو گرفته بود. البته حتما به سس‌های ساندویچم حساسیت دادم. والا این دو تا کفتر که خیلی خیلی روحیه‌بخش بودن.

- «آقا باز هم ببخشید...» / «جانم!» / «یه دونه دیگه هم زحمت میکشین؟»

این دفعه باید به حلقه‌های هم اشاره می‌کردن. خوبه تو ساندویچی بودن، اگر یه جای خوش آب و هوایی بود، معلوم نبود چقدر حافظه موبایل رو حروم می‌کردن. بگذریم... عکاسیم که تموم شد، موبایلِ کفترها رو دادم بهشون و اونا هم داشتن در گوش هم، وزوز می‌کردن. از درِ رستوران که اومدم بیرون، افسرِ پلیس داشت یه ماشین رو جریمه می‌کرد. سرمو چرخوندم تو مغازه و گفتم: «این ۲۰۶ سفیده مالِ کیه؟... جریمه داره میشه...»

کفترِ نر با اون هیکلش یه جیغِ بنفش کشید که انگار دور از جون، خبرِ فوت کفتر ماده رو دادن. همچین پرید بیرون و داد زد «جناب سرهنگ... ننوییییییس.» که خود افسر پلیس هم نیم متر از جا پرید.

- «ننوییییس جناب سرهنگ...ننوییییس.» / «توقف ممنوعه اینجا آقا... بنده هم سروانم.» / «بابا اومدیم با این یه لقمه کوفت کنیم بریم جناب سرهنگ... ننوییییییس.»

وسطای ضجه مویه‌ش، همسرشون هم اضافه شد و فضا رو خیلی پرشور و حال‌تر کرد. جناب سروان هم که معلوم بود گوشش از این ذکرِ مصیبت‌ها پره، برگ جریمه رو صادر کرد و انگار نه انگار که این زوج خوشبخت، دارن وسط خیابون خودشون رو میکوبن زمین، موتورش رو روشن کرد و رفت.

در این لحظه، به نکته بسیار مهمی در روابط زوج‌ها پی بردم و اون هم این که اصلا مهم نیست اخلاق یک زوج چجوری باشه، فقط مهم اینه که به هم بیان. مثل این این دو گل نو شکفته هم‌رستورانی من. لزج بودن ها... ولی به هم میومدن... حتی جیغ و ویغشون سر پلیس بینوا هم شبیه هم بود...

قصه های گمشده ۱۲۱ (این پاورقی روزهای فرد منتشر می‌شود) — **آرش خوشخو**

کبریت زیر بشکه باروت

در سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ در نگاه اول شرایط اقتصادی حاکم بر کشور خوب و پررونق بوده اما همان زمان اقتصاددان‌هایی که حالا در حاشیه تصمیم‌گیری‌ها بودند می‌دانستند که در بطن ماجرا اتفاق بزرگی در جریان است. برخی تبعات موج اصلی تزلزل اقتصادی بر اثر سیاست‌های غلط محمدرضا تازه شروع به آزردن طبقه متوسط کرده بود. تب داغ افزایش درآمدهای نفتی تمام شده بود و حالا واقعیات خودشان را به حکومت نشان می‌دادند. تورم کشور که قریب به یک دهه زیر ۵ درصد بود حالا سیر صعودی پیدا کرده بود و در سال ۱۳۵۶ به حدود ۲۷ درصد بالغ شد. مسئله اجاره خانه و مسئله خاموشی‌های پیاپی، شهروندان تهران را عاصی کرده بود. به طول کشیدن احداث پل سید خندان ترافیک وحشتناکی را در منطقه شمال تهران ایجاد کرده بود. زدوخوردهای ساواک با چریک‌ها دوباره در سال ۵۶ اوج گرفته بود و نارضایتی به شکلی خشونت آمیز خودش را به مردم تهران می‌نمایاند، طاقچه بالا گذاشتن کمپانی‌های هالیوودی در گران کردن قیمت فیلم‌هایشان در پاسخ به گران شدن قیمت نفت (می‌دانم این معادله گیجتان کرد اما حاصل تصرف چندین کمپانی فیلمسازی هالیوود توسط شرکت‌های نفتی آمریکایی بود) موجب شده بود تا فیلم خوب کمتر از همیشه در دسترس مشتاقان قرار گیرد و کمدی سکسی‌های ارزان فرانسوی و ایتالیایی با تصاویر وقیح‌شان چشمان خانواده‌ها را می‌آزرد. عروسی بزرگ هتل کومودور و وصلت دو مرد نزدیک به محافل دربار با یکدیگر این خشم را دو چندان ساخته بود. نظام بوروکراتیک اختاپوس وار پهلوی که بر شاکله بیش از دو میلیون کارمند بنا شده بود هر تصمیمی را به فرایندی طاقت فرسا بدل ساخته بود. بیش از نیمی از مردم کشور بی‌سواد بودند و جهل در کنار فقدان هرگونه قید و بند در حوزه عکس و فیلم و مشروب موجب شده بود تا پرونده‌های ربودن دختران جوان آن هم در خیابان‌های شلوغ تهران، پلیس را کلافه کند. جاده‌های حاشیه شهر آکنده بود از زورگیرهایی که عموما هدف اصلی‌شان تجاوز به زن‌ها و دختران این اتومبیل‌ها بود و ربودن و سرقت هدف دومشان محسوب می‌شد. بخصوص در جاده‌های فرحزاد و کن و امامزاده داوود و یا جاده‌های منتهی به تهرانپارس. در تورق روزنامه‌های سال‌های ۵۶ و ۵۷ تعداد این نوع گزارش‌ها از شماره خارج است. در جاده‌های بین شهری هم این مسائل بود. در بسیاری از جاده‌های منتهی به شیراز حمله به ماشین‌های مسافرها گزارش شده بود. بیشتر از سوی جوانان محروم روستایی که با خشم و شاید حسرت مسافران متمول سوار بر اتومبیل را می‌نگریستند و زنانی که شکل دیگری خلاف سنت‌های قدیمی لباس پوشیده بودند و آنها خشمشان را با حمله با چوب وسنگ نشان می‌دادند. سال‌های ۵۵ تا ۵۷ را وقتی از نزدیک مرور می‌کنیم شما حرارت و طوفان را زیر پوست شهر می‌توانستید به راحتی احساس کنید. آن سرخوشی سال‌های ۴۷ تا ۵۳ تمام شده بود. سال های قهرمانی‌های فوتبال در آسیا، جشن‌های هنر شیراز، جشنواره فیلم تهران، ساخت پارک‌ها و مجتمع‌های فرهنگی و مجموعه ورزشی صدهزار نفری، سال‌های جشن دو هزار و پانصد ساله و پذیرایی تجملاتی از ده‌ها شاه و رئیس جمهور. آن سال‌ها تمام شده بود و بانکداری و بورس بازی جای آن موج تولید و رشد اقتصادی سرسام‌آور سال‌های ۴۵ تا ۵۱ را گرفته بود. معجزه تولید پیکان از نفس افتاده بود و خیامی‌ها آماده بودند که در دهمین سال پیاپی اتومبیل بنجل کارخانه ورشکسته انگلیسی را با کمترین تغییرات و بالای ۸۰ درصد مونتاژ به دست مشتریان برسانند... و به این‌ها اضافه کنید آگاه شدن محمدرضا بر سیطره بیماری سرطان خون که داریوش همایون با بدجنسی علت آن را استفاده محمدرضا و اسدالله علم و دکتر ایادی از یک نوع داروی تقویت جنسی هندی می‌دانست که این سه نفر مصرف می‌کردند و در فاصله دو سه سال هر سه نفر با سرطان از دنیا رفتند!

درگذشت دکتر شریعتی و آیت‌الله مصطفی خمینی در فاصله کمتر از چهار ماه و زیرکی انقلابیون در تبلیغ این شایعه که هردو نفر قربانی ساواک شده‌اند، گرفتن کبریت زیر یک بشکه باروت آماده انفجار بود....

عروسک چوبی هرگز جف بزوس نمی‌شود!

صفحه ۰۶

حرف‌های داغ هفته

لیلا حاتمی

تراشیدن موی سر شخصیت از اول توی فیلمنامه «قاتل و وحشی» بود. فکر می‌کنم ممکن است یک اثر هنری در همان لحظه مصرف نشود اما اگر زیبا باشد ماندگار می‌شود. حتی شاید سال‌های سال از آن بگذرد اما ارزشش کم نمی‌شود و حتی بیشتر هم می‌شود. این فیلم برای من اصلا خشن نیست. چون ما در فیلم باقی می‌مانیم و بحث خشونت فلسفی نمی‌شود. میزان این نوع خشونت قابل تحمل است. مثل این می‌ماند که سوار یکی از بازی‌های شهربازی شده باشیم. از جنس بازی است. ما در سینما و هیجانی که با نورها و رنگ‌ولعاب ایجاد شده باقی می‌مانیم. خوشحال‌تر بودم اگر فیلم در ایران اکران گسترده می‌شد.

در حاشیه اکران جهانی فیلم
۲۶ بهمن

کمال تبریزی

در بخش انتخاب داوران جشنواره چهل و سوم فیلم فجر دو نکته قابل تأمل وجود داشت؛ اول اینکه آقای شاهسواری {دبیر جشنواره} وقتی با هر کدام از کسانی که می‌خواست به آنها پیشنهاد داوری بدهد، تماس می‌گرفت، نمی‌گفت داوران دیگر چه کسانی هستند. این طبیعی بود که ما بپرسیم چه افراد دیگری داور هستند ولی ایشان اصلاً نام کسی را نمی‌برد و می‌گفت اگر جوابت مثبت است، اسامی دیگر را می‌گویم چون دوست داشت در مسیر نهایی شدن ترکیبی که برای داوری انتخاب کرده بود، مانعی ایجاد نشود؛ این اتفاق از نظر من جالب بود اما نکته قابل توجه دیگر این بود که ما رئیس هیأت داوران نداشتیم.

ایسنا
۲۸ بهمن

مریم مومن

(درباره سینمای کمدی) بازیگر است که باید این نوع طنز را با بازی خود به مخاطب برساند و خیلی چیزهای دیگر در آن دخیل است؛ مثل متن خوب و بازیگرهای خوب و درجه یک. این نوع کارها برای من خیلی قابل احترام هستند و مخاطب از نظر من با توجه به شرایط جامعه به این نوع کارها یعنی سینمای کمدی و سینمای طنز نیاز دارد. مردم ساعتی از فضای دارک (تاریک) دور می‌شوند و من خیلی می‌پسندم. سینمای کمدی همچنین خیلی از حرف‌ها را در قالب طنز به مخاطب ارائه می‌کند و تلاش سینماگران این است که علاوه بر شاد کردن فضای جامعه حقایقی را نیز بیان کنند.

ایرنا
۲۶ بهمن

اکتای براهنی

با توجه به اینکه زمان فیلم «پیرپسر» ۳ ساعت و ۱۰ دقیقه است حتی دفاتر پخش هم نمی‌دانستند باید با آن چه کنند. آقای سعید خانی و آقای ساداتیان به عنوان مدیران دفاتر پخش گفتند می‌شود فیلم را اکران کرد ولی راضی کردن سینماداران بسیار مشکل است. برخی به ما پیشنهاد کردند «پیرپسر» را در قالب یک سریال ۶ قسمته در بیاوریم و آن را در شبکه خانگی عرضه کنیم. من این پیشنهاد را نپذیرفتم و گفتم بهتر است پرونده فیلم باز شود. متولیان فجر اعلام کردند آنهایی که فیلم‌هایشان به جشنواره‌ها رفته یا مشکلات ممیزی دارند درخواست بدهند تا بررسی کنیم. این در واقع یک دعوت همگانی بود.

کافه آپارات
۲۶ بهمن

فرهاد آئیش

به‌عنوان یک مخاطب از دیدن فیلم موسی لذت بردم؛ چون هر سکانس آن سیال و بدون پرگویی، سر اصل مطلب می‌رفت. حرف فیلم پشت دیالوگ‌ها و صحنه‌ها پنهان بود و به همین دلیل آدم به‌راحتی می‌توانست آن را جذب و هضم کند. به هر حال این داستانی است که در کتاب‌های مذهبی و دینی از جمله تورات، انجیل و قرآن کریم آمده است و حالا آن را به یک قصه سینمایی که درام، اوج و فرود و جذابیت برای مخاطب داشته باشد، تبدیل کرده‌اند. این به‌نظر من چالش بسیار خوبی بود که کارگردان و نویسنده انجام دادند و کل تیم و عوامل تولید هم به نحو احسن به آنها کمک کردند.

همشهری
۲۷ بهمن

چهره هفته

منوچهر والی‌زاده

صدای ابدی

باورش سخت بود ولی خبری که عصر دیروز منتشر شد، حقیقت داشت: منوچهر والی‌زاده، دوبلور سرشناس کشور در سن ۸۴ سالگی درگذشت. او این اواخر بیمار بود اما با امید و نشاط حرف می‌زد و حتی شب یلدای امسال مصاحبه‌ای دلنشین با ایسنا انجام داد. والی‌زاده جزو نسل طلایی دوبله ایران است و از قضا صدایش به گوش همه آشناست. کسی که سال‌ها به جای شخصیت‌های مطرح حرف زد و در رادیو به گویندگی پرداخت. صدایش روی آگهی‌های تبلیغاتی هم بارها شنیده شد و همین به شهرتش ضریب داد. یکی از معروف‌ترین فعالیت‌های والی‌زاده در عرصه دوبله مربوط به مجموعه فیلم اکشن ماموریت غیرممکن است که به جای شخصیت ایتن هانت با بازی تام کروز حرف زد. او مثل همیشه حواسش به ریزه‌کاری‌ها بود و در صحنه‌های مختلف می‌دانست چگونه هیجان را منتقل کند. همچنین صدای او ۱۱ بار روی شخصیت‌هایی که تام کروز بازی کرده قرار گرفته. صدای والی‌زاده در فیلم‌های هندی هم زیاد شنیده شده که غالب آن برای آکشی کومار بوده است. والی‌زاده ۱۲ بار هم به جای ویل اسمیت حرف زده. ادی مورفی و مک گرگور بازیگرانی هستند که والی‌زاده زیاد به‌جای آنها صحبت کرده ... روحش شاد.

این فیلم‌ها را ببینید

آغوش باز / کنسرت روی پرده

- کارگردان: بهروز شعیبی
- تهیه‌کننده: علی سرتیپی
- نویسنده: مهرداد کوروش‌نیا، محمدسجاد نجفی
- بازیگران: حامد کمیلی، محسن کیایی، گلاره عباسی، شبنم گودرزی، جواد خواجوی
- محصول: ایران / ۱۴۰۲

داستان فیلم «آغوش باز» درباره خواننده‌ای است که در روز کنسرتش با قهر همسرش درمی‌یابد زندگی علاوه بر کارها و مشغله‌های شخصی، ابعاد دیگری هم دارد و می‌توان بدون آنکه خللی در حرفه پیدا شود، به خانواده و همسر و پدر و مادر هم عشق ورزید. اما در خلاصه داستان رسمی فیلم آمده است: «سه قصه از سه زوج در فراز و نشیب روابط عاطفی که فرصت می‌یابند به تعریف جدیدی از عشق برسند.» این فیلم تجربه‌ای متفاوت در کارنامه بهروز شعیبی محسوب می‌شود که به تازگی در اکران آنلاین عرضه شده است.

شه‌سوار / در میان خرها!

- کارگردان: حسین نمازی
- تهیه‌کننده: حسین نمازی
- نویسنده: حسین نمازی
- بازیگران: مهرداد صدیقیان، الناز حبیبی، عباس جمشیدی‌فر، هادی کاظمی
- محصول: ایران / ۱۴۰۲

«داستان یک ازدواج خرکی!» این شعاری است که عوامل فیلم «شه‌سوار» برای اکران عمومی آن انتخاب کردند و تا حدودی هم می‌توان فضای کلی روایت آن را از انتخاب همین شعار حدس زد. در خلاصه داستان رسمی آن هم آمده است: «به دنبال درگذشت پدر خانواده در جریان برگزاری عروسی که چندبار بهم خورده است، خانواده او قصد پنهان کردن این خبر را دارند.» حسین نمازی که پیش‌تر فیلم «شادروان» را در فضایی میان کمدی و درام کارگردانی کرده بود در ادامه همین تجربه حالا «شه‌سوار» او به اکران آنلاین رسیده است.

رخ / رویاها و کابوس‌های یک هنرمند

- کارگردان: سام کلانتری
- تهیه‌کننده: آرش صادقی
- نویسنده: سام کلانتری، آرش صادقی
- محصول: ایران / ۱۴۰۲

یکی از مستندهای متفاوتی که در جشنواره سینما حقیقت امسال روی پرده رفت و مورد توجه منتقدان و مخاطبان هم قرار گرفت، مستند «رخ» به کارگردانی سام کلانتری بود. مستند که پروداکشنی قابل توجه دارد و ایده متفاوتی را برای ورود به دنیای شخصی یک هنرمند برگزیده است. علی‌اکبر صادقی از هنرمندان به‌نام حوزه نقاشی و تصویرگری در ایران است که کلانتری در مستند «رخ» تلاش کرده است ریشه و خاستگاه بخش بزرگی از آثار این هنرمند را در قالب سفر به رویاها و کابوس‌های شبانه او به تصویر درآورد. این مستند از همین هفته به اکران آنلاین رسیده است.

پیشنهاد ویژه هفته

یک ناشناخته کامل

نمای کلی

- کارگردان:
جیمز منگولد
- نویسنده:
جیمز منگولد، جِی کاکس
- تهیه‌کننده:
جیمز منگولد
- بازیگران:
بازیگران: تیموتی شالامی، ادوارد نورتن، اِل فانینگ، مونیکا باربارو، بوید هالبروک، اسکات مک‌نیری
- محصول:
آمریکا / ۲۰۲۴
- زبان:
انگلیسی / زیرنویس و دوبله
- زمان:
۱۲۰ دقیقه

درباره فیلم

فیلم‌های زندگینامه‌ای معمولا آثاری جذاب در سینما محسوب می‌شوند، به‌خصوص وقتی پای چهره محبوب و جذابی مانند باب دیلن به تولید رسیده باشند. از این زاویه، پیشنهاد امروز، به‌شدت باب طبع فیلم‌بازها و موسیقی‌بازهای حرفه‌ای است. فیلم «کاملا ناشناخته» یک درام زندگینامه‌ای آمریکایی است به کارگردانی جیمز منگولد که براساس کتاب سال ۲۰۱۵ الیجا والد با عنوان «دیلن الکترونیکی می‌شود!» شکل گرفته است. جیمز منگولد خودش را متخصص ژانرهای مختلف نشان داده است با فیلم‌های تحسین‌شده‌ای نظیر «سربه‌راه باش»، «قطار سه و ده به یوما»، «لوگن»، «فورد علیه فراری» و «ایندیانا جونز و گردونه سرنوشت» شناخته می‌شود. فیلم «کاملا ناشناخته» که برای بازی تیموتی شلمی بسیار تحسین شده است از سوی انستیتو فیلم آمریکا و هیات ملی بازبینی فیلم آمریکا به‌عنوان یکی از ۱۰ فیلم برتر سال ۲۰۲۴ انتخاب شده است. این فیلم در جوایز گلدن گلوب ۲۰۲۵ در سه رشته نامزد دریافت جایزه شده است.

درباره داستان

سال ۱۹۶۱ باب دیلن ۲۰ ساله در راه ملاقات و معرفی خودش به مردی با نام وودی گاتری است که آثارش او را به‌شدت شیفته کرده است. گاتری در بیمارستانی در نیوجرسی بستری است و بر حسب تصادف پیت سیگر افسانه‌ای هم به ملاقات او می‌آید.
سیگر دیلن را متقاعد می‌کند که برای قهرمانش بخواند و چنین است که لحظه‌ای هنری شکل می‌گیرد.
در این میان، دیلن با دو زن هم دیدار می‌کند که روی اولین سال‌های فعالیت او تاثیر بسزایی می‌گذارند: یکی سیلوی روسو (هنرمند آمریکایی) است که روی جلد آلبوم «باب دیلن بی‌قیدوبند» هم رفت که می‌فهمد تقریبا هیچ چیزی درباره عاشق خود نمی‌داند؛ حتی زمانی که او به یکی از مشهورترین آدم‌های دنیا بدل می‌شود؛ و دومی جون بایز که خودش به یک سوپراستار بدل می‌شود. منگولد برای این فیلم با دیلن دیدار کرد و گفت که او یادداشت‌هایی را روی فیلمنامه نوشت و نکته‌هایی را هم با شلمی در میان گذاشت.

واکنش منتقدان

«به‌شکل جالبی داستان، با وجود استفاده بسیار زیاد منگولد از استعاره‌های آثار زندگینامه‌ای کلاسیک مربوط به موسیقی به منظور عامه‌پسند شدن فیلم، از قالب کلاسیک ظهور و سقوط ستاره و یا درس گرفتن، تجربه و بازگشت پیروی نمی‌کند. همه فیلم درباره اوج گرفتن و ظهور است؛ منتها با دردسرها و پریشانی‌های خاص خودش. شما شاید در ابتدا با شخصیت دیلن با بازی تیموتی شلمی ارتباط نگیرید اما وقتی کنار تخت گاتری حاضر می‌شود در نهایت به یک آفرین جانانه می‌رسید و همراهش می‌شوید.» این بریده‌ای از نقد منتقد گاردین درباره فیلم «یک ناشناخته کامل» است. فیلمی که منتقد ورایتی درباره‌اش نوشته است: «فیلم کاملا ناشناخته درامی طبیعت‌گرایانه (ناتورالیستی) است با پیرنگی که در همراهی کامل با قهرمان افسانه‌ای عینک به چشم، مو فرفری و نغمه‌سرایش برملا نمی‌شود. با وجود این، حس‌وحال فیلم همچون یک اثر موزیکال است.» بازی تیموتی شلمی در این فیلم به‌صورت ویژه مورد تحسین منتقدان مختلف قرار گرفته است.

عکس هفته

معمای مهمانی طهماسب

در حالی که خبرهای پیشین حکایت از ساخت سری جدید «مهمانی» برای پخش نوروزی از شبکه نسیم داشت، ایرج طهماسب در قالب یک پست اینستاگرامی گفت این برنامه تولید نمی‌شود: «همکاران و دوستانم امسال مهمانی نداریم، به پروژه‌های دیگرتان بپردازید. ارادتمندم.»
واکنش‌ها خیلی زود شروع شد و صحبت از اختلاف دوباره طهماسب با تلویزیون به میان آمد. در این میان یک رسانه فاش کرد حامی مالی برای «مهمانی» جور نشده تا برای هر قسمت دو میلیارد تومان پرداخت کند! تسنیم هم روایتی دیگر منتشر کرد و مدعی شد پیگیری‌ها نشان می‌دهد برنامه «مهمانی» مشکلی برای ادامه نخواهد داشت و فقط به دلایل زمانی، تولید آن به بعد از «عید نوروز» موکول شده است.

ترین‌های هفته

چینش هفته | به سریال‌های رمضان امیدی هست؟

روز گذشته سریال‌های رمضانی تلویزیون اعلام شد. شبکه یک «ذهن زیبا» با نام قبلی «مسیر اصلی» را پخش خواهد کرد. این سریال به کارگردانی محمدرضا خردمندان اقتباسی آزاد از زندگی پروفسور بهاروند است و امیرعلی دانایی، ساناز سعیدی، محمد نادری، زهرا داوودنژاد و... در آن بازی می‌کنند. «مرهم» ساخته محمدرضا آهنج از شبکه دو پخش می‌شود. این سریال داستانی درباره خانواده‌های روحانیون دارد. تنها کمدی رمضان «بدل» ساخته علیرضا مسعودی است که چند قسمت از آن از شبکه سه پخش شد و به دلیل شهادت رئیس‌جمهور و همراهان از کنداکتور بیرون ماند. این سریال شمایل یک اثر شکست‌خورده داشت!

اصرار هفته | هموطنز باز هم ساخته شد

«هموطنز» از محصولات جدید اما نه‌چندان با کیفیت تلویزیون است که سری اول آن روی آنتن شبکه دو رفت. حالا خبر رسیده که فصل جدید برنامه با اجرای کامران تفتی سه‌شنبه تا جمعه ساعت ۲۰ از شبکه نسیم پخش می‌شود. «هموطنز» شباهتی آشکار به «خندوانه» داشت و حتی بخش‌هایی از دکور نیز کپی بود. این مسابقه موج ایجاد نکرد ولی مرکز سیمرغ معاونت سیما مصرانه سفارش ساخت فصل بعدی‌اش را هم داده است. با این حساب کامران تفتی همزمان دو برنامه در شبکه نسیم دارد؛ یکی «هموطنز» و دیگری «سرنخ». اولی طنز است و دومی پلیسی –معمایی.

بازار خودرو

بهترین خودروهای اسپرت ارزان برای سال ۲۰۲۵

قفسه خالی خودروهای اسپرت ایران را می‌توان ارزان‌تر پر کرد!

متین شبری | با پیشرفت تکنولوژی و گسترش بازارها، بسیاری از امور و تفکرات رایج تغییر کرده‌اند و اگر افراد تنها کمی به تحقیق و جست‌وجو در حوزه خود بپردازند، آنگاه متوجه وجود موارد جدید و شاید عجیبی نیز شوند. با ورود چین به جمع خودروسازان جهان و سپس تبدیل شدن آن به بزرگ‌ترین خودروساز دنیا، مفاهیم و فرمول‌های بازار خودرو کاملا تغییر کرد، چراکه چینی‌ها با تیراژ مافوق بالا و تخصص در کیی و تولید ارزان، توانستند که قیمت خودرو را در بازار تغییر دهند و خودروهای خود را با لاتترین تکنولوژی و سطح آپشن در تمام سطح قیمتی با رقابتی‌ترین قیمت ممکن عرضه کنند. در نتیجه دیگر خودروسازان نیز سیاست خود را تغییر دادند. در دنیای خودرو معمولا خودروهای اسپرت، کوپه، رودستر و غیره معمولا نماد خودروهای لوکس و اسپرت و گران‌قیمت هستند. امروز در این متن به بررسی ۶ خودروی اسپرت اما ارزان‌قیمت در سطح جهان که در سال ۲۰۲۵ به بازار جهانی عرضه شده‌اند، پرداخته‌ایم.

۱ مزدا MX-۵ میاتا: کوچک‌ترین اسپرت جهان
- **قیمت پایه: ۳۰/۵۱۵ دلار**
- **۲ میلیارد و ۸۱۰ میلیون تومان**

مزدا MX-۵ میاتا ۲۰۲۵ همچنان ثابت می‌کند که وزن سبک و هندلینگ دقیق، کلید یک تجربه رانندگی لذت‌بخش هستند. این روادستر ژاپنی از یک موتور ۲ لیتری چهار سیلندر با قدرت ۱۸۱ اسب بخار و گشتاور ۱۵۱ پوند-فوت بهره می‌برد که نیروی خود را از طریق یک گیربکس دستی ۶ سرعته یا اتوماتیک به چرخ‌های عقب منتقل می‌کند تا شما به راحتی و تکنر بتوانید دریفت بزنید. در طراحی، میاتا با خطوط نرم و چراغ‌های LED باریک، چهره‌ای مدرن‌تر به خود گرفته است. مدل سقف نرم حس آزادی را به راننده هدیه می‌دهد، درحالی که نسخه RF با سقف سخت جمع‌شونده، نمایی کوپه‌مانند ارائه می‌کند. کابین با صندلی‌های اسپورت، نمایشگر لمسی ۸/۸ اینچی و پشتیبانی از Apple CarPlay و Android Auto، فراتر از یک خودروی کلاسیک عمل می‌کند. سیستم‌های ایمنی مانند کروز کنترل تطبیقی و ترمز اضطراری خودکار نیز به امکانات اضافه شده‌اند. میاتا ۲۰۲۵، همچنان یکی از بهترین انتخاب‌ها برای عاشقان رانندگی است.

۲ تویوتا جی‌آر ۸۶
- **قیمت پایه: ۳۱/۱۳۵ دلار**
- **۲ میلیارد و ۸۶۵ میلیون تومان**

تویوتا GR۸۶ ۲۰۲۵ همچنان یکی از بهترین کوپه‌های اسپرت مقرون به‌صرفه بازار است. این خودرو به یک موتور ۲/۴ لیتری چهار سیلندر تخت (باکسر) مجهز شده که ۲۲۸ اسب بخار قدرت و ۳۵۰ نیوتن‌متر گشتاور را از طریق نیرو از طریق یک گیربکس ۶ سرعته دستی یا اتوماتیک به چرخ‌های عقب منتقل می‌کند و تجربه‌ای چابک با توزیع وزن عالی را ارائه می‌دهد. طراحی GR۸۶ با خطوط عضلانی، چراغ‌های LED تهاجمی و جلوپنجره‌ای بزرگ، ظاهر جسورانه‌تری به این کوپه بخشیده است. رینگ‌های ۱۸ اینچی، دیفیوزر عقب و اسوپیلر کوچک، حس اسپرتی کابین با ترکیبی از عملکرد و راحتی طراحی شده است. نمایشگر دیجیتال ۷ اینچی پشت فرمان، صفحه لمسی ۸ اینچی، صندلی‌های اسپرت و روکش‌های الکانترا تجربه‌ای تبدیل شدن آن به یک خودروساز دنیا، مفاهیم و فرمول‌های بازار خودرو کاملا تغییر کرد، چراکه چینی‌ها با تیراژ مافوق بالا و تخصص در کیی و تولید ارزان، توانستند که قیمت خودرو را در بازار تغییر دهند و خودروهای خود را با لاتترین تکنولوژی و سطح آپشن در تمام سطح قیمتی با رقابتی‌ترین قیمت ممکن عرضه کنند. در نتیجه دیگر خودروسازان نیز سیاست خود را تغییر دادند. در دنیای خودرو معمولا خودروهای اسپرت، کوپه، رودستر و غیره معمولا نماد خودروهای لوکس و اسپرت و گران‌قیمت هستند. امروز در این متن به بررسی ۶ خودروی اسپرت اما ارزان‌قیمت در سطح جهان که در سال ۲۰۲۵ به بازار جهانی عرضه شده‌اند، پرداخته‌ایم.

۳ هوندا سیویک اس‌آی: ساموراپی چابک و خشن
- **قیمت پایه: ۳۱/۶۰۰ دلار**
- **۲ میلیارد و ۸۸۸ میلیون تومان**

هوندا سیویک Si ۲۰۲۵ همچنان به عنوان یکی از بهترین سدان‌های اسپرت اقتصادی شناخته می‌شود. این مدل به یک موتور ۱/۵ لیتری توربوشارژ چهار سیلندر مجهز است که ۲۰۰ اسب بخار قدرت و ۲۶۰ نیوتن‌متر گشتاور تولید می‌کند. نیروی این موتور از طریق یک گیربکس ۶ سرعته دستی یا سیستم تطبیق دور موتور به چرخ‌های جلو منتقل می‌شود و تجربه‌ای پویا و مهیج را ارائه می‌دهد. طراحی سیویک ۲۰۲۵ با خطوط تیز و جلوپنجره مشبک، نمایی اسپرت و جسورانه دارد. دیفیوزر عقب، دو خروجی اگزوز کرومی و رینگ‌های ۱۸ اینچی مشکی، چهره‌ای تهاجمی‌تر به این سدان می‌بخشند.
درون کابین، نمایشگر ۹ اینچی لمسی با پشتیبانی از Apple CarPlay و Android Auto، صندلی‌های اسپرت با دوخت قرمز و سیستم صوتی پرمیوم Bose تجربه‌ای مدرن را ارائه می‌دهد. از نظر ایمنی، فناوری‌هایی مانند ترمز اضطراری، هشدار خروج از خط و کروز کنترل تطبیقی، رانندگی را ایمن‌تر می‌کنند.

۴ فولکس‌واگن جی تی آی: نماد هاچ‌بک اسپرت در جهان
- **قیمت پایه: ۳۳/۱۹۰ دلار**
- **۳ میلیارد و ۵۳ میلیون تومان**

فولکس‌واگن GTI ۲۰۲۵ همچنان به عنوان یکی از جذاب‌ترین هاچ‌بک‌های اسپرت بازار شناخته می‌شود. این خودرو از یک موتور ۲ لیتری توربوشارژ چهار سیلندر بهره می‌برد که ۲۴۱ اسب بخار قدرت و ۳۷۰ نیوتن‌متر گشتاور تولید می‌کند. نیروی این موتور از طریق یک گیربکس ۶ سرعته دستی یا ۷ سرعته دوکلاچه اتوماتیک به چرخ‌های جلو منتقل می‌شود و تجربه‌ای چابک و هیجان‌انگیز را ارائه می‌دهد.
طراحی GTI همچنان با جلوپنجره لانه‌زنبوری، چراغ‌های LED کشیده و خطوط عضلانی جذابیت خاصی دارد. رینگ‌های ۱۸ اینچی، دیفیوزر عقب و تریم قرمز کلاسیک، روح اسپرت این هاچ‌بک را زنده نگاه داشته‌اند.
کابین با نمایشگر دیجیتال ۱۰/۲۵ اینچی، سیستم اطلاعات سرگرمی ۱۲ اینچی، صندلی‌های اسپرت با روکش تارتان و فرمان D شکل، ترکیبی از فناوری و راحتی را ارائه می‌دهد. در بخش ایمنی، سیستم‌های کمکی مانند هشدار برخورد از جلو، ترمز اضطراری و کروز کنترل تطبیقی تجربه رانندگی را مطمئن‌تر می‌کنند.

۵ سوبارو BRZ: نامی آشنا برای، استریت رسرها
- **قیمت پایه: ۳۳/۳۸۰ دلار**
- **۳ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان**

سوبارو BRZ ۲۰۲۵ یکی از انتخاب‌های هیجان‌انگیز برای رانندگان علاقه‌مند به رانندگی دقیق و لذت‌بخش است. این خودرو به موتور ۲ لیتری چهار سیلندر با قدرت ۱۵۰ کیلووات و گشتاور ۲۶۲ نیوتن‌متر مجهز است که نیروی آن از طریق گیربکس ۶ سرعته دستی یا ۷ سرعته اتوماتیک به چرخ‌های عقب منتقل می‌شود. این ترکیب قدرت و سیستم انتقال نیروی متوازن، تجربه‌ای پویا و لذت‌بخش از رانندگی را فراهم می‌آورد.
طراحی بی‌آرزو ۲۰۲۵ با خطوط تیز، جلوپنجره مشبک و چراغ‌های LED کشیده، نمایی اسپرت و جذاب دارد. ابعاد جمع‌وجور این خودرو آن را برای رانندگی پرسرعت و مانور در پیچ‌ها مناسب می‌کند. کابین ساده و کاربردپسند با سیستم اطلاعات سرگرمی ۱۷/۷ سانتی‌متری، صندلی‌های اسپرت و نمایشگر دیجیتال، به راننده حس اسپرتی خاص می‌دهد. در بخش ایمنی، سیستم‌های کمکی همچون کنترل کشش و ترمز ضد قفل (ABS) رانندگی امن و مطمئن‌تری را برای بی‌آرزو فراهم می‌آورد.

۶ فورد موستانگ اکوبوست فست‌بک: افسارِی در دست عاشقان
- **قیمت پایه: ۳۳/۵۱۵ دلار**
- **۳ میلیارد و ۸۳ میلیون تومان**

موستانگ اکوبوست فست‌بک ۲۰۲۵، با ترکیب قدرت، چابکی و فناوری‌های مدرن، همچنان یک انتخاب وسوسه‌انگیز در دنیای ماسل کارها است. این مدل از یک موتور ۲/۳ لیتری توربوشارژ چهار سیلندر با قدرت ۲۳۵ کیلووات و گشتاور ۴۷۵ نیوتن‌متر بهره می‌برد که نیروی خود را از طریق یک گیربکس ۶ سرعته دستی یا ۱۰ سرعته اتوماتیک به چرخ‌های عقب منتقل می‌کند.
طراحی بیرونی همچنان با چراغ‌های LED تهاجمی، جلوپنجره مشبک بزرگ و خطوط عضلانی، هویت کلاسیک موستانگ را حفظ کرده است. کابین نیز با نمایشگر دیجیتال ۱۲/۴ اینچی، سیستم اطلاعات سرگرمی جدید Sync ۴، صندلی‌های اسپرت و نورپردازی داخلی سفارشی، حس یک خودروی مدرن را القا می‌کند.
در بخش ایمنی و فناوری، سیستم‌های کمکی مانند ترمز اضطراری، هشدار برخورد از جلو و کروز کنترل تطبیقی به راننده آرامش بیشتری می‌بخشند. فورد موستانگ اکوبوست ۲۰۲۵، با عملکرد هیجان‌انگیز و طراحی جذاب، همچنان یکی از بهترین گزینه‌ها برای علاقه‌مندان به رانندگی اسپرت باقی می‌ماند.

عروسک چوبی هرگز جف بزوس نمی‌شود!

پندهای اقتصادی داستان پینوکیو و درخت سکه

آیان فرزیان | ماجرای درخت سکه یکی از بخش‌های مهم داستان پینوکیو، است. رویاه مکار و گربه نره به پینوکیو که چند سکه طلا دارد، وعده می‌دهند سکه‌هایش را در زمینی خاص به نام «دشت معجزه» بکارد تا درختی از سکه طلا رشد کند. پینوکیو که خام و طمع‌کار است، حرف آنها را باور می‌کند اما رویاه و گربه که نقشه کشیده‌اند، سکه‌های پینوکیو را دزدیده و فرار می‌کنند. وقتی پینوکیو برمی‌گردد، می‌بیند خبری از درخت و سکه‌ها نیست. این بخش داستان پینوکیو و درخت سکه، به طور کلی، هشداری است در مورد خطرات سرمایه‌گذاری‌های فریبکارانه و طمع‌کارانه که با وجود سادگی، حاوی درس‌های اقتصادی مهمی است.

۱ دنبال سرمایه‌گذاری زودبازده نروید

در این داستان، روباه مکار و گربه نره به پینوکیو وعده می‌دهند با کاشت سکه‌هایش در زمینی خاص، می‌تواند درخت پول داشته باشد. این وعده، نمادی از سرمایه‌گذاری‌های زودبازده و فریبکارانه است که در دنیای واقعی مثال‌های زیادی برایش وجود دارد. سرمایه‌گذاری زودبازده به نوعی از سرمایه‌گذاری گفته می‌شود که در آن، فرد انتظار دارد در مدت‌زمان کوتاهی، سود زیادی به دست آورد. سرمایه‌گذاری‌های زودبازده معمولا ریسک بالایی دارند. احتمال از دست دادن تمام سرمایه در این نوع سرمایه‌گذاری‌ها زیاد است. بسیاری از شرکت‌ها و افرادی که در زمینه سرمایه‌گذاری زودبازده فعالیت می‌کنند، در واقع کلاهبردار هستند و هدف آن‌ها فریب افراد و سرقت سرمایه آن‌ها است. این وعده‌ها معمولا برای جذب افراد طمع‌کار و ناگاه طراحی می‌شوند.
طرح‌های پانزی، سرمایه‌گذاری در ارزهای دیجیتال و شرکت‌های هرمی نمونه‌های سرمایه‌گذاری زودبازده در دنیای واقعی هستند که می‌توانند نتایجی مثل قصه پینوکیو رقم بزنند.

۲ طمع همیشه خسارت به بار می‌آورد

طمع و حرص، در دنیای واقعی هم به تصمیمات اشتباه و ضررهای مالی منجر خواهد شد. پینوکیو در اصل دنبال راه‌های میانبر و غیرواقعی برای رسیدن به ثروت است و در نتیجه، فریب کلاهبرداران را می‌خورد و سرمایه خود را از دست می‌دهد. طمع، نوعی سوگیری شناختی است که باعث می‌شود افراد، بیش از حد به منافع کوتاه‌مدت خود توجه کنند و از عواقب بلندمدت تصمیماتشان غفلت کنند؛ پس تصمیماتی می‌گیرند که منجر به ضررهای مالی جبران‌ناپذیری می‌شود.
این بخش از داستان پینوکیو، همچنین هشدار می‌دهد که طمع می‌تواند عواقب خطرناک دیگری نیز داشته باشد. پینوکیو پس از آنکه فریب خورد و تمام سکه‌هایش را از دست داد، تنها از نظر مالی متضرر نشد، بلکه از نظر روحی نیز آسیب دید ولی چون تنها احساس شرمندگی و شکست داشت با پای خودش به سمت پرتگاه بعدی رفت.

۳ خریناشید!

پینوکیو از کار کردن بیزار است و ترجیح می‌دهد برای رسیدن به ثروت، دنبال راه‌های آسان و میانبر برود اما پس از اینکه مورد کلاهبرداری قرار گرفت، به جای اینکه به دنبال کار و تلاش باشد، راه سبزک و خوشگذرانی را در پیش گرفت.
او فکر می‌کند که با این کار می‌تواند غم و اندوه خود را فراموش کند و دوباره به زندگی عادی برگردد. غافل از اینکه تصمیم جدیدش، او را گرفتار دردسری بزرگ‌تر خواهد کرد. تغییر شکل، نمادی از سقوط اخلاقی پینوکیو است. او که روزی عروسکی چوبی با ارزوهای بزرگ بود، حالا به حیوانی تبدیل شده که تنها به درد باربری می‌خورد و باید در راه خدمت به دیگران مورد استفاده قرار بگیرد. در دنیای واقعی بسیاری از افراد به دلیل نداشتن تحصیلات و مهارت کافی، به راحتی مورد استثمار و سوءاستفاده قرار می‌گیرند و نمی‌توانند به حقوق و مزایای مناسب دست پیدا کنند. کار، نه تنها راهی برای کسب درآمد، بلکه عاملی برای رشد و توسعه فردی است. افرادی که کار می‌کنند، علاوه بر کسب درآمد، مهارت‌های خود را نیز توسعه می‌دهند و اعتماد به‌نفس بیشتری پیدا می‌کنند. کار بدون سواد مالی یا شعور مدیریت مالی تقریبا به همان کارگاه دباغی ختم خواهد شد.

۴ مدیریت مالی را یاد بگیرید

مدیریت مالی، تنها به معنای کسب درآمد بیشتر نیست، بلکه شامل مدیریت صحیح منابع مالی نیز می‌شود. برای داشتن زندگی مالی موفق لازم باید بتوانیم درآمد خود را به درستی مدیریت کنیم. در کنارش توانایی برنامه‌ریزی برای آینده را به دست بیاوریم و سمت سرمایه‌گذاری‌های پرخطر و ناپایدار نرویم. سواد مالی نقش مهمی در مدیریت مالی ایفا می‌کند.
سواد مالی شامل آشنایی با مفاهیم پایه مانند بودجه، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، بهره، تورم و... می‌شود. توانایی تحلیل و ارزیابی صورت‌های مالی و گزارش‌های اقتصادی را بالا می‌برد و کمک می‌کند موقع انتخاب بهترین نوع سرمایه‌گذاری یا مدیریت بدهی‌ها تصمیم درست بگیریم. مدیریت مالی، یک فرایند مادام‌العمر است اما افراد باید از سنین کودکی با مفاهیم پایه آن آشنا شوند و مهارت‌های لازم برای مدیریت مالی را کسب کنند. از من می‌شنوید دنبال سواد مالی و راهکارهای مدیریت مالی در اینستاگرام نگردید چون پشت آغاب نوع روحی نیز آسیب دید ولی چون تنها داستان پینوکیو، یک گرفه‌نره و روباه مکار منتظر طعمه نشستند!.

۵ اخلاق و اقتصاد را از هم تفکیک نکنید

داستان پینوکیو به ما یاد آوری می‌کند که اخلاق و اقتصاد از هم جدا نیستند. پینوکیو با دزدی‌گیری، دزدی و طمع‌ورزی، به خودش و دیگران آسیب می‌رساند اما در نهایت باید بپذیریم در طول داستان نقش او هرگز از یک «قربانی» فراتر نمی‌رود. رعایت اصول اخلاقی در فعالیت‌های اقتصادی، تنها به فرد محدود نیست و برای کل جامعه ضروری به حساب می‌آید. اقتصاد سالم، اقتصادی است که در آن، علاوه بر اینکه افراد دنبال افزایش سواد مالی و ارتقا سطح مدیریت مالی هستند، سازمان‌ها هم خود را به رعایت اصول اخلاقی پایبند بدانند و جامعه را از شاخص‌هایی مثل کارمداری، تقلب و رشوه دور نگه می‌دارند.

سهمیه بنزین اسفند واریز شد

سهمیه بنزین اسفند خودروهای شخصی در کارت‌های هوشمند سوخت شخصی شارژ شد. ۶۰ لیتر سهمیه بنزین اسفند ماه خودروهای شخصی بدون هیچ گونه تغییری، ساعت ۲۴ یکم اسفند ماه در کارت‌های هوشمند سوخت شخصی شارژ شد. این آخرین سهمیه ماهانه سال ۱۴۰۳ است که به کارت‌های هوشمند سوخت شخصی واریز شده است. همچنین سهمیه سوخت خودروهای عمومی و خدماتی مطابق جدول سهمیه طرح مدیریت مصرف سوخت واریز شده است. سهمیه‌بندی بنزین از ساعت صفر روز جمعه ۲۴ آبان‌ماه سال ۱۴۳۹ بر اساس مصوبه شورای‌عالی هماهنگی اقتصادی سران سه قوه، برای همه وسایل نقلیه بنزین‌سوز آغاز شد. سقف ذخیره سهمیه بنزین کارت‌های هوشمند سوخت‌های مالکان خودروهای شخصی و موتورسیکلت‌ها کنون شش ماه است، بنابراین سهمیه واریزی ماهانه خودروهای شخصی و موتورسیکلت‌ها در صورت استفاده نکردن، حداکثر تا شش ماه در کارت‌های هوشمند سوخت قابل ذخیره خواهد بود.

رمز ارز

یک رسوایی دیگر برای لیبرا

اوضاع برای مبلی سخت‌تر شد

حواشی اخیر پیرامون میم کوین لیبرا که توسط رئیس‌جمهور ارژانتین، خاویر مایلی در تاریخ ۱۴ فوریه توییت شد، جنجال زایی به پا کرده است. این توکن که بر بستر سولانا ساخته شده، ابتدا با رشد شدید به ارزش بازار ۴/۵ میلیارد دلار دست یافت، اما تنها چند ساعت بعد، بیش از ۸۰ درصد سقوط کرد. در زمان اوج قیمت لیبرا، افراد داخلی شروع به تخلیه دارایی‌های خود کرده و نزدیک به ۱۰۰ میلیون دلار کسب درآمد کردند. سقوط میم کوین لیبرا عمدتا به دلیل فروش سریع توکن‌ها توسط افراد داخلی بود که زیان‌های سنگینی برای بسیاری از سرمایه‌گذاران به همراه داشت. پس از این اتفاق، مایلی توییت اولیه خود را حذف و اعلام حیات خود را این پروژه عقیده‌شیبی کرد که این موضوع تبدیل به یک بحران سیاسی شد. این ماجرا به بحث‌هایی درباره استیضاح یک رئیس‌جمهور در بازار سهام ارژانتین انجامید.
حالا رسانه‌های ارژانتین گزارش دادند که همین دیویس، یکی از سازندگان توکن لیبرا در پیام‌های منتی خود به پرداخت پول به کاریانا میلی، خواهر خاویر میلی، رئیس جمهور ارژانتین برای تبلیغ این میم کوین افتخار کرده است. به گزارش روزنامه لانیشون دیویس که مدیر عامل کلسیر وتجرز است، در پیامی به یک مدیر شرکت سرمایه‌گذاری ارز دیجیتال نوشته که می‌تواند با پرداخت پول به خواهر مبلی، رئیس‌جمهور را کنترل کند. او همچنین ادعا کرده که می‌تواند مبلی را به انتشار توییت و تبلیغ این توکن وادار کند. این در حالی است که مبلی در مصاحبه‌ای در ادعای تبلیغ توکن لیبرا را رد کرد و گفت تنها درباره آن اطلاع‌رسانی کرده است. گفتنی است که کاریانا میلی در حال حاضر رئیس دفتر ریاست‌جمهوری آرژانتین است و از مشاوران بسیار نزدیک و تاثیرگذار برادرش محسوب می‌شود. این اتفاق که به نوعی شبیه به کلاهبرداری بود، خطرات مربوط به معاملات ارزهای دیجیتال را نمایان ساخته و می‌تواند آسیب جدی به اعتبار کلی حوزه میم کوین‌ها وارد کند. در همین راستا، پلتفرم افارا رئی فایننشال مستقر در تورنتو اعلام کرده که این حادثه نشان‌دهنده نقطه اشباع بازار میم کوین‌ها است و نوآوری‌های جدید در این حوزه، پس از پروژه‌هایی همچون ترامپ و مالانیا دیگر جذابیت زیادی ندارند. به گفته کارشناسان، شاهد افزایش معاملات و استخدام‌ها در ایالات متحده بوده است. این ۶/۳ هزار لایک و ۴۶۸ پاسخ دریافت کرد که بسیاری از آن‌ها شامل عباراتی مانند «ریپل به ماه - XRP to the moon» بودند و بحث‌هایی درباره تبدیل شدن ریپل به ارز ذخیره ایالات متحده در جریان است.
قیمت توکن ریپل پس از این پست، در محدوده ۰/۵۵ دلار ثابت ماند، اما حجم معاملات آن در عرض ۲۴ ساعت ۶۲ درصد افزایش یافته و به ۵/۵ میلیارد دلار رسیده است. این پست در حالی منتشر شده که دیاترمان کارآمدی دولت بیه رهبری ایلان ماسک روز دوشنبه کمیسیون بورس و اوراق بهادار را هدف قرار داد.
این موضوع ممکن است به نتایج مثبتی برای ریپل منجر شود؛ چراکه این شرکت با درخواست تجدید نظر SEC در خصوص عرضه اوراق بهادار نیز شکست رو به‌رو است. علاوه بر این، انتظار می‌رود که راه‌اندازی صندوق ای‌تی‌اف ریپل اسال پس از تایید درخواست بورس نیویورک و گری‌اسکیل توسط اس‌ای‌سی، تصویب شود. گارلینگهاوس گفته است که پس از پیروزی ترامپ در انتخابات، ریپل فعالیت‌های خود را در آمریکا گسترش داده و فرصت‌های شغلی بیشتری ایجاد کرده است. او که در زانویه با ترامپ در مارالاگو شام خورده بود، تأکید کرد که نفوذ ریپل در واشنگتن افزایش داشته است.

پست جنجالی ترامپ درباره ریپل

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا روز سه‌شنبه مقاله‌ای مرتبط با ریپل را در پلتفرم اجتماعی تروث سوشال به اشتراک گذاشت که موجب هیجان و گمانه‌زنی‌های زیادی در جامعه ارز دیجیتال شد. این مقاله در کل درباره این است که شرکت ریپل نخست هدایت بر د گارلینگهاوس، پس از پیروزی ترامپ در انتخابات نوامبر، شاهد افزایش معاملات و استخدام‌ها در ایالات متحده بوده است. این ۶/۳ هزار لایک و ۴۶۸ پاسخ دریافت کرد که بسیاری از آن‌ها شامل عباراتی مانند «ریپل به ماه - XRP to the moon» بودند و بحث‌هایی درباره تبدیل شدن ریپل به ارز ذخیره ایالات متحده در جریان است.
قیمت توکن ریپل پس از این پست، در محدوده ۰/۵۵ دلار ثابت ماند، اما حجم معاملات آن در عرض ۲۴ ساعت ۶۲ درصد افزایش یافته و به ۵/۵ میلیارد دلار رسیده است. این پست در حالی منتشر شده که دیاترمان کارآمدی دولت بیه رهبری ایلان ماسک روز دوشنبه کمیسیون بورس و اوراق بهادار را هدف قرار داد.
این موضوع ممکن است به نتایج مثبتی برای ریپل منجر شود؛ چراکه این شرکت با درخواست تجدید نظر SEC در خصوص عرضه اوراق بهادار نیز شکست رو به‌رو است. علاوه بر این، انتظار می‌رود که راه‌اندازی صندوق ای‌تی‌اف ریپل اسال پس از تایید درخواست بورس نیویورک و گری‌اسکیل توسط اس‌ای‌سی، تصویب شود. گارلینگهاوس گفته است که پس از پیروزی ترامپ در انتخابات، ریپل فعالیت‌های خود را در آمریکا گسترش داده و فرصت‌های شغلی بیشتری ایجاد کرده است. او که در زانویه با ترامپ در مارالاگو شام خورده بود، تأکید کرد که نفوذ ریپل در واشنگتن افزایش داشته است.

پاسخ قوه قضاییه به دو سوال حقوقی

مرور نظریات مشورتی جدیدی که در بهمن صادر شده است

اداره کل حقوقی قوه قضاییه نظرات مشورتی جدیدی را منتشر کرده که در خصوص اجاره دادن مجدد یک ملک توسط مستاجر و تعقیب جرایم منافی عفت با شاکی خصوصی است. این نظریات را بخوانید:

۱ آیا مستاجران برای انتقال منافع مورد اجاره به دیگران به مجوز کتبی نیاز دارند؟

سوال: نظر به اینکه در ماده ۱۰ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶ مقرر شده است «مستأجر نمی‌تواند منافع مورد اجاره را کلا یا جزئاً به نحوه اشاعه به غیر انتقال دهد یا واگذار نماید، مگر اینکه کتباً این اختیار به او داده شده باشد.»، آیا اجازه کتبی در این ماده موضوعیت دارد؟ آیا در فرضی که دلایل و امارات کافی وجود داشته باشد، اجازه شفاهی می‌تواند مورد قبول قرار گیرد؟

۲ نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه:

قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶ به قرینه حکم مقرر در ماده ۳۰ این قانون در زمره قوانین آمده است؛ بنابراین با توجه به مدلول ماده ۱۰ قانون یادشده، مستاجر در صورتی می‌تواند مورد اجاره را در مدت اجاره بدون موافقت موجر به دیگری انتقال دهد که کتباً چنین حقی به وی تفویض شده باشد.
بر این اساس، کتبی بودن اجازه موضوعیت دارد.

۳ آیا تعقیب جرایم منافی عفت تنها با شاکی خصوصی ممکن است؟

استعلام: مطابق ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری «انجام هر گونه تعقیب و تحقیق در جرایم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شده و یا دارای شاکی یا به عنف یا سازمان‌یافته باشد که در این صورت، تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط مقام قضایی انجام می‌شود». حال چنان‌چه در فرض مذکور، رعایت تشریفات نشده و پرونده مشتکله با موضوع رابطه نامشروع، فی‌المثل فاقد شاکی خصوصی باشد، در این صورت تصمیم دادگاه به چه صورت می‌باشد؛ قرار منع تعقیب، موقوفی تعقیب یا برائت؟

۴ نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه:

مستفاد از ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در جرائم منافی عفت، انجام هر گونه تعقیب و تحقیق نیازمند شروط و شرایط مذکور در این ماده (شکایت شاکی، ارتکاب این جرایم در مرئی و منظر عام یا به عنف یا سازمان‌یافته) است؛ بنابراین در فرض پرسش که بدون وجود جهات تعقیب مقرر در ماده ۱۰۲ یادشده، شروع به تعقیب شده است؛ به لحاظ فقدان جهات قانونی در تعقیب و تحقیق مستند به مواد ۳۸۳ و بند «پ» ماده ۳۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ قرار موقوفی تعقیب که قرار شکلی است صادر می‌شود و صدور قرار منع تعقیب که مستلزم ورود به ماهیت اتهام و اظهار نظر نسبت به آن است، منتفی است.

دوسیه

ماده ۸۲ قانون مالیات‌های مستقیم چه می‌گوید؟

شرحی بر یک ماده‌ای از قانونی پرمخاطب که موجد توجه قرار گرفته است

هانیه آشتغالی
وکیل پایه یک دادگستری

ماده ۸۲ قانون مالیات‌های مستقیم به نوعی از مالیات اشاره می‌کند که تحت عنوان مالیات بر درآمد حقوق دستمزدی می‌شناسد، مالیاتی که به درآمد ارائه‌دهندگان خدمت، یعنی کارگر، کارفرما و پیمانکار، تعلق می‌گیرد. اما تکلیف کسر و پرداخت آن بر اساس قانون بر عهده کارفرما گذاشته شده‌است. کارفرما، پس از درنظر گرفتن معافیت‌های در نظر گرفته شده، مالیات مربوطه را کسر و پرداخت می‌کند.
در خصوص مالیات بر درآمد حقوق می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
- کارگر که موجب درآمد است اصولاً باید در ایران انجام شده باشد.
- رابطه کارای که حقوق برای آن پرداخت می‌شود باید به صورت مستمر باشد. اگر یک شخص به طور موردی یا غیر مستمر خدمتی را به دیگری ارائه دهد، مشمول این نوع مالیات قرار نمی‌گیرد.
- کاری که درآمد حاصل از آن مشمول مالیات بر حقوق می‌شود می‌تواند بر اساس قرارداد کتبی یا شفاهی باشد.
- همه انواع قراردادهای کاری از جمله «کارمندی»، «کارگر - کارفرمایی» و «پیمانکاری» که توسط اشخاص حقیقی صورت می‌گیرد، مشمول این نوع مالیات است.
- اگر کارفرمایی به وظیفه خود در خصوص اعلام، کسر و پرداخت مالیات بر حقوق اقدام نکند، اداره مالیات، بر اساس لیست بیمه تأمین اجتماعی برای دریافت آن اقدام خواهد کرد. این امر باعث می‌شود که کارفرما مشمول پرداخت جرایم مالیاتی شود.
- بیمه بودن شخص ارائه‌دهنده خدمت ملاک نیست. ممکن است کارفرمایی در بیمه کردن نیروهای خود و پرداخت حق بیمه کوتاهی کند اما همین که حقوقی پرداخت می‌کند، باید مالیات مربوط به آن را کسر کند.
- همه انواع پرداختی‌ها به یک شخص، چه در قالب حقوق باشد و چه مزد و پاداش مشمول این نوع مالیات است. این قاعده در مورد مزایای مربوط به یک شغل، چه مزایای مستمر و چه مزایای غیر مستمر، صادق است. بر اساس قانون ملاک آن است که مبلغ پرداخت‌شده «مابه‌ازای تسلیم نیروی کار» باشد.
- اگر برای پرداخت حقوق شخصی سند حقوق صادر شود، حتی اگر هنوز پرداختی صورت نگرفته باشد، مشمول پرداخت مالیات می‌شود.
- اگر دریافتی یک فرد از کار خود در ایران به صورت غیرنقدی باشد، به این درآمد غیر نقدی نیز مالیات تعلق می‌گیرد. برای مثال اگر شخص خانه یا ماشینی را به عنوان بخشی از درآمد خود از کارفرما دریافت کند، این خانه یا ماشین نیز مشمول پرداخت این نوع مالیات خواهند بود. البته باید اشاره کرد که مبالغی که کارفرما برای هزینه درمانی کارکنان خود یا افراد تحت تکفل آن‌ها پرداخت می‌کند و همچنین مستمری‌ای که به وراث پرداخت می‌شود از پرداخت این نوع مالیات معاف‌اند.
- اگر پرداخت حقوق به یک شخص به صورت دلاری، یورویی یا به ارز دیگری باشد، برای محاسبه مالیات تعلق گرفته به درآمد این شخص، نرخ آزاد ارز ملاک است، نه نرخ رسمی و دولتی آن. چرا که حقوق گیرنده این امکان را دارد که ارز دریافت‌شده را به قیمت آزاد در بازار به فروش برساند.
- معافیت پایه‌ای که به مالیات بر درآمد حقوق تعلق می‌گیرد هر سال در قانون بودجه مشخص می‌شود. کارفرمایان، با در نظر گرفتن این معافیت و سایر پرداختی‌هایی که بر اساس قانون از این نوع مالیات معاف شناخته شده‌اند، مالیات را کسر و پرداخت می‌کند.

*** برای ارتباط با وکیل، از طریق ایمیل hanie.esghtehali@gmail.com یا شماره تلفن ۰۹۱۲۲۱۴۲۹۸۲ اقدام کنید.**

نکته

چند سوال متداول در خصوص املاک مشاعی

درسامانه‌های حقوقی برای زندگی روزمره - ۱۱۶

مهتاب سحابی
وکیل دادگستری

املاک مشاعی به علت قواعد خاصی که دارند، بسیار نگران کننده بوده و بعضا اشخاص نسبت به حقوق مشاعی خود ناآگاه هستند.
سوال اول: یکی از سوالاتی که در خصوص این گونه املاک وجود دارد در مورد نحوه انتقال آن‌هاست که آیا انتقال ملک مشاعی امکان پذیر است؟ و آیا نیاز به اذن سایر مالکین مشاعی دارد؟
پاسخ: انتقال امل

نکته بازی

قبول کنید که این بازی‌ها «ملی» نیست

شاید اگر انگیزه حذف شدن پرسپولیس نبود، استقلال نمایشـــی به این درخشانی را مقابل الریان ارائه نمی‌داد. اما چند اتفاق مثل صحبت‌های چند کارشناس و مجری تلویزیونی و حضور پررنگ هواداران پرسپولیس در پیج رسمی باشگاه الریان و تقاضا برای شکست دادن استقلال که منجر به حذف این تیم و صعود پرسپولیس می‌شد، بازیکنان استقلال را جری کرد. حالا استقلال صعود کرده و دو هفته دیگر باید مقابل النصر عربستان به میدان برود. هواداران استقلال از سه‌شنبه شب حسابی کوک‌شان کوک است و دارند برای پرسپولیسی‌ها کری می‌خوانند و از تخصص‌شان در آسیا می‌گویند اما واقعیت این است که بازی با النصر عربستان اصلا آسان نیست. بازی با الهلال و الاهلی هم سخت‌تر! به همین دلیل بود که خیلی از پرسپولیسی‌ها ته دل‌شان راضی بودند که تیم‌شان حذف شود و به عنوان تیم هشتم صعود نکند و حریف الهلال یا الاهلی نشود تا مبادا داستان بازی دو هفته پیش مقابل الهلال تکرار شود! اما همانقدر که پرسپولیسی‌ها الان غمگین هستند و استقلالی‌ها خوشحال، ممکن است دو سه هفته دیگر همه چیز برعکس شود. باخت احتمالا سنگین استقلال مقابل النصر و حذف از لیگ نخبگان با چنین شکستی، می‌تواند هواداران استقلال را مثل آن بازی کذایی مقابل العین امارات، سرافکنده کند و فرصت دوباره‌ای به پرسپولیسی‌ها برای کری خواندن و خوشحال شدن بدهد. خود استقلالی‌ها هم نگران این بازی هستند. واقعیت این است که استقلالی‌ها از حذف پرسپولیس در این مرحله خوشحال می‌شوند و پرسپولیسی‌ها هنوز هم آن باخت به العین را به استقلالی‌ها یادآوری می‌کنند. تا وقتی هواداران دو تیم از شکست رقیب در آسیا خوشحال می‌شوند و از پیروزی‌اش ناراحت، نباید به این بازی‌ها به چشم بازی ملی نگاه کرد.

از اصل هم داریم می‌افتیم!

مرحله گروهی لیگ نخبگان آسیا در منطقه غرب، سه‌شنبه شب به پایان رسید و تکلیف ۸ تیم صعودکننده به مرحله بعد مشخص شد. الهلال و الاهلی با ۲۲ امتیاز اول و دوم شدند و دیگر نماینده عربستان یعنی النصر با ۱۷ امتیاز سوم شد! السد قطر، الوصل امارات، استقلال، الریان قطر و پاختاکور ازبکستان هم در رده‌های چهارم تا هشتم قرار گرفتند. اینکه مجموع امتیازات استقلال و پرسپولیس به امتیازات النصر رده سومی هم نرسید، واقعا قابل توجه است. می‌توانیم مثل همیشه پشت چیزهایی مثل دلارهای نفتی سعودی‌ها، فوق‌ستاره‌های گران‌قیمت آنها، گران‌تر بودن سادیو مانه از کل لیست پرسپولیس، ورزشگاه‌های مدرن عربستانی‌ها و ... پنهان شویم و خودمان را به آن راه بزنیم. اصلا همه این‌ها قبول! اما آیا اینکه از السد تضعیف شده و بی‌ستاره و الوصل امارات که بازیکنانش قابل مقایسه با السد هم نیستند، ضعیف‌تر ظاهر شدیم را کجای دل‌مان بگذاریم؟ با بالا آمدن پاختاکور چطور کنار بیاییم؟ همین سه‌شنبه در یادگار امام، سکته کردیم تا تراکتور از سد خالدیه بحرین بگذرد. اصلا تا دو هفته پیش اسم این تیم بحرینی را شنیده بودید؟ الشرطه عراق فقط یک امتیاز از پرسپولیس کمتر داشت و در همین مرحله گروهی، پرسپولیس و اســـتقلال را جان به لب کرد! راستی اگر وقت کردید، به جدول مسابقات شرق هم نگاهی بیندازید. جایی که ژاپنی‌ها مثل عربستانی‌ها ۳ رده اول جدول را مال خودشان کرده‌اند، البته بدون ریخت و پاش و ولخرجی آنها. اگر لیست این ۳ تیم را بگردید، بعید است بازیکن خارجی و سرشناسی را پیدا کنید اما همین ژاپنی‌ها، با تیم‌های معمولی و بازیکنانی نه‌چندان گران‌قیمت، شرق آسیا را قرق کرده‌اند. از اسب که هیچ، در آسیا از اصل هم داریم می‌افتیم آقایان!

حالا شد!

این همان تیمی بود که هواداران استقلال مدت‌ها منتظر دیدنش بودند

نادر نامدار | تیمی که دو هفته پیش با یک نمایش ناامیدکننده در ورزشـــگاه آزادی و مقابل الشرطه عراق، هوادارانش را به اوج عصبانیت و سر دادن شعارهای «حیا کن، رها کن» رسانده بود، سه‌شنبه شب با ارائه یک بازی خوب، درگیرانه و بابرنامه میزبانش الریان را شکست داد و به عنوان تیم ششم گروه، راهی مرحله حذفی لیگ نخبگان آسیا شد.

روحیه جنگنده و نترس

این دوندگـــی، تلاش و جنگ برســـر تصاحب توپ‌ها را مدت‌هـــا بود که از اســـتقلال ندیده بودیـــم. مخصوصـــا در بازی‌هـــای این فصل لیگ‌برتر، یادمان نمی‌آید که بازیکنان استقلال، اینقدر انگیزه داشته باشند و برای نتیجه گرفتن تلاش کنند. اصـــلا راه دور هم نرویـــم! بازی با الشـــرطه را به یاد بیاورید. اســـتقلال در همان دقایق اول بـــه گل برتری رســـید و خیلی زود عطش بازیکنانش فروکش کـــرد. آنقدر عقب رفـــت و محتاطانه به بازی ادامـــه داد تا تیم ته جدولی الشرطه جســـارت حمله و تحت فشار گذاشتن استقلال را در وزشگاه آزادی و مقابل چشمان ۵۰ هزار هوادار پیدا کرد. نتیجه اینکه تیم عراقی در نیمه دوم به گل رسید و استقلالی که ترسو شده بود، دچار استرس از دست رفتن همین یک امتیاز هم شد. استرسی که خیلی هم بیراه نبود و اگر واکنش حســـینی در وقت‌های تلف‌شده بازی نبود، شاید الشـــرطه برنده آن بازی می‌شد و شانس صعود به مرحله بعد را هم پیدا می‌کرد! این اتفاق در مقابل الریان رخ نداد. بازیکنان اســـتقلال از دقیقه اول بازی تا دقیقه ۱۱۱ دویدند و برای تصاحـــب تک‌تک توپ‌ها جنگیدند و توانســـتند دلِ آزرده هواداران‌شان را به دســـت بیاورند. مدت‌ها بود که از حسین حســـینی، رامیـــن رضائیان، صالـــح حردانی، محمدرضا آزادی، رافائل سیلوا، دیدیه اندونگ و سایرین، چنین تلاش سرسختانه‌ای را ندیده بودیم. سوالی که پیش می‌آید این است که واقعا نمی‌شد استقلالی‌ها زودتر از اینها به خودشان بیایند و نشان بدهند که ارزش پیراهنی را که بر تن کرده‌اند، می‌دانند؟

برنامه برای ۹۰ دقیقه

اســـتقلال این فصـــل در بیشـــتر بازی‌هایش، یک تیم بی‌برنامه، بی‌هدف و ســـردرگم بود که خودش هم نمی‌دانســـت چه می‌خواهد و چه باید بکند. انـــگار بازیکنانش از روی اجبار بازی می‌کردند و هیچ علاقه و عطشـــی برای بازی و پیروزی نداشـــتند. اگر چند بازی اخیر مقابل مس رفسنجان، ملوان و شمس‌آذر را مرور کنید، دقیقا همین نشانه‌ها را در بازی این تیم خواهید دید. اما اســـتقلالی که سه‌شنبه شب دیدیم، با تمام این بازی‌ها متفاوت بـــود. از همان دقیقه اول مشخص بود که آبی‌ها می‌دانند از بازی چه می‌خواهند و برای رســـیدن به هدف، باید چه کنند. می‌شـــد به خوبی ردپای برنامه و تمرین را در تک‌تک دقایق بازی شـــاگردان ســـهراب بختیاری‌زاده دید. آنها هم برای مساوی پیش رفتن بازی برنامه داشتند، هم برای دقایق بعد از گل اول احتمالی و هم برای دقایق بعد از گل‌های احتمالی بعدی! می‌شـــد پیش‌بینی کرد که اگر اشتباه فردی مثل پر کردن آفســـاید یا سوتی فاحش رخ ندهد، الریان تا صبح چهارشنبه هم نمی‌تواند دروازه اســـتقلال را باز کند. حسین حسینی با روحیه خوب ناشـــی از گرفتن چند توپ و همینطور پیش افتـــادن تیمش، بعد از مدت‌ها، تبدیل به همان دروازه‌بان رکوردشکن تاریخ لیگ‌برتر شـــد و روزبه چشـــمی چند بار خودش را جلوی شـــوت‌های بازیکنان حریف انداخت و آنها را بلاک کـــرد. اندونگ و رضاوند هم بارها پاس‌های الریانی‌هـــا را قطع کردند و ضدحملات خطرناکی را ترتیب دادند. کوشکی هم در نیمه دوم، بلای جان دفاع الریان شـــد و بارها آنها را به دردسر انداخت.

اعاده حیثیت

مدت‌ها بود که هواداران استقلال رابطه خوبی با بازیکنان تیم‌شان نداشتند. آنها در چند بازی اخیر، شـــعارهای تندی علیه بازیکنان سر داده و آنها را بی‌غیرت و بی‌تعصـــب خوانده بودند. حتی بعضی از بازیکنان بـــه باندبازی هم متهم شده بودند. شایعه درگیری‌هایی هم بین چند بازیکن در فضای مجازی منتشـــر شده بود که راست و دروغش هرگز تایید رسمی نشد. نتایج ضعیف در لیگ برتر هم حسابی آنها را از چشم هواداران انداخته بود. بازی با الریان، بهترین و شـــاید آخرین فرصت برای تغییر این وضعیت بود. به ویژه اینکه سرنوشـــت پرسپولیس هم در دست استقلال بود. آبی‌ها با یک تساوی هم صعود می‌کردند اما باخت بـــه الریان علاوه بر اینکه باعث حذف آنها می‌شد، صعود پرسپولیس را هم رقم می‌زد و این بدتریـــن اتفاقی بود که می‌توانســـت برای بازیکنان استقلال رخ دهد. همه این ماجراها دســـت به دســـت هم داد تا استقلالی‌ها برای فرار از بحران، همه تلاش‌شان را بکننـــد! در فضای مجازی هم دیده شـــد که هواداران پرسپولیس در صفحه رسمی باشگاه الریان با انتشـــار کامنت‌هایی حتـــی به زبان عربی! خواهـــان پیروزی این تیم بر اســـتقلال شـــده بودند و احتمالا همین بود که باعث شد به آنها بربخورد. شـــاید اگر پای پرسپولیس در میان نبود، استقلالی‌ها برای کسب مساوی به میدان می‌رفتند و بعید نبود که با این استراتژی، شکســـت بخورنـــد و پرســـپولیس را به جای خودشان راهی مرحله بعد کنند اما انگیزه صعود خودشان و حذف شـــدن پرسپولیس باعث شد نتیجه دلخواه آنها و هواداران‌شان رقم بخورد.

گزارش

لیست سیاه یونایتد برای تابستان

چند بازیکن ناکارآمد شیاطین سرخ ممکن است تابستان از اولدترافورد خارج شوند

لیســـت بازیکنان یونایتـــد متشـــکل از بازیکنان سطح اول نیســـت. تغییرات مثبت تنها زمانی در اولدترافورد شروع می‌شـــود که آموریم آزاد باشد تابستان آینده خریدهای خود را انجام دهد. برای انجام این کار، ابتدا به فروش نیاز است زیرا مالکان باشـــگاه تلاش می‌کنند در محدوده قوانین سود و پایداری لیـــگ برتر باقی بماننـــد. چندین بازیکن یونایتد شـــانس بالایی برای قرار گرفتن در لیست فروش دارند.

آندره اونانا

اکثر هواداران یونایتد پس از اولین فصل بد اونانا در اولدترافورد به این ملی‌پوش کامرونی شک کردند اما اکنون هیچ کس به او اعتمـــاد ندارد. یونایتد به خاطر اشـــتباهات اونانا امتیازات زیادی از دســـت داده. جاگیری و واکنش‌های او در این فصل ضعیف بوده؛ حتی عملکردش در بازیسازی بسیار پایین‌تر از استانداردهای لازم اســـت. او به دلیل شهرتش به عنوان یک دروازه‌بان مـــدرن در بازی با توپ، به اولدترافورد آمد.

الخاندرو گارناچو

او حداقل اخیراً تلاش زیادی برای آموریم داشته. مهاجم آرژانتینی از زمان حذف شـــدن از ترکیب دربی مقابـــل منچسترســـیتی در ماه دســـامبر، شخصیت واقعی خود را نشان داده تا اعتماد مربی را به دست بیاورد و با توجه به اینکه آماد دیالو اخیرا دچار مصدومیت نســـبتا بلندمدتی شده، گارناچو بزرگ‌ترین تهدید تهاجمی باقی مانده در ترکیب آموریم است. گارناچو هنوز یک تمام‌کننده افتضاح به نظر می‌رســـد. طبق آمار اوپتا نرخ تبدیل شوت به گل گارناچو در انگلیس در رتبه آخر قرار دارد (بازیکنانی که حداقل ۱۰ موقعیت بزرگ داشته‌اند). او از ۱۴ موقعیت خود فقط ۲ گل ساخته. استعداد آرژانتینی آرامشی که یونایتد در یک‌سوم پایانی به شـــدت به آن نیاز دارد را در خود نمی‌بیند. اگر این موضوع تغییر نکند، یونایتد چاره‌ای جز فروش او در تابستان نخواهد داشت. فروش این مرد آرژانتینی منجر به سود خالص برای باشگاه می‌شود.

دیوگو دالو

اینکه دیگو دالو باتوجه بـــه محدودیت‌های واضح خود، هفتمین سال دوران حرفه‌ای خود را در یونایتد سپری می‌کند، باورنکردنی است. ملی‌پوش پرتغالی تا حد زیادی به دلیل تطبیق‌پذیری در باشگاه باقی مانده. او در هر ۲ طرف دفـــاع کناری بازی می‌کند اما اغلب به عنوان ضعیف‌ترین مهـــره دفاعی تیم، برجسته و به یک هدف آسان برای تیم‌های حریف تبدیل می‌شود. دالو به شدت نامنظم است. او تمایل دارد گزینه اشـــتباه پاس را انتخـــاب کند که باعث ناامیدی هم‌تیمی‌هایش می‌شود. در دوئل‌های تک به تک به راحتی شکست می‌خورد.

یوشوا زیرکزی

زیرکزی از زمان انتقال ۳۶ میلیون پوندی تابستانی خود از بولونیا به طور ناعادلانه توسط کارشناسان و هواداران مورد انتقاد قرار گرفته اســـت. مهاجم هلندی می‌توانـــد چند مدافع را دریبـــل و ارتباط خوبی با ســـایر مهاجمان تیم برقرار کند. زیرکزی دارای ظرافت و لمـــس جادویی دیمیتار برباتوف و هیکل باشکوه زلاتان ایبراهیموویچ است و در سن ۲۳ سالگی، هنوز پتانسیل زیادی برای شکوفا شدن دارد اما در حال حاضر احســـاس می‌شود با شدت رقابت لیگ برتر سازگار نیست.

ماتیاس دلیخت

فارغ‌التحصیل آکادمی آژاکس هـــم در یوونتوس و هم در بایرن مونیخ ناامیـــدی بزرگی بوده. عدم ســـرعت و تحرک او اغلـــب در بزرگ‌ترین بازی‌ها آشـــکار می‌شـــد و پرداخت ۴۳ میلیون پوند برای این بازیکن ۲۵ ســـاله یک ریسک غیرضروری بود. دلیخت در مواقعی ذهنیت خوبی از خود نشان داده؛ به ویژه در جریان پیـــروزی خانگی مقابل برنتفورد که با وجود مصدومیت خونین از ناحیه سر به بازی ادامه داد اما ایرادات آشکار در بازی او برطرف نشده. در سیستم آموریم، هری مگوایر به ۲ مدافع سریع نیاز دارد تا کنار او باشـــند. دلیخت با این شـــرایط سازگار نیســـت. وقتی همه آماده باشند، دلیخت پشـــت ســـر لنی یورو و لیســـاندرو مارتینس قرار خواهد گرفت. ملی‌پوش هلندی در بحبوحه بحران مصدومیت مداوم یونایتد به ترکیب اصلی رسید. احتمالاً با بازگشـــایی بازار نقل و انتقالات، درهای خروج برایش باز خواهد شد.

راسموس هویلوند

این بازیکن ۲۲ ساله در این فصل تنها ۲ گل زده و در حال حاضر در میانه ۱۴ بازی بدون تاثیر است. شیاطین سرخ با داشتن شماره ۹ نمی‌توانند به اوج برگردند بنابراین احتمالاً اولین بازیکن فروشـــی خواهد بود.

سوژه روز

پایان عصر طلایی پرسپولیس؟

مدیریت باشگاه پرسپولیس این روزها در شرایطی زیر فشار شدید انتقادات قرار دارد که شاید اگر نخواهیم همه تقصیرات را گردن مدیریت بیندازیم، باید منصفانه گفت که بخشی از این انتقادات، وارد بوده است. چرایی عدم تمدید قرارداد اوسمار و ناکامی در مسیر حفظ ستاره‌های کلیدی تیم در کنار بحث چرایی انتخاب خوان کارلوس گاریدو از میان گزینه‌های موجود در ابتدای فصل و قطع همکاری‌ای که با او انجام شد و سپس فرآیند بسیار زمانبر انتخاب جانشین سرمربی اسپانیایی از جمله انتقاداتی است که به رضا درویش و کادر مدیریت باشگاه پرسپولیس وارد است.

آسیب بزرگ به پرسپولیس؛ خدشه به شخصیت قهرمان

پرسپولیس به‌واسطه این تغییر و تحولات به نظر می‌رسد شخصیت قهرمانی‌اش خدشه‌دار شده است؛ شخصیتی که در یک‌دهه اخیر پرسپولیسی‌ها آن را به لطف زحمات برانکو ایوانکوویچ و یحیی گل‌محمدی به‌دست آوردند و توانستند با قهرمانی‌های سریالی در لیگ برتر، جام حذفی و سوپرجام کار خود را پیش ببرند و خود را ۲ بار تا مرحله فینال لیگ قهرمانان آسیا هم برسانند اما حالا شرایط در فصل جاری، بسیار اسفناک به نظر می‌آید.

از دست دادن ۳ جام در فاصله ۳۱ روز

سرخ‌پوشان در هفته‌ای که گذشت، در اصفهان برابر سپاهان مغلوب شدند و از جام حذفی کنار رفتند و سپس نتوانستند در خانه و در حضور بیش از ۷۰ هزار هوادار خود، طعم پیروزی را برابر النصرِ جوان‌شده و بی‌ستاره‌های اسم‌ورسم‌دار بچشند تا از لیگ نخبگان آسیا هم کنار بروند. این دو ناکامی بزرگ را کنار عدم موفقیت سرخ‌پوشان در مسابقه ماه گذشته در سوپرجام بگذارید تا عملاً پرونده حضور سرخ‌پوشان در ۳ تورنمنت از ۴ رویدادی که پرسپولیس در فصل جاری در آن حضور داشت، بسته شود!

ضعیف‌ترین نسخه پرسپولیس لیگ برتر در ۹ فصل اخیر

قهرمان ۸ دوره از ۹ دوره اخیر لیگ برتر، حالا جایی در بین ۲ تیم برتر جدول رده‌بندی ندارد و سرخ‌پوشان در فاصله ۴ امتیازی با صدر جدول در رتبه سوم هستند. عدم ثبت میانگین ۲ امتیاز در هر بازی باعث شده تا ضعیف‌ترین عملکرد پرسپولیس در طول ۹ فصل اخیر از حیث امتیازگیری (تا پایان هفته نوزدهم) به‌ثبت برسد؛ آن‌هم در شرایطی که طبق تقسیم‌بندی انجام شده، فقط تیم قهرمان لیگ مستقیماً در مرحله گروهی فصل آینده لیگ نخبگان حضور خواهد داشت و تیم نایب‌قهرمان سهمیه پلی‌آف می‌گیرد و سهمیه‌ای به تیم سوم جدول نمی‌رسد.

از لیگ پانزدهم تا لیگ بیست‌وچهارم؛ خداحافظ عصر طلایی؟

آخرین‌بار که سرخ‌ها کمتر از ۳۸ امتیاز در پایان هفته نوزدهم داشتند، لیگ پانزدهم بود که استقلال خوزستان قهرمان شد و دستِ پرسپولیس به جام نرسید که آخرین فصل سرخ‌ها پیش از شروع عصر طلایی بود و حالا هواداران سرخ‌پوش دل‌نگران آن هستند که تکرار آن سناریو با حضور تیم‌های تراکتور و سپاهان، رسماً نقطه پایان عصر طلایی پرسپولیس در پایان فصل جاری گذاشته شود!

منبع: فوتبال ۳۶۰

گوشه و کنار مستطیل سبز

محرومیت ۲ جلسه‌ای بلینگام

کمیته مســـابقات فدراسیون فوتبال اســـپانیا فرجام‌خواهی باشگاه رئال مادرید در مورد محرومیت جود بلینـــگام را نپذیرفت و به این ترتیب این هافبک انگلیسی از همراهی کهکشانی‌ها در دو بازی پیش‌رو محروم است، یعنی بازی با تیم‌های جیرونا و رئال بتیس. در گزارش کمیته مســـابقات فدراسیون فوتبال اسپانیا آمده است؛ مســـتندات و تصاویری که باشگاه رئال مادرید ارائه کرده بود، نتوانســـت ثابت کند که بلینگام از لفظ زننده و توهین‌آمیز علیه خوسه مونوئرا مونترو (داور بازی) در تساوی یک-یک شنبه شب رئال مادرید مقابل اوساسونا استفاده نکرده است. باشگاه رئال مادرید پس از بازی با اوساسونا در هفته بیست‌وچهارم لالیگای اسپانیایی در کنار اعتراض به اخراج جود بلینگام هافبک انگلیسی خود به دلیل آنچه توهین این هافبک انگلیســـی به مونوئرا عنوان شد، به چند خطای بدون مجازات بازیکنان اوساسونا به ویژه در صحنه‌های مشکوک به پنالتی روی کیلیان امباپه و وینیسیوس جونیور نیز معترض بود.

یک سهمیه اروپایی ایتالیا به خطر افتاد

با حذف آث‌میلان و آتالانتا، ایتالیا اکنـــون تنها دو نماینده دیگر در لیگ قهرمانان دارد که یکی از آنها، یوونتوس هم ممکن اســـت دیشب حذف شده باشـــد اما حتی در صورت صعود یوونتوس، این احتمال وجود دارد که ســـری A قبل از برگزاری بازی‌های مرحله یک‌هشتم نهایی قید یکی از نماینده‌هایش را بزند چراکه طبق قرعه‌کشی ممکن است یوونتوس و اینتر با یکدیگر روبه‌رو شوند. ایتالیا رم و لاتزیو را در لیگ اروپا و فیورنتینا را در لیگ کنفرانس دارد. پبه طور کلی ایتالیایی‌ها از نظر کسب نتیجه در رقابت‌های اروپایی فصل جاری که بر جایگاه‌شان در رده‌بندی لیگ‌های اروپایی یوفا تأثیر مســـتقیم دارد، اکنون جایگاه سوم را دارند. اگر جایگاه سری A تا پایان فصل ارتقا پیدا نکند، سهمیه اضافه‌ای که به دو لیگ برتر فوتبال اروپا در رده‌بندی یوفا تعلق می‌گیرد از چنـــگ ایتالیایی خواهد پرید؛ البته آنها با برخی اما و اگرها باز هم خواهند توانست سهمیه پنجم را بگیرند و آن در شرایطی است که از میان رم یا لاتزیو یکی قهرمان لیگ اروپا شود و در عین حال در میان ۴ تیم برتر جدول رده‌بندی سری A در پایان فصل نباشد.

لیورپول مشتری دیونگ شد

شاید رفتن هیچ بازیکنی به اندازه فرنکی دیونگ بارسلونا را خوشحال نکند و دلیلیش هم حقوق بالایی است که این بازیکن به واسطه قراردادش با رئیس قبلی باشگاه، خوسپ ماریا بارتومئو بســـت. بارسلونا در سال‌های گذشته به روش‌های مختلف سعی کرد از شر هزینه سنگینی که پرداخت حقوق دیونگ به این باشگاه تحمیل می‌کرد خلاص شود. مشکل بارسلونا با دیونگ حقوق بالای اوست و اگر بازیکن حاضر به کاهش قابل توجه حقوقش شود، احتمال توافق برای تمدید قرارداد فعلی هم وجود دارد. ســـایت تیم‌تاک انگلیس مدعی شده است که باشـــگاه لیورپول هم قصد دارد برای جذب دیونگ به بارسلونا پیشنهاد بدهد. طبق ادعای این سایت، بارسلونا با توجه به مدت کوتاه باقیمانده به پایان قرارداد دیونگ، او را در ازای ۳۵ میلیون یورو هم خواهد فروخت تا جلوی خروج او به عنوان بازیکن آزاد را بگیرد و این رقم از سوی طرف انگلیسی هم معقول و قابل قبول دانسته می‌شود. با این وجود، مشکل اصلی و همیشگی بارسلونا برای فرستادن دیونگ به تیمی دیگر همچنان پابرجاست و آن حقوق بالای بازیکن است که حتی لیورپول هم حاضر به پرداختش نیست و به این ترتیب این جابه‌جایی تنها با موافقت ستاره سابق آژاکس با کاهش حقوق رخ خواهد داد.

امید به بهترین پاری‌سن‌ژرمن تاریخ

در سال‌های گذشته، پی‌اس‌جی با ســـتاره‌هایش در لیگ فرانسه تسلط داشـــت، اما در لیگ قهرمانان اروپا همیشـــه ناکام بـــود. از آن زمان که ابراهیموویچ به تیم پیوســـت، تا حضور مســـی، هر بار انتظارات بالا رفته است. اما اکنون با لوئیس انریکه، تیم به نظر می‌رسد که نسبت به گذشته هماهنگی بیشـــتری دارد و بازی زیباتری ارائه می‌دهد. انریکه توانسته است دمبله را به فرم ایده‌آل خود برگرداند و در مجموع تیمی منسجم‌تر و قدرتمندتر ساخته است. پی‌اس‌جی در سال ۲۰۲۵ تحت هدایت انریکه عملکرد فوق‌العاده‌ای داشته و از ۱۲ بازی، ۱۱ پیروزی و یک تساوی کسب کرده است. این نتایج نشان‌دهنده پیشرفت قابل توجهی در تیم است و به آن‌ها اجازه می‌دهد تا با اعتماد به نفس بیشتری به سمت لیگ قهرمانان اروپا پیش بروند. اگر پاریس دیشب از مرحله پلی‌آف عبور کرده باشد، که با توجه به برتری سه گله بازی رفت برابر برست امری تقریبا قطعی است، تنها هفت بازی دیگر برای رسیدن به تاریخ‌سازی باقی خواهد ماند. هواداران پی‌اس‌جی کاملا امیدوارند که این فصل، فصل شکستن طلسم ناکامی‌ها باشد و انریکه بتواند آنها را به قهرمانی در لیگ قهرمانان برساند.

جزئیات توافق سنگین پرسپولیس با ژوائو

باشگاه پرسپولیس در چند روز آینده باید آخرین قسط مطالبات لوکاس ژوائو را به حســـاب او واریز کند؛ توافقی که هزینه‌ای سنگین روی دست سرخپوشان گذاشته اســـت. پرسپولیسی‌ها که برای جذب مهاجم جدید چاره‌ای جز توافق با ژوائو نداشتند، چند جلسه با او برگزار کردند تا با رقمی مناسب قرارداد این بازیکن فسخ شـــود، اما ژوائو راضی به این کار نشد و در نهایت در آخرین لحظات نقل‌وانتقالات بخـــش زیادی از رقم قرارداد فصل جاری خود را از پرســـپولیس گرفت و قراردادش را فسخ کرد. ژوائو تا نیم‌فصل، سه قســـط ۱۶۰ هزار دلاری از قرارداد و در زمان توافق برای فســـخ قرارداد نیز مبلغ ۱۰۰ هزار دلار به صورت نقد دریافت کرده تا در مجموع دریافتی‌های او به ۵۸۰ هزار دلار برسد، اما این همه ماجرا نیست. طبق توافق صورت گرفته باشگاه پرسپولیس باید تا پایان اسفندماه، مبلغ ۱۶۰ هزار دلار دیگر به ژوائو پرداخت کند تا دریافتی‌های این بازیکن به ۷۴۰ هزار دلار برسد. به این ترتیب ژوائو برای فسخ قرارداد با پرسپولیس، ۷۴۰ هزار دلار از قرارداد ۸۰۰ هزار دلاری خود را دریافت کرده اســـت. مبلغی سنگین که باشگاه پرسپولیس برای حضور ۱۴۴ روزه این بازیکن در پرسپولیس پرداخت کرده است. پرسپولیس با حکم دادگاه CAS باید تا چند روز آینده مبلغ ۲۳۸ هزار دلار نیز به لئاندرو پریرا پرداخت کند.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
اداره کل ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کبودرآهنگ
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۲۶۰۰۲۰۰۳۹۴۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کبودرآهنگ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی محمد رضا عسگری فرزند عباس به ش ش ۰ صادره ازکبودرآهنگ در یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۱۱۵/۰۵ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۹ اصلی بخش ۴ واقع در روستای کوریجان خریداری از مالک رسمی قربانعلی عسگری محرز گردیده است لذا به منظوراطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدهی است در صورت انقضای مدت مذکوروعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف۹۵۴

رئیس ثبت اسناد و املاک کبودرآهنگ – داود غفرانی دلاور
تاریخ انتشار اول :۱۴۰۳/۱۱/۱۷ تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۳/۱۲/۰۲

ابراهیم افشار

چرا رنگ تختی در ایستگاه قطار صوفیه، لبو شد؟

۱ هروقت صحبت قطار می‌شود یاد اکبر افتخاری می‌افتم. ستاره دهه‌چهلی فوتبال ایران که در سفر سال ۱۳۴۵ تیم ملی به شوروی، وقتی بچه‌ها داشتند طبق‌معمول در کوپه خود ورق‌بازی می‌کردند او هم داشته سیگار فس‌دود می‌کرده و بازی بچه‌ها را نگاه می‌کرده و کل کل و قشقرق و اینها که ناگهان می‌بیند مستر سوچ مربی وقت تیم ملی، در حال سرکشی به کوپه‌های بازیکنان است. طفلک دستپاچه شده و از روی شیطنت، سیگار روشن وینستون سه‌خط‌ش را می‌گذارد روی لب طفلی ناظم گنجاپور که خواب بود. آنها هر دو بچه بندرامام بودند و در یک کوپه جا داشتند. اکبر خودش را به خواب می‌زند و خروپفش بلند می‌شود. سوچ که به کوپه آنها می‌رسد، می‌بیند از فرط دود، چشم چشم را نمی‌بیند. می‌بیند که ناظم خوابِ خواب است اما از سیگاری که به لبش چسبیده، دود می‌آید بیرون عین اگزوز تراکتور. برمی‌گردد می‌گوید «من هیچ جای دنیا ندیده بودم انسان مرده یا آدم خوابیده، سیگار بکشد، آنوقت عین لوله توپ جنگی هم ازش دود بیرون بزند.» اکبر هروقت این خاطره را می‌گفت غش‌غش می‌خندید. سوچ بینوا هم نه از ورق‌بازی بچه‌ها که از سیگار کشیدن ناظم در خواب غفلت شاخ درآورده بود. شازده‌های تیم ملی آن روز تا خود روسیه خندیدند. گئورگی سوچ ستاره تیم ملی مجارستان در دهه سی میلادی که حتی تجربه حضور در فینال جام‌جهانی ۱۹۳۸ را داشت در اسفند ۱۳۴۴ برای مربیگری تیم ملی به ایران آمد اما بُز آورد و جمعا در ۷ بازی روی نیمکت تیم ملی نشست و با ۴ برد و سه باخت، کارنامه خود را بست (با همین نتیجه شخمی البته مدال نقره بازی‌های آسیایی ۱۹۶۶ را هم به همراه تیم ملی کسب کرد). او در سال ۱۳۴۶ به بوداپست زیبایش بازگشت و همان جا هم درگذشت. مرد بینوا مدل بازیکن‌سالاری ایرانی را تجربه نکرده بود و حتی در یکی از بازی‌ها، بازیکنان تیم ملی در رختکنی را بستند و او را تو راه ندادند. نمی‌دانم می‌خواستند راحت سیگار بکشند یا حالی‌اش کنند که هیچکاره است.

۲ هروقت صحبت قطار می‌شود یاد غلامرضا تختی می‌افتم. یاد تنها داستان عاشقانه‌اش در ایستگاه قطار صوفیه. کاش من هم آنجا بودم و می‌دیدم که غلامرضا به آن دختر بلغاری صورت‌مهتابی، چه گفت. طفلک کیومرث‌خان ابوالملوکی -مربی وقت تیم ملی کشتی ایران- دختره را به تختی معرفی کرده و گفته بود «این چند روز دخترک را زیرنظر داشتم و دیدم که دائم می‌آید روی سکوهای سالن کشتی می‌نشیند و در بحر تو غرق می‌شود غلامرضا.» کاش در ایستگاه قطار بلغارستان بودم و از تختی می‌پرسیدم بین شما دوتا چه گذشت در آن ایستگاه قدیمی که وقتی برگشتی صورتت عین شاه‌توت، کبود شد؟ تنها این تصویر لرزان از تختی و دخترک بلغاری در ایستگاه صوفیه در یاد همسفرانش ماند که آن دو چند لحظه‌ای هم‌صحبت شدند و غلام با احوالی دگرگون پیش بچه‌ها برگشت و دیگر تا آخر مقصد خوابید. تیم ملی کشتی در آن سفر برای شرکت در مسابقات چندجانبه شهر به شهر، به مصاف بلغارستانی رفته بود که آن روزها برای خودش در دنیا صاحب‌سبک و مقام بود. از همان اولین مسابقه که تیم به تیم در شهرهای مهم بلغار مسابقه می‌دادند چشم کیومرث‌خان به دخترک غمگینی برخورده بود که از اول مسابقه می‌آمد می‌نشست روی سکو و فقط زل می‌زد به غلامرضا تختی. حتی در آخرین مسابقه نیز- در صوفیه- دخترک غمگین را روی سکوها دیده بود که چشم از غلامرضا برنمی‌دارد. آن روزها بلغارستان یک کشور کمونیستی بود و سفر اهالی یک شهر به شهرهای دیگر آن کشور، تابع مقرراتی سخت بود که به سادگی از هر کسی برنمی‌آمد. اما با همه این مصیبت‌ها تیم ایران در هر شهری که پا گذاشته بود آقای ابوالملوکی دخترک غمگین را روی سکو دیده بود که حیران در غلامرضای کشتی ایران است. با اینکه مراقبین و ماموران امنیتی بلغارستان، دور و اطراف تیم کشتی ایران را زیرنظر داشتند اما آنها به هر شهری که برای مسابقه پا گذاشتند دخترک غمگین را روی سکوها دیدند که ساکت و خاموش و در بهتی غریب، غلامرضای خسته‌جان را نگاه می‌کند و پلک نمی‌زند. بالاخره روز آخر سفر همه دیده بودند که باز آن دخترک مغموم در ایستگاه قطار صوفیه، سر بر روی شانه گذاشته و دارد تختی را نگاه می‌کند. انگار که برای آخرین وداع با عزیزش آمده است. در آخرین لحظه‌ها که همه سوار واگن‌ها می‌شدند تا صوفیه را به سمت استانبول ترک کنند یک لحظه آقای ابوالملوکی، تختی را صدا زده و تو گوشش پچ‌پچ کرده بود که «برو برای الوداع!» غلامرضا گفته بود «الوداع با کی آقا؟» مربی گفته بود «آن دخترک را می‌بینی که پشت ایستگاه ایستاده است؟ او در تمام این چند روزی که ما در بلغارستان، شهر به شهر می‌رفتیم و مسابقه می‌دادیم یک لحظه چشم از تو برنداشت. از روز اول پا به پایت آمده است. در همه سالن‌ها نشسته و با حسرت تمام کشتی‌های تو را نظاره کرده است.» غلامرضا که همیشه حرف زدن از زن‌ها صورتش را لبو می‌کرد و دست و پایش به لرزه می‌افتاد با تعجب در چشم‌های صمیمی‌ترین مربی زندگی‌اش زل زده بود که خوب، من چه کار کنم آقا؟ کیومرث‌خان گفته بود «اقلا این دم آخری برو و یک احوالپرسی خشکی ازش بکن و برگرد.» غلام با قدم‌های آهسته و شرم شرقی غریبش به دیدن دخترک پریشان‌خاطر رفته بود و بچه‌ها دیده بودند که چند کلامی بین‌شان رد و بدل شد در سکوت و خلاص. دیده بودند که در تمام این دقایق چشم‌های غلامرضا به زمین دوخته شده و حتی شرم می‌کند صورتش را بالا بیاورد. آخرش هم غلامرضا با همان خجالت ذاتی برگشته بود به نزد هم‌تیمی‌هایش و کسی جرات نکرده بود بپرسد که داستان چیست داش‌غلام؟ چرا دست و پایت به لرزه افتاد؟ غلام رفته بود تو واگن نشسته بود و چشم‌هایش را بسته بود. ساعت‌ها با کسی حرف نزده و هرگز به صرافت این نیفتاده بود در گوش کسی بگوید که آن دخترک شرمروی بلغاری چرا این همه روز سنجاق گردنش شده و تا ایستگاه قطار آمده بود. تا خود استانبول و بسفرش فقط چشم‌هایش را بسته بود. چشم‌هایش را فقط بسته بود.

۳ هروقت صحبت قطار می‌شود یاد شاه‌رجب می‌افتم. رجب فرامرزی، یکی از بزرگترین استعدادیاب‌های بزرگ تاریخ فوتبال ایران در دهه‌های چهل و پنجاه که صدها بازیکن تحویل تیم ملی داد. با یک عینک ته‌استکانی و عزمی جزم، هرسال اول فصل پا می‌شد با قطار می‌رفت جنوب و خوزستان را که مثل کف دستش می‌شناخت می‌گشت تا لعل و جواهر پیدا کند و برگردد. آنجا در زمین‌های خاکی محله به محله می‌گشت و نهنگان کم سن و سال خوزستان را صید می‌کرد و برمی‌گشت. نمی‌دانم بعدها که از ایران رفت دلش آیا در مغازه خشکشویی‌اش در هامبورگ آلمان، چقدر برای مسجدسلیمون تنگ شد. مردی که عمرش در کوپه‌های فکستنی قطارهای تهران-آبادان طی شد. روزها و شب‌ها در قطار می‌نشست و موهایش را در ایستگاه‌های بین‌راهی سفید می‌کرد. دیگر سوزنبان‌ها هم می‌شناختندش. مردی که با همان بچه‌های پاپتی که از خرابه‌های خوزستان پیدا می‌کرد و اصول فوتبال بدوی را یادشان می‌داد، تیمی ساخته بود که گربه سیاه بزرگان ایران شده بود. نه تنها یقه پرسپولیس و تاج را می‌گرفت و کُت‌شان را بر سرشان می‌کشید بلکه به هیچ ابرقدرتی هم باج نمی‌داد. تیم بانک‌ملی او یک تیم سراسر جنگجو بود و بیشتر بچه‌های عمورجب از جنوب می‌آمدند. او اساسا خود نیز یک انسان تمام جنوبی بود. فرقی نمی‌کرد خاستگاه آنها از جنوب کشور باشد یا جنوب تهران. جنوب، جنوب است دیگر و بانک‌ملی برای جنوبی‌ها خانه پدری بود تا گردنفرازی کنند و از پای ننشینند. شاه‌رجب با هزار خون دل بچه‌های جنوبی را در بانک تبدیل به ستاره می‌کرد و در پایان هر فصل، نهنگ‌هایش به دست تیم‌های بزرگ پایتخت صید می‌شدند و او دوباره راهی جنوب می‌شد. مردی که عمرش روی ریل‌های غبارگرفته تهران-آبادان گذشت و سه سال پیش، به دور از عطر و بوی قطارهای فکستنی ایرانی، در ۸۶ سالگی در غُربتستان ژرمن‌ها جان داد.

۴ هروقت صحبت قطار می‌شود یاد قطار هل دادن بازیکنان ایرانی در دهه سی می‌افتم. آن روزها که پاکستانی‌ها کُشتیار ایرانی‌ها شدند تا چند تیم را برای برگزاری بازی‌های دوستانه تورنمنت داخلی پاکستان به کراچی و لاهور و اسلام‌آباد بفرستیم و دو تیم ایرانی دارایی قدرتمند دهه سی و تیم شرق که از اقمار شاهین بود عازم مرزها شدند. بچه‌های شرق و دارایی از شادی در پوست خود نمی‌گنجیدند و به عالم و آدم، پُز می‌دادند که به سفر خارجی می‌روند. بدبخت‌ها با یک ماشین ارتشی فکستنی، ابتدا خود را به «میرجاوه» رساندند و آنجا تخت نشستند تا با قطارهایی که هر هفته یکبار از آنجا می‌گذشت عازم پاکستان شوند. لشکر پاپتی‌های فوتبال ایران وقتی به میرجاوه رسید خبردار شد که «قطار، تازه رفته است. بنشینید تا بعدی بیاید.» یک هفته بعد قطار آرزوها رسید و بچه‌ها که نمی‌دانستند از فرط شادی چگونه هلهله کنند وارد کوپه‌های «تارعنکبوت بسته» شدند اما از بخت بدشان قطار وسط راه ایستاد و هرچه شلاقش زدند راه نرفت! حالا همه دلناگران ایستاده بودند و یک عده داد می‌زدند «ریل‌ها خراب است باید برگردید»، «قطار اسقاطی باید تعمیر شود.» آخرش ستاره‌های دو تیم ایرانی را وادار کردند تا قطار را هل بدهند. آنهم چقدر؟ هفت،هشت کیلومتر هل دادند و قطار راه افتاد و هل‌هلکی رسیدند پاکستان. هنوز گرد و غبار سفر از رخ نشسته بودند که سرپرست تیم شرق دوید آمد: «چه نشسته‌اید که ظهر بازی دارید.» بچه‌ها خسته و هلاک و از گرد راه رسیده و آن همه قطار هل داده، حالا تازه باید در زل گرما هم ۹۰ دقیقه می‌دویدند. اواسط آن بازی، پاکستان یک گل زد و بازی را بست. بدبخت بازیکنان ایرانی بس که دویده بودند زبان‌شان از دهان‌شان افتاده بود بیرون و به هم می‌گفتند؛ «بخت و اقبال ما را نگاه کن! ده روز طاقت‌فرسا توی راه بودیم. ساعت‌ها قطار هل دادیم. حالا هم اگر ببازیم باید شب برگردیم ایران. سوغاتی هم که نخریدیم.» توی همین حیص و بیص که بازی داشت تمام می‌شد ناگهان به فکر جعفر نامدار بازیکن ایرانی چیزی خطور کرد. در اوج شلوغی جلوی دروازه حریف و در حالی که به عنوان یک مدافع، خود را تا محوطه جریمه آنها رسانده بود ناگهان توپ را برداشت و فریاد زد: «پنالتی! پنالتی!» داور پاکستانی چند ثانیه عین بز اخفش به او نگاه کرد و مردد شد. جعفرآقا چنان خونسرد توپ را زده بود زیربغل که داور باور نمی‌کرد یک آدم اینقدر راحت دروغ بگوید یا تقلب کند. آخرش هم اعتماد به نفس وحشتناک بازیکن ایرانی کار دست داور داد و داد زد «بله بله پنالتی پنالتی!» فقط چند ثانیه تا آخر بازی مانده بود. برومند پنالتی را گل کرد و دو تیم امتیازها را بین خود تقسیم کردند. هنوز قانون و مقرراتی اختراع نشده بود که اگر دوتیم در طول نود دقیقه به نتیجه مساوی رسیدند تکلیف چیست؟ داور پاکستانی سوت آخر را کشید و رای به تکرار بازی داد. حالا تازه روح بازیکنان شرق آرام گرفته بود و به درگاه خداوند عالم دعا و نیایش کرده و تمدید اقامت خود در کشور خارجی را مدیون جعفر می‌دانستند. داستان چنین تمام شد که آنها فردایش به خرید رفتند و بازی تکراری را هم البته باختند و راه بازگشت به وطن را در پیش گرفتند. این تنها تیم دنیا بود که بازیکنانش هفت،هشت کیلومتر قطار هل داده اما اسم‌شان در رکورددارن گینس نیامده است!

نادر نامدار

از فرامرز ظلی رسیدیم به بیرو!

همین که فهمیدم باید درباره قطار بنویسم، به یاد مصاحبه چند هفته پیش علیرضا بیرانوند افتادم. او بعد از انتقاداتی که از نمایش‌های تیم ملی مقابل کره‌شمالی و قرقیزستان مطرح شده بود در مصاحبه‌ای مدعی شد که بازیکنان تیم ملی سفر ۹ ساعته با هواپیما را تا لائوس تحمل کرده‌اند! البته می‌دانم جمله‌ام شبیه به بعضی از جملات جواد خیابانی شد اما اگر خودتان کمی دقت کنید، متوجه منظورم می‌شوید! همان زمان خود خیابانی هم جواب بیرانوند را داد و گفت: «بازیکنان تیم ملی می‌گویند سختی راه را تحمل و با هواپیما رفتیم لائوس بازی کردیم، مگر هواپیما سختی راه دارد؟ مگر با گاری رفتید که منتش را سرِ ما می‌گذارید؟ نشستید روی صندلی فرست‌کلاس و با پرواز چارتر رفتید و دو گل از کره شمالی و ۲ گل از قرقیزستان خوردید و پُزش را می‌دهید؟»

بعد از مرور این ماجرا هم یاد مصاحبه‌ای از فرامرز ظلی افتادم. او در آن مصاحبه از سفر ۴۱ روزه تیم ملی به شوروی، رومانی و مجارستان حرف زده بود. سفری که از ابتدا تا به انتها با قطار انجام شده بود! آن هم قطارهایی که در آن دوران امکانات امروز را نداشتند و البته متعلق به کشورهایی کمونیستی هم بودند! حتی تصورش هم سخت است اما آن بازیکنان بدون قراردادهای نجومی با باشگاه‌هایشان، بدون پاداش برای بردن امثال قرقیزستان و کره‌شمالی و ... رنج این سفر را تحمل کردند و اعتراضی هم نکردند اما جناب بیرانوند از این‌که مجبور شده ۷ ساعت در پرواز چارتر و روی صندلی فرست‌کلاس بنشیند و تا لائوس برود و حریف را ببرد و پاداش روی پاداش بگذارد، ناراحت شده بود و منتش را هم بر سر مردم می‌گذاشت! آدم زبانش از این همه پرتوقعی بند می‌آید.

می‌دانید از چه چیزی بیشتر می‌سوزم؟ از اینکه همین حالا هم گاهی بهترین و بزرگ‌ترین و پولدارترین باشگاه‌ها هم گاهی برای سفرهای‌شان از قطار استفاده می‌کنند و ستاره‌هایشان هم اعتراضی ندارند. چند سال پیش، بازیکنان منچسترسیتی برای سفر به لندن و بازی با چلسی، مثل مردم عادی به ایستگاه راه‌آهن رفتند و در صف ایستادند و منتظر شدند تا قطار برسد! هیچ مشکلی هم نداشتند و منتی هم بر سر هواداران نگذاشتند. در همین یورو ۲۰۲۴ هم بازیکنان بلژیک به دلیل شرایط جوی نامناسب، برای بازی با رومانی با قطار به فرانکفورت رفتند و دم نزدند. تازه در تمام طول سفر خبری از اینترنت هم نبود اما هیچ اعتراضی شنیده نشد. حدود دو سال پیش هم کاروان بارسلونا، برای صرفه‌جویی در هزینه‌ها، به جای هواپیما با قطار به مادرید رفت تا با ختافه بازی کند. این اتفاق در آن فصل برای بارسایی‌ها چند بار دیگر هم تکرار شد و تصاویر این سفرها و خنده‌ها و خوشی‌های بازیکنان، در فضای مجازی سروصدای زیادی به پا کرد. فکرش را بکنید اگر بیرانوند در هر کدام از سفرها بود، چه غوغایی به پا می‌شد و چه اعتراض‌هایی می‌کرد و به خاطر تحمل رنج سفر با قطار، چه پاداش‌هایی از فدراسیون طلب می‌کرد! البته اصل ماجرا هنوز مانده! نمی‌دانیم بیرانوند طاقت خواندن این یکی را دارد یا نه اما چند سال پیش‌تر، فوران آتشفشانی در ایسلند که پروازهای خطوط هوایی اروپایی را مختل کرده بود، باعث شد که بازیکنان بارسلونا برای رفتن به میلان برای دیدار با اینتر در چمپینزلیگ از اتوبوس استفاده کنند!

اگر این مثال‌ها به خاطر اضطراری و اجباری بودن، مورد قبول استاد واقع نمی‌شود، توجه ایشان را به اتفاقی که از فصل گذشته در فوتبال باشگاهی فرانسه رخ داده، جلب می‌کنیم. سال گذشته فدراسیون فوتبال فرانسه اعلام کرد که از این پس کیلیان امباپه و تیم‌های فوتبال این کشور برای همه مسابقاتی که در فاصله کمتر از سه ساعت قرار دارند با قطار سفر می‌کنند. این تصمیم برای کاهش انتشار کربن در دستور کار فدراسیون قرار گرفته بود. مدتی بعد چند باشگاه انگلیسی هم همین تصمیم را گرفتند و اجرا کردند! آنها خبر ندارند اما احتمالا همه‌شان شانس استخدام بیرانوند را از دست داده‌اند چراکه استاد حتی در پرواز چارتر هم اذیت می‌شود چه برسد به این که بخواهد هفته‌ای یکی دو بار با قطار از این شهر به آن شهر برود! البته اگر پاداشی چیزی در کار باشد، شاید استاد راضی شود به این پیشنهادها فکر کند.

مهدی افخمی

فکر می‌کردم قطار گرم است

من به علت درس خواندن در تهران ۱۵ سال مسافر قطار- تهران مشهد بودم و ذهنم پر است از خاطره قطارهای درجه ۳ و درجه ۲ و ۵ ستاره با قیمت‌های بسیار پایین‌تر از الان. خاطرم است یک‌سری قطارها بود که بلیتش ۵ هزار تومن و صندلی‌هایش معمولی بود که در تابستان در آن از شدت گرما می‌سوختی و زمستان‌ها هم چون مسافر نبود، رئیس قطار همه آدم‌ها را در یک واگن جمع می‌کرد تا گرم شویم. خانواده‌ها صندلی چهارتایی روبه‌روی هم را با چادری از کل قطار جدا می‌کردند. یک بار در دمای احساسی ۱۰ درجه زیر صفر مشهد چهارساعت در قطار زندانی‌مان کردند. نه قطار حرکت می‌کرد و نه اجازه می‌دادند پیاده شویم. ۸۰۰ نفر گروگان راه‌آهن بودیم. بعد از چهارساعت که قطار نقص فنی‌اش برطرف شد و بخاری‌اش کار کرد، راه افتاد. حتی اجازه ندادند داخل سالن انتظار ایستگاه بنشینیم. من هم اصلا لباسی نپوشیده بودم چون فکر می‌کردم قطار گرم است. سال ۸۶ وقتی کارت پایان خدمتم را گرفتم آن را توی جیب پیراهن سفیدم گذاشتم و وقتی از در پادگان اسکله باهنر بیرون آمدم حتی پشت سرم را نگاه نکردم. دژبان جلوی من را گرفت و گفت آماده باش است و هیچ کس حق خروج ندارد. کارت را که نشان دادم رفت کنار. یک بلیت قطار تازه راه افتاده مشهد گرفتم به قیمت ۳۵ هزار تومن آن زمان حقوق ماهیانه سربازیم ۵ تومن بود. شب در راه همه‌اش خواب می‌دیدم که چهار دژبان هر کدام یکی از دست و پاهایم را گرفته‌اند و به پادگان می‌برند. این کابوس که اولین بار در قطار دیدم تا یک‌سال هر شب مهمان شب‌های من بود. یک نوع قطارهایی هم بود که کوپه بود اما داخل کوپه صندلی‌های چرمی بود که باید می‌کشیدی جلو و تبدیل به تخت می‌شد. شش مرد پر پشم با انبوه بوی جوراب و عرق، طوری خیاری کنار یکدیگر می‌خوابیدیم که هیچ‌کس متعرض فضای خصوصی و حرم شخصی کسی دیگر نشود با اینکه پای روبه‌رویی در صورت اینوری بود و برای رفتن به دستشویی مکافات داشتی. قطارهای ایرانی پر است از سر و صدای چرخ‌های قطار. حالا که می‌نشینم پای یوتیوب و سفرهای سلو سلو تراول را می‌بینم تازه می‌فهمم قطار چه مفهوم متفاوتی دارد یا قطارهای شرکت امترک آمریکایی که غرب آمریکا را به شرق تبدیل می‌کند و هر کوپه یک واحد آپارتمان است که حمام دارد و نشیمن از خوابش جداست یا قطار مسیر که از ایتالیا به کوه‌های آلپ می‌رود و شیب ۷ درجه شبیه آب خوردن بالا می‌رود و سقف قطار پانوراما است تا مسافران از منظره‌ها لذت ببرند اما در قطارهای ایرانی، داستان آدم‌هایش شنیدنی بود و البته عشق‌هایی که پیش می‌آمد مثلا آن دختری که ساعت دو و نیم در رستوران منتظر نشسته بود و من هم نشسته بودم و به بیابان‌های طول راه خیره شده بودم و نتوانستم سر صحبت را باهاش باز کنم یا از آن دختری که با خانواده‌اش آمده تهران و همکوپه من شده بود و تا دم تاکسی بارهایشان را بردم چرا شماره‌ای نگرفتم... یک دوره‌ای هم بود که سوژه‌هایم را توی قطار پیدا می‌کردم زمانی که برای همشهری جوان می‌نوشتم. می‌نشستم پای داستان زندگی آدم‌ها که ببینم از آن سوژه‌ای برای من درمی‌آید یا نه! دلم می‌خواست شلدون کوپر باشم و عاشق قطارها! از قطارهای ایرانی اما متنفرم و تنها به خاطر دستشویی آنهاست که سوارشان می‌شوم. قطارهای خارجی را هنوز سوار نشدم. دلم سواری قطارهای ژاپنی و آمریکایی را می‌خواهد. در ایران قطار هیچ وقت فرهنگ نشد چون همیشه قطار کم است! و بلیت پیش فروش می‌شود و در عرض چند دقیقه صندلی‌ها پر می‌شود و من می‌مانم و ماشینم که باید ۱۲ ساعت بی‌محابا تا مشهد رانندگی کنم و البته بیابان‌ها برای قضای حاجت فراخ و بی‌منتهاست!

احد بابایی منیر

هوهوچی‌چی!

۱ دیرهنگام بود، شب بانیمه خود یکی دو ساعت فاصله داشت، ماه آبان سال یک‌هزار و سیصد و چهل!
گرمای کرسی لذتبخش بود و خواب‌آور، در آن شب سرد دل کندن از آن رخوت نشئه کننده کار هرکسی نبود از زیر لحاف سنگین کرسی بیرون آمدن و در دل شب راهی شدن «دل شیر» می‌خواست: شجاعتی از جنس دیوانگی!
مهمانت تازه یادش افتاده بود که باید راهی تهران شود برای خرید و فروش.
اصرارهای تو برای «شب را ماندن و فردا در روشنی صبح راهی تهران شدن» مهمانت را قانع نمی‌کرد و کوبیدن آب در هاون بود! پا به پای مهمانت برخاستی. مگر می‌شد در آن ساعات شب او را تک و تنها رها می‌کردی؟! کت‌ات را پوشیدی و فانوس روشن را به دست گرفتی، تفنگ شکاری‌ات بردوش: سرما بود و زوزه باد سرد، شبی تاریک و ظلمانی، جان می‌داد برای «ضیافت گرگ‌ها!»

۲ روزنامه اطلاعات به شماره ۱۰۶۴۹ سه‌شنبه شانزدهم آبان ۱۳۴۰ تیتر زده بود:
یک واقعه حیرت آور در راه‌آهن تبریز، فداکاری یک دهقان جان صدها مسافر را نجات داد!
در دره «قرنفو» کوه در روی خط آهن ریزش کرد و دهقانی پیراهن خود را آتش زد و راننده را از خطر آگاه ساخت و...
روزنامه اطلاعات از کتک‌هایی که خورده بودی و ناسزاهایی که نثارت کرده بودند، از جسم کوفته و تن آش و لاش شده‌ات چیزی ننوشته بود.
روزنامه‌ها تیغ و خار را نمی‌بینند، دوست ندارند که ببینند، همیشه از شمع و گل و پروانه نوشته‌اند!
روزنامه از بوسه‌های فراوان مسافران قطار بر سر و صورت «قهرمان شب ظلمانی» نوشته بود از «ریز علی خواجوی!»

۳ مهمانت را وداع گفتی، او در دل شب و در اعماق سیاهی‌ها، از دیدگانت پنهان شد، در خلاف جهت‌اش، به راه افتادی حتی فقط اندیشیدن به گرمای کرسی تن سرمازده‌ات را گرم می‌کرد. فانوس را هر از چندی از این دست به آن دست می‌دادی و ترانه «آپاردی سیل‌لر سارانی» را زیر لب زمزمه می‌کردی تا ...تا این که سرمای چندش آوری تن‌ات را به لرزه انداخت با نگاهی مات، خیره شده بودی به سنگ‌های بزرگی که روی ریل قطار تلنبار شده بودند. چیزی شبیه آه از سینه‌ات بیرون زد و در دل تاریکی گم شد، ترس در نگاهت بود، وحشت در اعماق وجودت: اگر قطار به این سنگ‌ها برخورد کند؟!
صدای سوت قطار تو را به خود آورد، کت و پیراهن را از تن کندی، دور چوب‌دستی‌ات پیچاندی و با شعله فانوس برافروختی: مشعلی در دست در روی ریل راه‌آهن به سمت قطاری که می‌آمد شروع به دویدن کردی اما تو، «ریزعلی خواجوی» نبودی!
نام تو «آزبرعلی حاجوی» بود، قهرمانان گمنام را زیاد شنیده بودیم ولی قهرمان واقعی با نام مستعار الحق و الانصاف تحفه‌ای بود، تحفه‌ای هست!

۴ لوکوموتیوران دسته ترمز را کشیده بود: تو را دیده بود پنداشته بود با خود شاید که دیوانه زنجیری! در این شب سرد با تنی نیمه عریان و با مشعلی در دست در روی ریل قطار چه غلطی می‌کند؟!
قطار که ایستاده بود، راننده و رئیس قطار و مسافران ریخته بودند سرت! زیر مشت و لگدها داد می‌زدی و از ریزش کوه می‌گفتی اما، ناسزاها مگر به شنیدن صدای تو امان می‌داد؟!

۵ آبان سال ۱۳۹۶ بود که در اتاقی در بیمارستان امام رضای تبریز دراز کشیدی، خوابت می‌آمد و خسته بودی، سینه‌ات به آرامی بالا و پایین می‌رفت و خس‌خس آن به ناله بیشتر می‌مانست تا نفس کشیدن!
از آبان ۱۳۴۰ تا آبان ۱۳۹۶، انگار در چشم به‌هم زدنی گذشته بود. قطار زندگی می‌آمد تا از روی تو بگذرد، «له‌شدن» تنها بر پیشانی تو نوشته نبود ازبرعلی جان! سرنوشت محتوم آدمی همین است: گزیر و گریزی نیست از «له‌شدن» تنها شاید داستانی از گذشته‌هایش به جا بماند، مانند داستان تو شاید هم فراموشی کامل آخر قصه آدمی باشد مانند بسیار رفتگان فراموش شده گمشده در غبار گذشت روزگار!

۶ مانند همه هشت، نه ساله‌های دهه چهل، من نیز با کتاب فارسی سال سوم آن روزها داستان مردی با مشعلی در دست درشبی سیاه و سرد را خواندم.
آن سال‌ها چند نفر پشت سر هم به خط می‌شدیم پشت پیراهن یا کت همدیگر را می‌گرفتیم و «قطار» می‌شدیم! نفر اول می‌گفت: «هو هو» و ما داد می‌زدیم: «چی چی!»
و قطار از روزهای روشن می‌گذشت، ساده‌دلی و مهربانی را رد می‌کرد، آفتاب و آسمان آبی از ما می‌گریخت. لبخندهای بی‌غل‌وغش از ما می‌گریخت، شادی‌های از ته دل، از ما می‌گریخت، ما بزرگ می‌شدیم و بزرگتر...
هوهوچی‌چی! و در دل تونل‌های ظلمانی بی‌پایان فرو می‌رفتیم: سیاهی، پشت سیاهی ... در بسته پس از در بسته، هق‌هق‌های بی‌وقفه و لرزه‌های شانه‌های بی‌پناه از پنجره «قطار زندگی» منظره‌ای نبود که به دیدنش بی‌ارزد.
گریه‌ام می‌آید ازبرعلی جان ... هوهوچی‌چی!

*** آپاردی سیل‌لر سارانی**
سیل‌ها، سارا را بردند
بخشی از یک ترانه قدیمی آذری

حمید رستمی

هفت‌تیرهای چوبی و قطار نیشابور

۱ قطاری که تو را آورد مرا با خود برد، شاید من قطار را زیاد نشناسم ولی «ازبرعلی حاجوی» و امثال این مرد شریف را خوب می‌شناختم که با داسی در دست و کوزه‌ای آب و پارچه به هم پیچیده از آذوقه بر دوش، صبح خروس‌خوان به صحرا می‌رفتند و ساقه‌های خشک گندم را مشت کرده و با داس درو می‌کردند و با دستان پینه‌بسته و ترک خورده، زیر سایه خروارهای روی هم چیده، ساعتی دراز می‌کشیدند و با آب خنک کوزه از خود پذیرایی می‌کردند و شباهنگام با کوله‌باری از خستگی، باروبندیل بسته و به سمت خانه روانه می‌شدند. دهقانان فداکاری که چنان آگاهی محیطی داشتند که با دیدن کوچک‌ترین تغییراتی در کوه و دره، حتی می‌توانستند وضعیت آب و هوایی چند روز آینده را هم حدس بزنند، چه برسد به اینکه ریزش کوه روی ریل‌های قطار را ببینند و خود را به ندیدن بزنند و گوشه عافیت اختیار کرده و به این فکر کنند که دقایقی بعد خسته و کوفته به خانه می‌رسند و عیال با روی باز به استقبال می‌آید و تشتی آب آورده و پوزار از پایشان برگرفته و پاهای خسته و کرخت شده را داخل تشت می‌گذارد و با هر مشت آبی که به پای تفتیده می‌ریزد، هزار تا «فدایت شوم و خسته نباشی مرد من!» نثارشان می‌کند. حالا تو بگو این مرد می‌تواند سرنوشت و مرگ و زندگی صدها نفر مسافر بی‌خبر را با خواب و استراحت شبانه خود، تاخت بزند؟ حتما که نمی‌تواند و چاره کار را در آتش زدن لباس و دویدن به سمت قطار در حال نزدیک شدن و خبردار کردنشان از خطر قریب‌الوقوع می‌بیند. روزنامه‌های آن زمان نوشتند که «در دره قرنقوکوه میانه، دهقانی پیراهن خود را آتش زد و راننده را از خطر آگاه کرد!» هر چند که روایت‌های متفاوتی از قضیه در طی این سال‌ها رسانه‌ای شده و حتی «ازبرعلی» در یک مصاحبه گفته که پس از توقف قطار مردم ناراضی از قطار پیاده شده و او را کتک زدند تا اینکه بعد از مدتی متوجه خطری که در انتظارشان بود، شدند و از او تشکر و عذرخواهی کردند.

۲ فیلم هفت‌تیرهای چوبی ساخته شاپور قریب، داستان تعدادی کودک بازیگوش است که در روزهای نخست ورود تلویزیون به جامعه ایران در نزدیکی یک ایستگاه قطار زندگی می‌کنند و تحت‌تاثیر فیلم‌های حادثه‌ای که هر شب از تلویزیون خانه سوزنبان می‌بینند، هوس ماجراجویی به سرشان می‌زند و سوئیچ واگن مخصوص سوزنبانان را دزدیده و آن را به راه انداخته و در مسیر راه‌آهن پیش می‌روند. بدون هراس از آنکه هر لحظه امکان دارد قطاری از روبه‌رو آمده و شاخ‌به‌شاخ شوند و همه جانشان را از دست بدهند. سوزنبان بیچاره بعد از فهمیدن ماجرا با ماشین لکنته‌ای دنبالشان می‌افتد و از راه‌ها و بیراهه‌ها می‌گذرد تا اینکه بتواند دستکم در ایستگاه بعدی آنها را متوقف کند. تعقیب‌وگریزهای بچه‌ها با سوزنبان ادامه پیدا می‌کند و بالاخره با گذاشتن مانعی در مسیر واگن آنها را متوقف کرده و از به بار آمدن خسارات بیشتر جلوگیری می‌کنند اما کودکان پرماجرا هر کدام با سر و کله زخمی و دست و پای شکسته در بیمارستان بستری شده‌اند.

۳ اما هر چقدر این قصه فانتزی پایان خوش داشت، قطار نیشابور یک فاجعه محض بود که شاید کمتر در دنیا بتوان مشابهی برایش جست. ۵۱ واگن حامل انواع و اقسام موادمنفجره که جداجدا در واگن‌ها نگهداری می‌شدند و یک شب سرخود راه افتاده بودند و به پیش می‌رفتند. یک قطار مرگ بی‌راننده، سوزنبانان زمانی از قضیه باخبر شدند که دیگر کار از کار گذشته بود و فقط دست به دعا بودند که در یک سربالایی گیر کنند و پیشتر نروند اما رفتند و شد آنچه نباید می‌شد. آن شب شوم واگن‌ها تصمیم گرفته بودند، چون غولی بی‌شاخ‌ودم در تاریکنای شب پیش بروند و بی‌راننده، بی‌دستور و بی‌هیچ خبری جماعت را نظاره‌گر خویش کنند. همه چیز حول‌وحوش ساعت چهارونیم صبح از یک لرزش خفیف آغاز شده بود و به حرکت درآمدن واگن‌هایی که انگار ترمزدستی‌شان کامل کشیده نشده و تعداد کفشک‌های محافظ ناکافی بوده تا هیولا به راه بیفتد و با سرعت بیش از ۱۵۰ کیلومتر در ساعت پیش بروند و حالا ماموران راه‌آهن فقط می‌توانستند که قطارهای عبوری از روبه‌رو را به مسیرهای امن هدایت کنند تا به‌زعم خود از وقوع تصادف دو قطار و فاجعه بزرگ جلوگیری کنند و نهایتا در ایستگاه خیام نیشابور موفق شدند واگن‌ها را از خط خارج کرده و چهار واگن نخست جدا شده و بقیه با برخورد به‌هم دچار حریق شوند. آتش‌سوزی واگن‌ها تا ساعتی ادامه داشت و ماموران آتش‌نشانی با موفقیت از مهار آتش سخن می‌گفتند اما انگار حادثه بزرگ‌تر هنوز در پیش بود. بخارهای برآمده از واگن‌های سوخته همه را به این باور رساند که دیگر عملیات به‌خوبی و خوشی پایان یافته در حالی که آب ریخته‌شده روی آتش، فعل و انفعالات شیمیایی شدیدتری را باعث می‌شده و کمی بعد از ساعت ۹:۳۰ صبح انفجاری معادل انفجار ۱۸۰ تن، تی‌ان‌تی نیشابور و مشهد را چنان لرزاند که همه گمان کردند زمین‌لرزه‌ای به قدرت ۶/۳ ریشتر این دو شهر را لرزانده اما وقتی تمام خانه‌های شعاع ۱۰ کیلومتری حادثه با خاک یکسان شد و صدها جنازه سوخته و غیر قابل‌شناسایی از گروه‌های

توضیح هفت‌صبح: بخشی از مطالب این صفحه برگرفته از شبکه‌های اجتماعی است و منبع اولیه انتشارِ دهنده آنها ذکر نشده است. بدیهی است که استفاده از این مطالب مصداق استفاده منصفانه طبق ماده ۷ قانون مولفان، مصنفان و هنرمندان خواهد بود.

مادرخرج‌های ایران زمین

نگاهی به نقش بوشهر، خوزستان، اصفهان و کرمان در اقتصاد مملکت

مصطفی آرانی | آمارهای سال ۱۳۹۸ نشان می‌داد که یک پنجم کل تولید ناخالص داخلی یا ثروت تولید شده در یک سال کشور، در استان تهران تولید می‌شود. ده استان خوزستان، بوشهر، اصفهان، خراسان رضوی، فارس، آذربایجان شرقی، مازندران، کرمان، البرز و گیلان پس از تهران قرار دارند و به این ترتیب ۷۲ درصد یا سه چهارم از کل ثروت ایران در ۱۱ استان ایران تولید می‌شود.

این هفته تصمیم گرفتیم نگاهی کنیم به سه استانی که در این رده‌بندی بعد از تهران قرار گرفتند یعنی خوزستان و بوشهر و اصفهان و به جز آن، نگاهی بیندازیم به وضعیت استان کرمان. استانی که در رده‌بندی کلی نهم کشور از نظر میزان تولید ثروت قرار گرفته ولی به دلیل حجم بالای معادن آن، به تعبیر برخی ثروتمندترین استان کشور لقبه به صورت بالقوه است.

چه کردیم؟ در هر استانی نگاهی کردیم به صنایع، معادن و احیانا بخش کشاورزی برنرگ آن استان و دیدیم که این استان به چه صورت دارد تولید ثروت می‌کند. ناگفته پیدا است که این تولید ثروت به معنای تولید شغل و افزایش درآمد مردم استان هم هست ولی فعلا به تاثیرات این صنایع روی اقتصاد استان‌ها کاری نداریم. صرفا به این نکته پرداختیم که این استان‌ها چه منابعی برای تولید این میزان از ثروت در کشور دارند.

خوزستان؛ ۸۵ درصد چاه‌های نفت اینجاست

خوزستان‌ها از مدت‌ها قبل خود را افرادی می‌دانستند که «صاحب میز» بودند یا به عبارتی میز را «حساب» می‌کردند و از این رو شرایط سخت اقتصادی و نبود برخی از امکانات مثل آب یا گاز، به شدت آن‌ها را رنج می‌داد. حالا با هم ببینیم که آن‌ها واقعا چه نقشی در اقتصاد ایران دارند؟

۱ به طور کلی در سال ۱۴۰۰، میزان ارزش افزوده تولید شده در استان خوزستان هزار و ۴۶۴ هزار میلیارد تومان بوده است. به این ترتیب این استان در سال ۱۳۹۸، ۱۴۸ درصد و در سال ۱۴۰۰، ۱۶.۳ درصد در ارزش افزوده کشور نقش داشته است.

۲ پیش از هر چیز طبیعتا ذهن به سمت چاه‌های نفت می‌رود. آمارها نشان می‌دهد که ۸۵ درصد از چاه‌های نفت کل کشور در خوزستان هستند و حدود ۲۷ درصد از این میزان در محدوده شهری اهواز قرار دارند. ۱۲ سال پیش از این گفته می‌شد که اهواز حدود ۵۰۰ حلقه چاه نفت دارد و آمارهای سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که حدود ۶۰ درصد از حریم شهر اهواز با حریم تاسیسات نفتی تداخل دارد. به طور کلی گفته می‌شود که نفت در ارزش افزوده استان سهم ۷۰ درصدی دارد. اگر نفت را از اقتصاد خوزستان حذف کنیم جایگاه این استان در تولید ثروت در کشور از رتبه دوم به رتبه ۵ تنزل پیدا می‌کند.

۳ پس از نفت، گروه خدمات نقش ۱۴ درصدی در اقتصاد خوزستان داشته و سهم گروه صنایع و معادن حدود ۱۲ درصد است. آن طور که سایت فردای اقتصاد در یک گزارش آورده، در بخش صنعت نزدیک به ۸۵ درصد ارزش افزوده متعلق به سه رشته‌فعالیت «تولید مواد شیمیایی و فرآورده‌های شیمیایی» با ۵۴.۵ درصد، «تولید فلزات پایه» با ۱۸.۰ درصد و «تولید محصولات غذایی» با ۱۱.۸ درصد است. نکته حزاز اهمیت آنکه ۹۳ درصد ارزش افزوده بخش صنعت در استان مربوط به کارگاه‌های بزرگ است، در حالی که این نسبت در کشور ۷۸ درصد است و لذا کارگاه‌های کوچک که عموما سهم بالایی در اشتغال دارند در استان توسعه پیدا نکرده‌اند.

۴ منظور از تولید مواد شیمیایی و فرآورده‌های شیمیایی را می‌توان پدیده‌هایی مانند پالایشگاه نفت خوزستان یا پتروشیمی‌های مستقر در ماهشهر دانست. آمارهای سال ۱۴۰۰ نشان می‌دهد ۳۰ درصد از کل محصولات پتروشیمی ایران در خوزستان تولید می‌شود. در منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی ماهشهر در آن سال نزدیک به ۳۰ هزار نفر مشغول به کار بودند.

۵ اما برسیم به موضوع تولید فلزات. حتما تاکنون نام فولاد خوزستان را شنیده‌اید. شرکتی که طبق اطلاعات مالی سال ۱۴۰۲، بیست و یکمین شرکت بزرگ ایران با ۸۴ هزار میلیارد تومان فروش است و این در حالی است که یک سال پیش از آن میزان فروش این شرکت ۵۴ هزار میلیارد تومان بوده است. جالب است بدانید که در خوزستان سالیانه ۸.۵ میلیون تن فولاد تولید می‌شود و این استان از این نظر رتبه سوم کشور را در اختیار دارد و تا پایان سال آینده می‌خواهد این میزان را به ۱۳ میلیون تن تولید برساند.

۶ ممکن است تاکنون در مورد سهم خوزستان در سبد غذایی مردم چیزی نشنیده باشید ولی در جریان باشید که در بخش کشاورزی، این استان با سهم بیش از ۵.۳ درصد از ارزش افزوده کشاورزی کشور، در جایگاه چهارم قرار دارد. تقریبا ۳۴ درصد از مساحت استان اراضی مستعد کشاورزی است و استان از نظر سطح زیر کشت و میزان تولید محصولات زراعی رتبه اول کشوری را دارد و بیش از ۹۳ درصد ارزش افزوده کشاورزی استان مربوط به فعالیت زراعت و باغداری است، با این وجود صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی استان توسعه لازم را پیدا نکرده‌اند.

۷ حالا ممکن است پیش خودتان فکر کنید که مگر کدام یک از مواد غذایی در خوزستان تولید می‌شود که پاسخ این است:

در سال زراعی ۱۴۰۲ - ۱۴۰۱، ۳۵.۵ هزار هکتار از مزارع آبی و ۲۱۹ هزار هکتار از مزارع دیم استان خوزستان به کشت گندم به عنوان یک محصول استراتژیک اختصاص یافته و حدود یک میلیون و ۶۲۰ هزار تن دانه طلایی گندم از کشاورزان خریداری شده تا استان خوزستان بار دیگر رکورددار خرید تضمینی گندم در کشور باشد. چندقرنه پاییزه یکی دیگر از محصولات مهم پاییزه خوزستان است که سال گذشته در سطح ۲۰ هزار و ۳۵۰ هکتار از اراضی کشاورزی این استان توسط ۴۲ هزار کشاورز کشت و با پایان برداشت حدود یک میلیون و ۲۷۵ هزار تن چندقرنه پاییزه خود را به که رتبه نخست کشور را به خود اختصاص داد.

بوشهر؛ استانی که هر سال ۲۶ میلیارد دلار گاز تولید می‌کند

بوشهر، استانی که به بالاترین میزان درآمد سرانه در کشور (حاصل تقسیم ثروت تولید شده در استان بر میزان جمعیت و نه درآمد واقعی افراد) مشهور است؛ بدون نفت و گاز و پتروشیمی تقریبا جزو استان‌های کم‌درآمد کشور است و رتبه ۲۳ را از آن خود می‌کند.

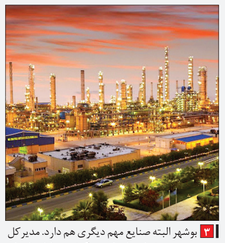

۱ بنابراین می‌توان شاه‌کلید اقتصاد این استان را مجتمع گاز پارس جنوبی دانست.

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی که یکی از شرکت‌های فرعی شرکت ملی گاز ایران است که در سال ۱۳۷۷ تاسیس و عهده دار مسئولیت بهره‌برداری از تاسیسات خشکی فازهای چندگانه میدان گازی به شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی شده است. تاسیساتی که طراحی و اجرای آن‌ها را شرکت نفت و گاز پارس از شرکت‌های فرعی نفت ایران انجام داده است.

سایت های ۱ و ۲ این شرکت در شهرستان‌های عسلویه و کنگان شامل ۲۴ فاز گازی است که فازهای ۱ تا ۱۰ و ۱۵ تا ۲۱ در سایت ۱ (عسلویه) و فازهای ۱۱ تا ۱۴، فاز ۱۹ و فازهای ۲۲ تا ۲۴ در سایت ۲ (کنگان) قرار دارند.

میدان گازی مشترک پارس جنوبی در آب‌های سرزمینی ایران و قطر و در فاصله ۱۰۵ کیلومتری ساحل بندر عسلویه قرار دارد و ۷ هزار و ۷۰۰ کیلومتر وسعت آن است. تقریبا دو برابر استان البرز. این میدان در عمق ۳ هزار متری زیر کف دریا قرار دارد و عظیم‌ترین میدان گازی جهان است. بخش ایرانی این میدان ۳ هزار و ۷۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد یعنی ۳۸ درصد از میدان کلی و ذخیره آن ۱۴ ترلیون مترمکعب گاز و ۱۷ میلیارد بشکه میعانات گازی است. این میزان معادل ۸٪ ذخایر گاز جهان و ۵۰٪ ذخایر گاز کشور است.

در دی ماه سال گذشته اعلام شده بود که فقط از ابتدای دهه ۹۰، بیش از ۵۷۷ میلیارد متر مکعب گاز شیرین و پالایش شده در پالایشگاه‌های پارس جنوبی تولید و به بازارهای داخلی و خارجی عرضه شده که ارزش این میزان گاز و محصولات گازی آن، حدود ۳۴۰ میلیارد دلار است. یعنی تقریبا ۶۲ میلیارد دلار هر سال.

۲ علاوه بر این حدود ۱۰ درصد از نفت کشور در این استان قرار دارد و مهم‌تر از آن اینکه ۹۰ درصد از صادرات نفت کشور از این استان و به طور مشخص از پایانه نفتی جزیره خارک انجام می‌شود.

۳ بوشهر البته صنایع مهم دیگری هم دارد. مدیرکل صنعت، معدن و تجارت استان، بزرگ‌ترین دارایی استان بعد از نفت و گاز را شرکت صنعتی دریایی یا همان صدرا می‌داند. شرکت صدرا فعالیت خود را به هدف ساخت و تعمیر کشتی در سال ۱۳۴۴ در بوشهر آغاز کرد و پس از انقلاب در سال ۵۷ صدرا فعالیت خود را در حوزه فراساحل نیز گسترش داد و در حال حاضر در زمینه ارائه خدمات مهندسی، کشتی‌سازی، ساخت و نصب پایانه‌های نفتی و تأسیسات فراساحلی نفت‌وگاز، بندرگاه‌ها، حفاظت ساحلی و اسکله‌سازی فعالیت می‌کند و یکی از بزرگ‌ترین پیمانکاران طرح‌های فراساحلی نفت‌وگاز ایران است و برای این کار، گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ دریافت کرده است.

۴ بوشهر ۲۵ درصد از کل سواحل خلیج فارس را هم دارد و پتانسیل عظیمی برای توسعه تجارت دریایی دارد ولی این ظرفیت در حال حاضر بیش از هر چیز دست کم در ذهن مردم همان بارهای نه‌لنجی و قاچاق است که به طور مشخص در گناوه فروخته می‌شود.

۵ ما نمی‌گوییم ولی کارشناسان می‌گویند اگر برخی اقدامات در حوزه زیرساخت‌های حمل‌ونقل برای بوشهر انجام شود و مثلا این استان به شبکه ریلی متصل شود یا آزادراه بوشهر - شیراز که می‌تواند نقش مهمی در افزایش سرعت انتقال کالا ایفا کند، تکمیل و بندر بوشهر لایروبی شود (موضوعی که حالا باعث شده کشتی‌های با تناژ بالا نتوانند در این بندر پهلو بگیرند) اتفاقات بسیار مهم‌تری در حوزه اقتصادی در این استان رخ خواهد داد.

اصفهان؛ استان فرش و فولاد و شیر

۵ سال پیش گفته می‌شد از هر ۱۰۰ تومانی که در این کشور ثروت تولید می‌شود؛ ۶ تومان آن سهم استان اصفهان است.

۱ این استان به تنهایی ۵۰ درصد از فولاد کشور را تولید می‌کند. در مورد فولاد مبارکه در صفحه ۳ امروز هم مطلب داریم و خیلی نمی‌خواهیم تکرار کنیم ولی برای اینکه مطلبمان کامل باشد باید بگوییم که:

فولاد مبارکه طبق رده‌بندی صد شرکت برتر ایران که سازمان مدیریت صنعتی طبق اطلاعات سال مالی ۱۴۰۲ منتشر کرده است؛ ششمین شرکت برتر ایران و اولین شرکت فولادی کشور است. این شرکت در سال ۱۴۰۲، ۳۰۰ هزار میلیارد تومان فروش داشته که تقریبا ۵۰ درصد نسبت به سال قبل از این بیشتر است. هم‌چنین ارزش این شرکت در بورس تهران، بر مبنای اطلاعات دیروز بازار سرمایه ۵ هزار و ۸۵۳ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان است.

۲ از سوی دیگر این استان قطب تولید فرش ماشینی و نیز یکی از قطب‌های تولید فرش دستی در ایران است. فقط یکی از تولیدکنندگان فرش در این استان که تبلیغات خاطره‌انگیزی هم در سال‌های قبل در تلویزیون داشته است سال قبل در مصاحبه‌ای گفته بود در این مجموعه در سال ۱۴۰۱، ۱.۵ میلیون متر مربع یعنی به اندازه ۲۵۰ هزار فرش شاه‌پری، تولید شده و به ۴۰ کشور دنیا صادر می‌شود. میزان صادرات این شرکت در سال ۱۴۰۱، ۱۰ میلیون دلار بوده است. البته این را باید گفت که اصفهانی‌ها فقط فرش تولید نمی‌کنند و رتبه دوم تنوع تولید صنایع دستی جهانی بعد از هند را دارند.

۳ اصفهان از زاویه دیگری به عنوان صنعتی‌ترین استان ایران شناخته می‌شود. بیش از ۹ هزار واحد تولیدی کوچک و بزرگ با سرمایه ۲۲ هزار میلیارد تومانی و اشتغال ۲۶۳ هزار نفر، حدود ۸۴۰ معدن در حال بهره‌برداری با سرمایه‌گذاری بیش از هزار میلیارد تومانی و حدود ۲۰۰ هزار واحد صنفی، در این استان مشغول به کار هستند.

۴ خوزستان و کرمان و بوشهر هم که در این صفحه نقلی از آن‌ها آمد، استان‌های گردشگرپذیری هستند ولی در میان این استان‌ها اصفهان از همه توریستی‌تر است. بیش از ۸ میلیون گردشگر داخلی و ۵۰۰ هزار گردشگر خارجی سالانه از اصفهان بازدید می‌کنند، بیش از ۲۰۰ هتل و اقامتگاه فعال در این استان وجود دارد و گفته می‌شود که میزان درآمد این استان از گردشگری سالیانه حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان است.

۵ و در نهایت باید به بخش کشاورزی استان اصفهان اشاره کنیم که البته تصویر آن در سال‌های اخیر، تصویر مبارزه با بی‌آبی بوده ولی عددها حکایت دیگری از میزان فعالیت‌های کشاورزی در این استان دارند. بیش از ۷۰۰ هزار هکتار زمین کشاورزی که ۳۰ درصد از آن برای کشت گندم و جو مورد استفاده قرار می‌گیرد، رتبه اول کشور در تولید محصولات گلخانه‌ای با سطح کشت ۲۴۰۰ هکتار (شامل ۲۲۰۰ هکتار سبزی و صیفی و ۲۰۰ هکتار گل و گیاهان زینتی) و تولید ۵۷۳ هزار تن انواع محصولات سردخانه‌ای با ظرفیت ۲۰۰ تن انبار بالای صفر، رتبه سوم کشور در زمینه تولید عسل با ۳۱ هزار تن، رتبه اول تولید شیر در کشور با ۲.۱ میلیون تن، رتبه دوم تولید تخم مرغ با تولید ۹۳.۴ هزار تن، رتبه دوم تولید گوشت در کشور با تولید ۱۹۲ هزار تن. رتبه سوم تولید سیب‌های درختی و زمینی.

۶ جالب خواهد بود اگر نگاهی هم ببندازیم به سایت معاونت اقتصادی وزارت خارجه و ببینیم این وزارتخانه، اصفهان را چطور برای خارجی‌ها توصیف کرده است.

× رتبه اول صنعت سیمان با بیش از ۱۲ درصد تولید کشور

* رتبه اول تولید صنعت طلا و جواهر با اختصاص بیش از ۵۰ درصد از کارگاه‌های کشور

*شرکت پالایش نفت اصفهان تولید کننده ۳۳ درصد فراورده‌های نفتی کشور

*شرکت‌های نساجی اصفهان رتبه اول در ایران با تولید ۳۵ درصد محصولات نساجی

*شرکت‌های حمل و نقل داخلی، رتبه اول حمل و نقل بار و مسافر در کشور با ۵۹۰۰ راننده

*شرکت‌های تولید سنگ با بیش از ۷۰ نوع سنگ ساختمانی و تزئینی

کرمان؛ شرکتی غیردولتی که ۱۵ هزار میلیارد گردش مالی داشته

اقتصاد کرمان، اقتصاد متنوعی است و ما تلاش کردیم اینجا به ابعاد مختلف آن از خودرو تا معدن و پسته و خرما نگاهی داشته باشیم:

۱ موسسه مولی‌الموحدین احتمالا پولساز‌ترین موسسه غیردولتی در کرمان است. موسسه‌ای که در نیمه دهه شصت توسط برخی از چهره‌های سیاسی آن دوران به محوریت خانواده مرعشی که از اقوام اکبر هاشمی‌رفسنجانی بودند، تاسیس شد و در حال حاضر ۱۰۰ درصد هواپیمایی ماهان و حدود نیمی از سهام کرمان‌موتور را در اختیار دارد. دو رقم بیان شده رسمی در مورد گردش مالی این موسسه را نقل می‌کنیم تا میزان مشارکت این موسسه در اقتصاد این استان مشخص شود. در آذر سال ۹۸، احمد مرادعلیزاده، رئیس هیات مدیره این موسسه گفته: از سال ۹۳ تا ۹۷ مجموع فروش شرکت‌های فعال در ارگ جدید بم (که زیر نظر این موسسه هستند) حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان بوده و جمعا حدود هشت هزار میلیارد تومان به دولت پرداخت شده است. و در دی‌ماه همان سال، فرمانده سپاه نائب‌الائمه استان کرمان گفته: بین ۱۳ تا ۱۵ هزار میلیارد تومان گردش مالی یا درآمد این شرکت است.

۲ همچنین باید به منطقه ویژه اقتصادی ارگ جدید بم اشاره کنیم که از سال ۱۳۷۶ کار خود را آغاز کرده و قطب خودروسازی خصوصی در ایران است. در این مجموعه دو شرکت مهم وجود دارد. یکی شرکت کرمان‌موتور و دیگری شرکت مدیران خودرو. کرمان‌موتور از اوایل دهه هفتاد کار خود را آغاز کرده است. در ابتدا شریک تجاری دیوی کره جنوبی در ایران بود و بعد به فولکس‌واگن و هیوندایی رفت ولی هر سه شریک را به دلیل تحریم، بعد از مقطعی از دست داد و از اوایل دهه هشتاد عمده سرمایه‌گذاری خود را روی شراکت با خودروسازهای چینی قرار داد. مدیران کرمان‌موتور اما از همان ابتدای فعالیت خود یعنی اوایل دهه هشتاد، به سمت شراکت با خودروسازهای چینی و به‌طور مشخص کارخانه جری رفت و خودروهای این کارخانه از جمله خودروهای کوچک اموی‌ام را تولید می‌کرد. از نظر مالکیتی مدیران خودرو یکسری از زیرمجموعه‌های کرمان‌موتور است و مالکیت کرمان‌موتور عمدتا در اختیار خیریه به نام مولی‌الموحدین است.

۳ یکی دیگر از نقش‌های مهم استان کرمان در عرصه اقتصادی ایران، در حوزه معدن است. به‌طور کلی حجم ذخایر معدنی شناخته شده استان کرمان ۵/۳میلیارد تن است که شامل یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون تنی مس، ۷۰۰ میلیون تن آهن، ۱۲۰ میلیون تن زغال‌سنگ و... است. نامدارترین معدن این استان، مس است که به‌طور عمده به معدن مس سرچشمه در نزدیکی رفسنجان و حدود ۲۰۰ کیلومتری کرمان اشاره دارد. گفته شده در این معدن، حدود ۱ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تن ذخایر سنگ سولفوری وجود دارد. معدن مهم دیگر این استان، سنگ‌آهن گل‌گهر سیرجان است که ۵۰درصد از کل نیاز فولاد مبارکه اصفهان و خوزستان را تامین می‌کند. به‌جز این معادن، معدن مس در شهربابک، زغال‌سنگ و سرب و روی در کوهبنان، کرومیت در بافت، جیرفت و کهنوج و تیتانیوم در کهنوج از دیگر معادن مشهور این استان هستند.

۴ نمی‌شود که از کرمان صحبت کنیم و یادی از پسته این استان نکنیم. البته طی ۳سال گذشته بر اثر سرما یا بر اگرمازدگی، میزان تولید پسته در کل کشور حدود پنجاه درصد کاهش پیدا کرده ولی امسال به گفته رئیس هیات مدیره انجمن پسته ایران پیش‌بینی شده که ۲۰۰ هزار تن پسته در کشور تولید شود که نیمی از آن محصول استان کرمان و نیم دیگر محصول ۶۴ استان دیگر است. قطب پسته ایران، شهر رفسنجان در این استان است. البته قطعا نباید به خرما، گل محمدی و پسته اکتفا کنیم. به‌طور کلی گفته شده که یک‌چهارم کل باغ‌های ایران در کرمان قرار دارد و رتبه اول تولیدات باغی کشور با ۷۰ تن محصول باغی به این استان تعلق دارد. در کرمان ۵۴درصد تولید محصول زراعی هم به‌دست می‌آید. بنابراین باید گفت که این استان در تولید محصولات دیگری مانند مرکبات و حتی گردو نیز در رتبه‌های برتر قرار دارد. به این ترتیب این استان چهار درصد از کل تولید ناخالص داخلی و رتبه اول در صادرات غیرنفتی در سه سال گذشته و رتبه اول سرمایه‌گذاری خارجی در سال گذشته را در اختیار گرفته است.

۵ طبیعتا به خاطر این گرما، کرمان یکی از قطب‌های تولید خرما در کشور است. خرما در کرمان عمدتا در جنوب این استان یعنی هشت شهرستان جیرفت، عنبرآباد، کهنوج، منوجان، رودبار جنوب، قلعه گنج، فاریاب و جازموریان و شرق آن یعنی شهرستان‌های بم، نرماشیر، فهرج و ریگان تولید می‌شود. در هشت شهرستان جنوب این استان ۳۱ هزار نخل بارور وجود دارد که بیش از ۲۲۰ هزار تن خرما سالانه از آن به دست می‌آید و نزدیک به ۶۵ هزار تن از صادر می‌شود. بیشترین میزان تولید خرما در این منطقه، از نوع مضافتی است. بهترین خرمای مضافتی اما برای شهرستان بم است که در آن حدود ۱۰ هزار هکتار نخلستان خرما وجود دارد و حدود ۷۰ تا ۸۰ هزار تن خرما از این مساحت به دست می‌آید.

ویدئوهای بر بازدید هفته

ازدواج آقای لنگرودی، خاطرخواهان بیژن و خونسردترین راننده ایران

این هفته پس از قتل امیرمحمد خالقی، ویدیوی دوربین مداربسته از لحظاتی بعد از حادثه منتشر شد که نشان می‌داد دو قاتل سوار بر موتور و با کوله‌پشتی او فرار می‌کنند و امیرمحمد خالقی به دنبال آن‌ها می‌دود اما به خاطر ضربات وارد شده به زمین می‌افتد. همچنین قسمتی از ویدیوی اعتراف یکی از متهمان مورد توجه قرار گرفته که می‌گوید: «کیف رو و قتلی زیاد گرفتم گفت کیف رو بده، گوشی رو بر. دانشجوام.» ابراهیم ایرج‌زاده کارگردان فیلم شوهر ستاره، در اختتامیه جشنواره فیلم فجر مشهد با اشاره به دستمال پژمرده‌ای که در دست داشت، گفت: «دسته‌گلی که به من دادید قشنگ نیست و مشابه این را سرچهارراه‌ها می‌فروشند. این احترام به هنرمند نیست.» امیر حاج‌رضایی، درباره از دست دادن دخترش به علت سرطان با بغض گفت: «به یک بیماری بدون رقیب باختیم و دخترمون رو از دست دادیم. یک چیز دیگه در مقابل این سرطان من رو رنج میبره و این سرطان فقر به که حاکمه در ایران و دو تا سرطان رو من نمی‌تونم بکشم.» آقای فردوسی‌پور، قسمتی از صحبت‌های شمس لنگرودی در برنامه که می‌گوید: بیشپیشکسوتان فوتبال در برنامه عادل فردوسی‌پور بازم بیاد ایران بازم خودرو بزنه بدون رقیب باختیم استقلال، از تونیتر نیکولاس واید

بودم، هرکی کار داشت با من، می‌گفتم اینجا که وقت نیست شما رتون رو بدین.» بیژن مرتضوی که به تازگی برای باز چهارم ازدواج کرده در مصاحبه با یکی از مجری‌های حاشیه‌ساز خارج از ایران گفت: «دو ماه و نیم برای شناخت یک فرد برای من بسه. مخصوصا با تجربه‌ای که ما داریم. سالی صد هزار تا آدم می‌بینم. شما فکر می‌کنی تو این صدهزار تا... هزار تا به من بیشنهاد نمی‌دن؟» ویدیویی بامزه هم از تصادف خونسردترین راننده ایرانی در روز برفی وایرال شد. او به همراه پسر کوچکش در حال راندگی و فیلم گرفتن از خیابان‌ها بود که ناگهان با صحنه‌های پسرش که می‌گفت «نگاه کن، اونجا نوشته علی» حواسش پرت شد و زد به ماشین جلویی. بعد هم با خونسردی تمام گفت: «تو من تصادف کردم، زدم به این یارو.» همین.

بیام‌های برگزیده خوانندگان/بنجشنبه‌ها/ پیامک: ۰۹۲۰۰۰۱۷۰۷

Terrifier ببین و همزمان جغول‌بغول بزن!

کروکودیل مشکی، صداوسیمای گلستان، ممیزان ارشاد، جغول‌بغول و پنل‌های خورشیدی...

۹۳۶۶۵۸ :: آقای افشار راجع به سوژه پنجشنبه هفته پیش (بی‌پولی): همان پنجشنبه هفته پیش خسته و کوفته دیروقت از سر کار برگشتم حتی پول خرید خوراکی واسه دونا کودک خردسالم را نداشتم. یارانه ما را هم ۱۲ شب به بعد واریز می‌کنن. نمی‌دونی چه خجالتی کشیدیم وقتی بچه‌هام به بهانه خوراکی گرفتن با اشتیاق درو باز کردن و منو دست خالی دیدن و من چقدر جلوی خانمم و دختر نوجوانم شرمنده شدم. بعد دری‌دی عیسا شرمندگی یک مرد به خاطر بی‌پولی. خدا نصیب هیچ کس نکنه.(قابل توجه مسئولین بی‌درد ما)

۹۹۳۲۸۶ :: حالم مثلا خیلی خوب بود، نشستم واسه اس‌ام‌اس تو هم به ساعت آبفوره ریختم! من خودم هم از این صحنه‌ها کم ندیدم داش. حداقل کاش شماره‌مو داشتی زنگ می‌زدی، پس‌اندازِ سیگار و لیموترش‌مو می‌رسوندم خدمتت. دوتایی به ساعت هم عرض می‌زدیم و فحش می‌دادیم و بعدش فراغ بال می‌رفتیم خونه!

۹۹۳۲۲۳ :: خوشحال‌م. دوستی کتابی را نوشته و برای مجوز فرستاده، ممیز گفته این جمله را از کتاب حذف کنن. از جمله این است: «پسر چون به درب خانه رسید مادرش او را در آغوش کشید و بوسید.» ببینید ناشر و مولف از دست ممیزان شما چه می‌کشند؟

۹۱۲۵۰۴ :: اولا مادر حق ندارد بچه‌شو جلوی انظار عمومی ببوسه. اون وقت خالنه هم میاد می‌بوسه و شیر شلوغ می‌شه! دومندش: من خودم کتاب «ضدقهرمانان»ام که حداوی زندگینامه ترازیک ستاره‌های باغی حوزه ورزش هست یک سال و نیم است در راهروهای ممیزان گیر کرده و موندم. یه عده‌شون می‌گن نوسنده پرسپولیسی‌یه و ضدقهرمانان استقلالی‌رو بولد کرده. یه عده‌شونم برعکسشو می‌گن. بگو من بدیخ کلمه‌مو به کدوم دیفال بکوبم؟!)

۹۹۳۲۸۶ :: آقای الف. افشار، پیشنهاد می‌کنم روزنامه‌رو چهار صفحه‌ای‌ش کنیید، همراهش هم یه درمیین از یه شرکت خنثی‌بنیان بذارین ۱۰۰هزار تومن، جمعاً بشه ۱۱۰. کی به کیه، تاریکیه؟ خودتون «میکولورامید لازم»نمی‌شین؟

۹۹۳۲۸۶ :: دربین دسته‌ی گروه بابا (اون روز ۴۰۰ خردمش) ولی مـن حاضرم همراه روزنامه، یک ورق قرص متوکلاورامید به همراه بیزاکودیل بذارم توش، برید کیف‌شو بکنین! (اگه تیزآمون نکشید بالای صد هزارتا، هرچـی می‌گی بگو!) برادران فاطچیی، میان پای کار!

۹۱۲۵۰۴ :: آخـه ایـن چه مـسخره‌بازیه که صداوسـیمای مرکز گلستان همیشـه در زیرنویس‌هاش مخصوصا موقع اخبار، غلط املایی دارم؟ غلط‌ها به قدری فاحش هسـتن که گاهی آدم خجالت می‌کشه بگه سیمای استان گلستانه. در یکی از اشـتباهات اخیر و عجیب، تصویر یک بنده‌خدایی بودش و زیرش نوشـته بود «آقای ... نماینده حوضه انتخابیـه.» دقت کردین؟ حوضه حوضـه. بابـا از رو برید دیگه (احسـان مصطفوی، گرگان)

۹۹۳۲۲۴ :: آقای پزشکیان لطف کنید از الان به زیردسـتان‌تان بگید که روی پشـت‌بام نهادها و سـازمان‌ها و کلیه اماکن دولتـی از همین الان پنل‌های خورشیدی بکارن تا ما دوباره نوی گرمای تابستان از بی‌برقی، بادبزن حصیری دست نگیریم. نگو که نگفتی. از قدیم گفتن گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله ماست، آنچه البته به بی‌برقی ترسد فریاد است. ماست لواسون!

۹۱۱۸۴۶ :: الان ماقیای پنل خورشیدی می‌پره وسط! حداقل جوری می‌گفتی آقازاده‌ها نشنن!

۹۰۵۲۲۹ :: خانـم آنالی اکبری، شـما واقعا قوی‌اعداده هستید، بسیار بسیار تحسین‌تون دلتی به بریم، شما همین جوری ادامه بدید نویسنده‌ای در کلاس اول چهانی می‌شید و در تاریخ ماندگار. ببین‌ور دانستن‌تان بگید هرارتا، هرچـی می‌گی بگو!

۹۱۲۵۰۴ :: جونیور (کروکودیل مشکی) داره می‌ره لیگ عربسـتان، خدا را چه دیدی؟ شاید به زور با دشداشه و بقچه قرمز، جام را تقدیم به رونالدو خوحه حوضـه. بابـا را رو برید دیگه (احسـان شما که سری قبل، بدون حرف و حدیث، به صورت چکشـی قیمت را دو برابر کردید حالا هم به جای رژیم روزنامه، یک چکش دیگر عنایت بفرمائید.

۹۹۳۲۲۴ :: مرد حسـابی الان می‌دونی قیمت چکش چقد کشـیده بالا؟ هرچی من (قیمت مو) کشیدم پایین، چکش کشید بالا!

۰۹۱۱۸۴۵۸ :: خـوب کاری کردیـد صفحات روزنامه را کردید ۱۲ صفحه. چون وقت نمی‌کردیم در یک روز همه صفحات روزنامه را بخوانیم. شما هم مجبور نشـدید قیمت را بالا ببرید. (سرفراز از اراک)

۹۹۳۲۲۴ :: چوب خوب به این می‌گـن! واقعا که سرافرازمون کردی!

۹۱۱۸۴۶ :: آقای افشـار! اگه واقعا جرئت ندارد مسئولین بسـیار زحمتکش فرهنگی کشور دسـت‌تون دو هزرنـد پیشکسـوت را جرم تشـخیص دادند؟ کاش دلسـوزان زحمتکش به وزارت کشاورزی دستور ارزان شدن سیب‌زمینی را می‌دادند!(ارادتمند: جمالی لاهیجان)

۹۰۵۲۲۹ :: بس که سـیب‌زمینی تشریف دارد! (اوناز در اصل، قیمت خودشونو بالا بردن!)

۹۰۱۶۳۶ :: شـما رسـانه‌ها یک آمار بگیرید ببینید آیا انسـانیان و فامیل‌های مسئولان کشور، بار درازاده‌اند، نوه‌ها و نورچشـمی‌ها که سال‌ها در آمریکا -سـرزمین آزروهایشـان- دارند یا خیال آسوده و در شـرایط غیرتحریمی روزگار می‌کنند آیا در خیابان‌های نیویورک، اوهایو، لس‌آنجلس و کالیفرنیا شعار مرگ بر آمریکا دادند یا خیر.

روزگار را نمی‌کننـد، روزگار را می‌گذرنون عمو!

۹۹۱۶۱۱ :: چرا نباید از فرصت کانال پوتین استفاده کرد؟ وقتی که پوتین و ترامپ در عربستان می‌خواهند دیـدار کنند؟ وقتی ترامپ با پوتین تلفنـی صحبت کـرده و خواهان پایان منافـه اوکراین با روسـیه شد مسـئولان نظام با وفاق و همدلی از این فرصت استفاده کنند.

۹۹۱۶۴۵ :: ترامپ مو وزد که یک مشکلات مارو حل کنه! (خدا می‌دنه تو دل براهم چه خبره!)

۰۹۱۹۶۴۵ :: ضمن عرض خسـته نباشـد به دسـت‌اندرکاران پرتلاش روزنامه هفت‌صبح چرا روزنامه چهارشنبه ۲۴بهمن چاپ نشد با اگر چاپ شد به دست من در البرز نرسید؟ ممنون.

دلیل نـداره هر جی چاپ شـد به دسـت‌تون برسه که دائن! شـاید دگه جی صلاح بدونـه روزنامه‌رو کیلویی واسـه شـب عید زنان خانه‌دار بفروشه. چه می‌دونم!

۰۹۱۲۵۷۲ :: مردانی هسـتم. دولتمردان محترم لطفا این پیام را جدی بگیرید. من ۱۲ سـال برای اسـپیناسـی مشـکلات کشـور وقت گذاشتم و در نوشته‌های ۱۹۰ صفحه‌ای آن را تشریح کرده‌ام. راهکار حل مشکلات کشور در ذهن و دسـتان من است و به وحدانیت خدا کشـور را نجات می‌دهد. فقط یک سال به من وقت بدهید! اگر نشد تا آخر عمرم را زندانی کنید.

بیا برپـم از الان زندونی‌ات کنیم که دیگه از این حرفا نزنی!

سوژه هفته

خرس، شکلات و دو حلقه لاستیک ماشین

سنت کادو دادن و کادو گرفتن در روز ولنتاین سال‌هاست بین اکثر مردم ایران باب شده. خیل

عمارت مسعودیه

عباس عربی | در میان همهمه میدان بهارستان و شلوغی این میدان و تردد موتورسیکلت‌ها و خودروها، عمارت و باغی مصفا وجود دارد که سرگذشتی شنیدنی دارد: عمارت مسعودیه. این باغ را یکی از پسران ناصرالدین‌شاه با نام مسعودمیرزا ظل‌السلطان ساخت و آن را به نام خودش عمارت مسعودیه نامید. مسعودمیرزا ظل‌السلطان فردی جاه‌طلب و سفاک بود که نیم‌نگاهی به تخت شاهی هم داشت. او دوست داشت به جای برادرش مظفرالدین میرزا که ولیعهد بود، خودش ولیعهد باشد و بعدها تاج کیانی را برسر بگذارد، از این رو دم و دستگاهی شاهانه برای خود در عمارت مسعودیه ایجاد کرد. جالب اینجاست که مسعود میرزا حاکم بود و صرفا این کاخ را برای زمانی ساخت که به تهران می‌آمد.

مسعود میرزا به جز اصفهان، حاکم شهرهای دیگر هم بود، روزی از روزها به فرمان پدرش ناصرالدین‌شاه به تهران آمد. ناصرالدین‌شاه که از جاه‌طلبی و خودخواهی فرزندش آگاه بود، تصمیم گرفت به عمارت مسعودیه برود و سر و گوشی آب دهد؛ شنیده بود که مسعودمیرزا در عمارت خود دم و دستگاهی عریض و طویل همچون شاهان ایجاد کرده. شاه قاجار وقتی این دم و دستگاه شاهانه مسعود میرزا را دید، حسابی ترسید. برای همین او را از تمام سمت‌هایی که داشت به جز حکومت اصفهان عزل کرد. شکی نیست که دیدن این عمارت زیبا و شاهانه با آن دستگاه عریض و طویل، دل هر پادشاهی را به لرزه درمی‌آورد. به خصوص که معماری عمارت مسعودیه برگرفته از کاخ گلستان است و بخش‌های زیادی از آن همانند تالار آینه دقیقا با الگو گرفتن از کاخ گلستان طراحی و ساخته شده بود. برخی از مورخین معتقدند که مسعودمیرزا این عمارت را از آن جهت ساخت که بعدها کاخ پادشاهی او بشود، امری که هیچگاه محقق نشد. آینه‌کاری‌ها، گچبری‌ها و ارسی‌های این عمارت زبانزد خاص و عام است.

یکی از رویدادهای تاریخی که با عمارت مسعودیه پیوند خورده، ماجرای به توپ بستن مجلس است. موضوع از این قرار است که برادرزاده مسعودمیرزا یعنی محمدعلی‌شاه با همراهان خود در حال عبور از مقابل این عمارت بود، بمبی دست‌ساز به قصد ترور محمدعلی شاه زیر کالاسکه او رها شد که شاه قاجار از این واقعه جان سالم به در برد. همین امر اسباب ناراحتی و خشم شاه را فراهم کرد و دستور داد تا مجلس را به توپ ببندند. عمارت مسعودیه هم از این حمله بی‌نصیب نماند و آسیب دید چون مسعود میرزا به خاطر کینه از شاه وقت، عمارت خود را پایگاه مشروطه‌خواهان قرار داده بود.

پس از درگذشت مسعودمیرزا، عمارت او از طریق ورثه به وزارت معارف واگذار شد، این امر در اواخر دوران قاجار و زمانی که رضاخان، رئیس الوزراء بود اتفاق افتاد. اندکی بعد در دوران پادشاهی رضاشاه، برای اولین بار کتابخانه ملی در گوشه‌ای از این عمارت راه‌اندازی شد و همینطور موزه ایران باستان. با ساخت ساختمان کتابخانه ملی و موزه ایران باستان، هر دو نهاد به ساختمان‌های جدید نقل مکان کردند.

در دهه ۴۰ شمسی وزارت آموزش و پرورش تاسیس شد و عمارت مسعودیه هم به این وزارتخانه تازه تاسیس اختصاص یافت. عمارت مسعودیه تا سال ۱۳۷۷ در اختیار این وزارتخانه بود و در آن زمان به سازمان میراث فرهنگی واگذار شد تا مجموعه‌ای فرهنگی در آن دایر کند. در این سال‌ها همچنان مرمت این بنای فاخر و عظیم تهران کامل نشده و بازدید از آن نیز همواره با فراز و نشیب همراه بوده است. گاهی مسئولان امر درهای این عمارت زیبا را به روی عموم باز می‌کنند ولی چون مرمت آن تکمیل نشده و موزه و مجموعه فرهنگی خاصی در آن دایر نشده، بازدیدکنندگان صرفا از محوطه این عمارت بازدید می‌کنند. اگر تابه حال از عمارت زیبای مسعود میرزا ظل‌السلطان بازدید نکردید، پیشنهاد می‌کنیم که هرگاه این عمارت بازدید عمومی داشت، سری به عمارت مسعودیه بزنید و از زیبایی‌های این بنای فاخر و باشکوه شهر تهران لذت ببرید.

قاب

مرتضی کلیلی

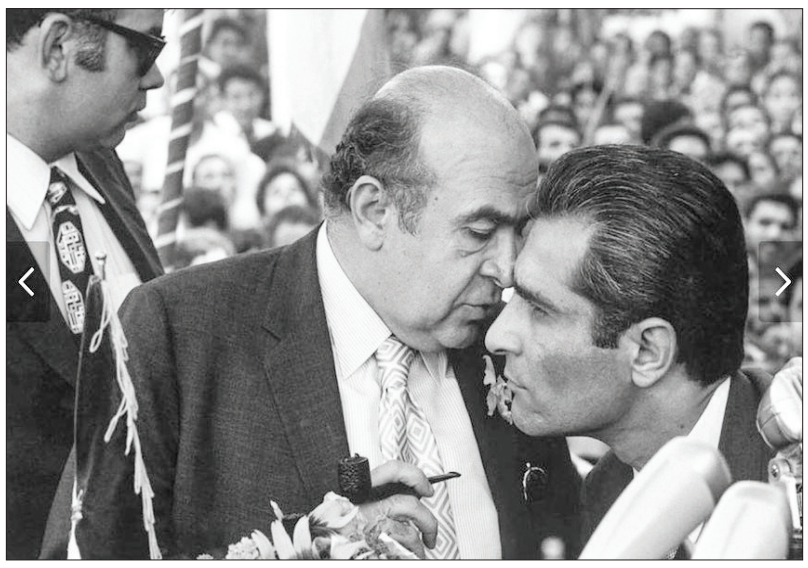

قاب مشاهیر ۱

رابطه هویدا و اسرائیل و دایی ابوالحسین و آن مهمانی‌های مجلل؛ اسرائیل کعبه آمال بهائیان بود. امیرعباس هویدا از طرفی به این فرقه تعلق داشت و تلاش برای تعالی دولت صهیونیستی اسرائیل از وظایف فرقه‌ای او بود و از طرف دیگر نیز، خانواده مادری او، از خدمتگزاران تشکیل دولت اسرائیل بودند. یکی از این افراد، عبدالحسین سرداری ـ دایی امیرعباس هویدا ـ است که در زمان اشغال فرانسه توسط آلمان، امور کنسولی سفارت ایران در پاریس را به عهده داشت. عباس میلانی در این‌باره می‌نویسد: «وقتی فرانسه به اشغال نازی‌ها درآمد، کشورهایی چون ایران نه‌تنها روابط خود را با فرانسه اشغالی قطع کردند، بلکه دفاتر سفارت خود را هم در شهر پاریس بستند. ساختمان سفارت ایران در اختیار ابوالحسین [عبدالحسین] سرداری قرار گرفت که جوان‌ترین برادر افسرالملوک [مادر هویدا] بود... دیپلماتی حرفه‌ای بود و قبل از حمله نازی‌ها مسئولیت امور کنسولی سفارت ایران در پاریس را به‌عهده داشت... رفیق‌باز و رفیق‌یاب بود. با برخی از سران ارتش اشغالگر آلمان در پاریس از سر دوستی درآمد. آنان را به مهمانی‌های مجلل در محل سفارت دعوت می‌کرد و خاویار و شامپانی فراوان و رایگان در اختیارشان می‌گذاشت و برای تفریح‌شان حتی دختران جوان و زیبا را هم تدارک می‌کرد. رابطش برای تامین این دختران یکی از زنان زیبای پاریس به‌نام الکساندریا بود. مهمان‌نوازی‌های سرداری هم برای او منشأ منفعت مالی فراوان شد و هم زندگی برخی از یهودیان پاریس را نجات داد... سرداری با استفاده از روابط نزدیکش با آلمان‌ها، جان خانواده‌های یهودی ایرانی مقیم پاریس را از مرگ حتمی نجات داد. او نیز به‌نوبه خود مقامات آلمانی را متقاعد کرده بود که هر کس گذرنامه ایرانی دارد علی‌رغم وابستگی‌های مذهبی‌اش، شهروند ایرانی و لاجرم از حقوق این شهروندان برخوردار است... سرداری، به حدود ۱۵۰۰ گذرنامه ایرانی دسترسی داشت. وقتی در سال (۱۳۲۰) ۱۹۴۲، نازی‌ها بازداشت یهودیان پاریس را آغاز کردند، سرداری تصمیم گرفت این گذرنامه‌ها را به‌نام برخی از یهودیان غیرایرانی صادر کند. یکی دو سال بعد، نشریات ایرانی از این ماجرا خبردار شدند و به لحنی تند و انتقادآمیز، می‌پرسیدند چرا سرداری را به‌رغم فروش گذرنامه به جهودان هنوز از کار برکنار نکرده‌اند... به روایت فریدون هویدا؛ «در سال ۱۹۴۸ من در پاریس بودم وقتی که اعضای جامعه یهودیان ایرانی مقیم پاریس به دیدن دایی من آمدند، سینی‌ای نقره‌ای که امضای روسای جامعه یهودیان در آن نقر شده بود، به او هدیه کردند.» اسکندر دلدم، امیرعباس هویدا را از اعضای «شورای آمریکایی صهیونیزم» موسوم به AZL معرفی می‌کند و فعالیت‌های او در سازمان ملل را پوششی بر عضویت وی در این شورا می‌داند. همین وابستگی بود که در ماه اول نخست‌وزیری او، ساواک را وادار به ارائه طرحی برای برون‌رفت از مشکل اشتهار او به بهائیت کرد.

قاب مشاهیر ۲

عاشق بهشتی، متنفر از بنی‌صدر؛ بخش‌هایی از کتاب جوانمرد جلد دوم، خاطراتی از شهید ابراهیم هادی؛ حسین جهانبخش از نزدیکان شهید هادی درباره او می‌گوید: ابرام از همان اول با بنی‌صدر چپ و مخالف بود. می‌گفت این آدم حسابی نیست. اصلا جناح جبهه ملی که بنی‌صدر هم جزء همان جناح بود را قبول نداشت و به من می‌گفت: «حسین اینا جناح‌شون تعریفی نداره جناح‌شون شارلاتانیه» می‌گفت: «حسین، این بی‌شرف (منظورش بنی‌صدر بود) به بچه‌های سپاه و بسیج توی منطقه مهمات نمی‌ده و قدغن کرده کسی چیزی به سپاه بده، اینو اینجوری نگاش نکن، خیلی بی‌شرفه. یه وقت سیاهش نشیا» می‌گفت «حسین این آخرش خودشو نشون میده عجله نکن» همان زمانی که بنی‌صدر کاندیدای ریاست‌جمهوری شده بود، ابرام بر و بچه‌های محل را از رأی دادن به او نهی می‌کرد و می‌گفت که به بنی‌صدر رأی ندهید. هر وقت عکس بنی‌صدر را روی دیوار کمیته محل می‌دید بلافاصله می‌کند و پاره می‌کرد؛ اگر هم نمی‌شد عکس را بکند، یک تکه کاغذ برمی‌داشت، با چسب به صورت بنی‌صدر می‌چسباند. بعضی‌ها اعتراض می‌کردند که این آقا رئیس‌جمهوره و فرمانده کل قواست و از اینجور حرف‌ها؛ ابرام می‌گفت: «برو بابا دلت خوشه!» خود من بهش می‌گفتم؛ «آخرش این کارا واسه‌ت دردسر میشه‌ها.» می‌گفت؛ درد سر چی میشه؛ این مرتیکه خائنه، دائم به پروپای بچه حزب‌اللهی می‌پیچه. ولش کن بابا!» از آن طرف شهید بهشتی را هم قبول و هم خیلی دوست داشت . می‌گفت؛ «بهشتی انسان قوی‌ایه، آدم با جبروتیه. وقتی صحبت می‌کنه جوری سفت و محکم حرف می‌زنه که آدم حظ می‌کنه. این می‌تونه انقلاب‌رو دست بگیره. گاهی مواقع می‌گفت: «حسین اگه بهشتی بمونه بعد از امام حتماً رهبر میشه. بعد از امام یکی از چند نفر معدود کسایی که می‌تونه مردم‌رو راهنمایی کنه و انقلاب‌رو دست بگیره، بهشتیه.» زمانی که دکتر بهشتی شهید شد، ابرام تا مدتی حالت هاج و واجی داشت و گیج بود. هر وقت هم صحبت میشد با نگرانی می‌گفت؛ «بعد امام چی میشه حسین؟ من هم دلداری‌اش می‌دادم و می‌گفتم: «خدابزرگه ابرام. خدا تا اینجا این نهضت‌رو پیش برده و کمک کرده، بقیه‌شم کمک می‌کنه. همه چی دست خودشه.»

قاب مشاهیر ۳

اندوه ثریا، ارواح خبیث و جن‌ها و شیاطین؛ بخش‌هایی از خاطرات ثریا اسفندیاری از کتاب کاخ تنهایی؛ دهلی نو... با پاندیت نهرو و دخترش ایندیرا گاندی دیدار و گفتگو می‌کنیم و ماهاراجه‌ها هم ما را به شکار ببر دعوت می‌کنند. محمدرضا و من سوار بر فیل، روانه جنگل‌های انبوه می‌شویم. بر این سرزمین حاکم است... و اما پزشک آن کلینیک سوئیس، پیش از آنکه به تهران بیاییم و به دهلی نو برویم، به ما چه گفته بود؟ هیچ چیز وخیم وجود ندارد. پس از یک درمان مرتب همه چیز درست خواهد شد..... و حالا عازم روسیه هستیم؛ استالینگراد، سوچی، تاشکند، کی‌یف، لنینگراد، مسکو، کرملین، خروشچف و خلاصه تئاتر بالشوي .... من بالالایکا را دوست دارم چراکه زخمه‌های سازش، قلبم را گرم و لبانم را متبسم می‌سازد. (بالالایکا سازی است مثلث شکل با سه سیم که با مضراب نواخته می‌شود—روس‌ها آهنگ‌های فولکلوریک و عامیانه خود را با آن می‌نوازند.) ماه‌ها گذشت و با گذر ایام در من این یقین حاصل شد که به پایان زندگی ملکه بودن رسیده‌ام. برایم عجیب می‌نمود که شاه هرگز تا این حد خود را علاقه‌مند به من نشان نمی‌داد؛ گویی محمدرضا علیه سرنوشتی که می‌خواست شانس ما را برای به دنیا آوردن یک فرزند به تاخیر اندازد، به جدال برخاسته است. مثل همان رؤیاهایی که شازده کوچولوی سنت اگزوپری در سر می‌پروراند. زنان درباری پریشانی ما را می‌دانستند و با ولع تمام در مطبوعات مصور پاریس و رم نگرانی‌مان را در مورد جانشین تاج و تخت می‌خواندند. از هر سو برایم دعا و ورد و نظر قربانی و آیات کلام‌الله که با خط خوش نوشته و حاشیه‌هایش زینت یافته بود و نیز شیشه‌های آب دعا و «باطل السحر» فرستاده می‌شد و فرستندگان توصیه می‌کردند که آنها را همیشه همراه داشته باشم تا جادوی حاسدان بی‌اثر شود. در راهروهای اختصاصی زمزمه می‌شد که ارواح خبیث و جن‌ها و شیطان‌ها و نیز بعضی «دشمنان» که به شاه نزدیک‌اند و خواهان دور کردن من از تاج و تخت‌اند دست‌شان در کار است و با جادوهای‌شان مرا نازا کرده‌اند. در پنهان و دم گوش نام‌هایی هم بر زبان آورده می‌شد درباره محمدرضا هم گفته شد که پس از تیراندازی و اصابت گلوله، به او آسیب رسیده و عقیم شده است.

جدول و سرگرمی

طراح: حمیدرضا محمدرضایی

پاسخ‌های شماره قبل

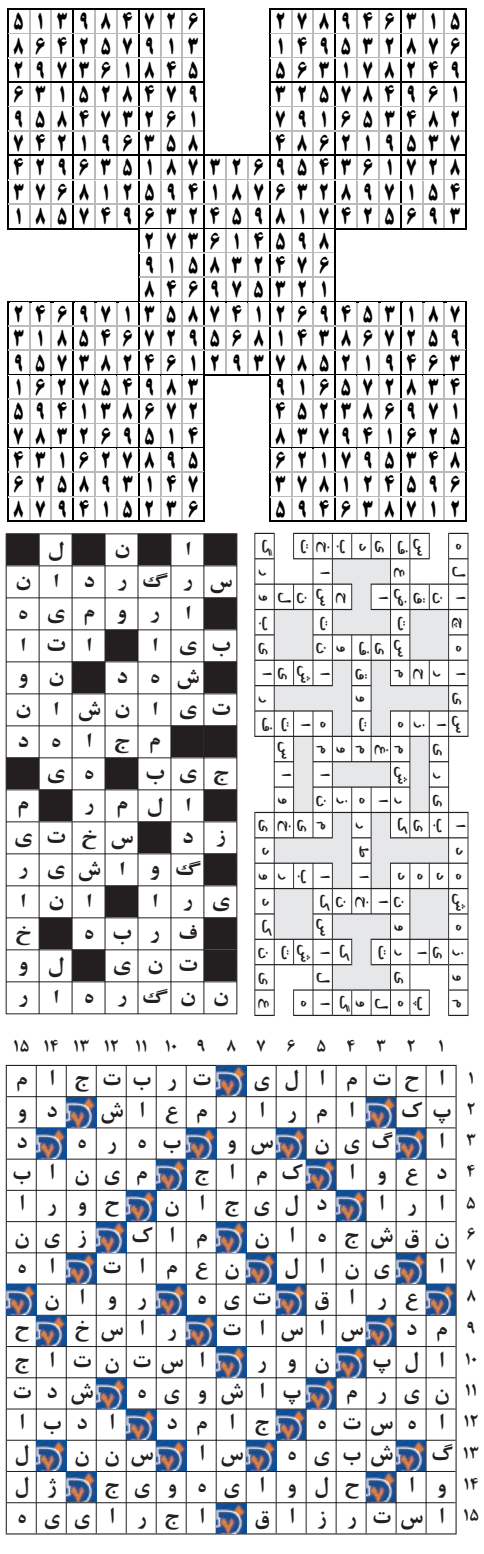

لغت‌یابی

توضیح

کلماتی که بر اساس تعداد حرف دسته‌بندی شده‌اند باید در جای مناسب خود در جدول قرار گیرند. شما باید با توجه به راهنمای جدول که برایتان قرار داده‌ایم؛ جای لغات را حدس بزنید و در جدول جایگذاری نمایید.

۴ حرفی: ابدا، انجم، بناب، دونگ، زمخت، غرور، لجوج، ناقل

۵ حرفی: افترا، تقابل، حیران، خورنق، راهبه، زدودن، زهدان، سیلاب، فاروق، کروشه، گرماب، متصور، نیکان، واکسن

۶ حرفی: اب مالی، تیتانا، دماسنج، رسیدگی

۷ حرفی: سد دوستی، تیتانیا

۸ حرفی: باغ شازده، صفحه کلید، کلر ترایت، لقمه لقمه

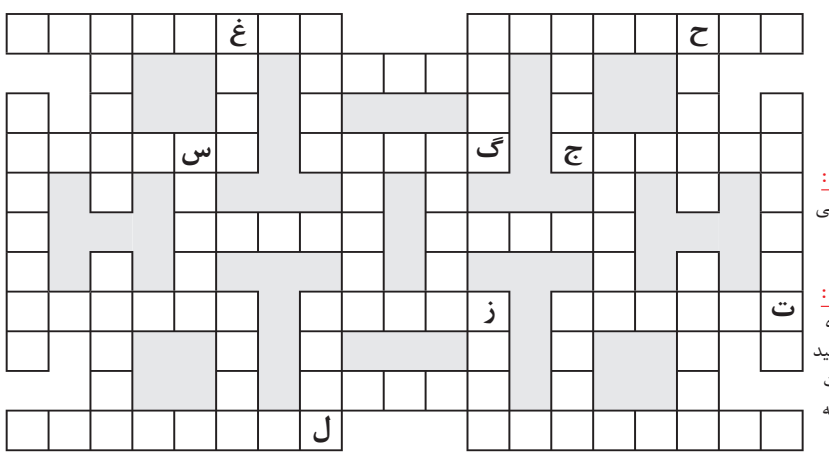

جدول کلمات متقاطع

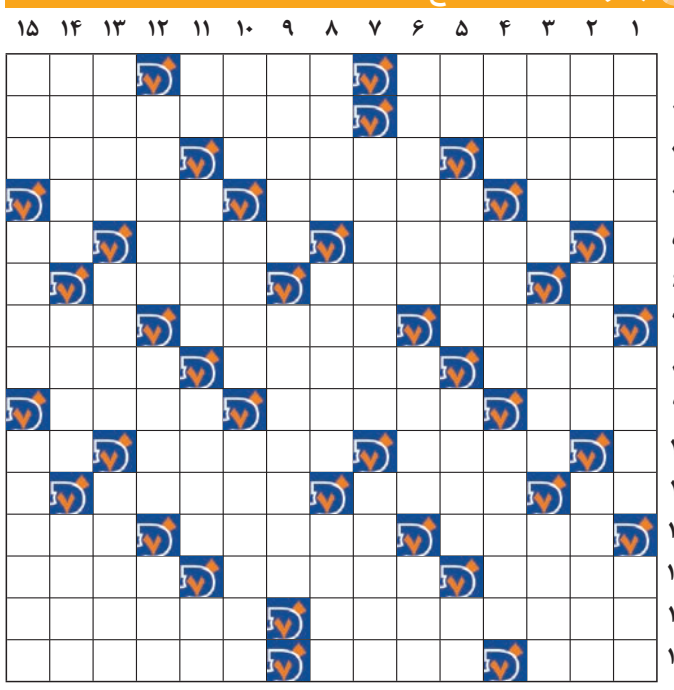

افقی

۱- بازگشتن- عنکبوت سمی- رنگ قرمز
۲- شهری در استان گیلان- آموختن
۳- شهری دیگر در استان گیلان- دانه به دانه- گل سرخ صحرایی
۴- کلام تصدیق فارسی- مقابل ارزانی- نادان
۵- جمع شغل- نوعی ماهی یا عینک!- مادر عرب
۶- صدای درد- یار ژولیت- آدم‌کش
۷- زغال- از زبان‌های برنامه‌نویسی- خجسته و مبارک
۸- درگاه و آستانه- پشت سر هم قرار گرفتن- ابداع کننده
۹- روزگار- از شهرهای کشور مکزیک است که در ایالت یوکاتان قرار دارد- خودداری از اظهار عقیده
۱۰- کشوری در آمریکای شمالی که پایتخت آن هاوانا است- افزون شدن- دودلی و تردید
۱۱- خرس آسمانی- نشست- پشیمانی
۱۲- رنگرز- دیندار- قوم حضرت هود(ع)
۱۳- رنگ مشکی- ناپسند شمردن- نفوذ کننده
۱۴- از شعب دین حضرت مسیح(ع)- معکوس
۱۵- پرده- تصاویر فکاهی- تحویل دادن

عمودی

۱- باقی گذاشتن- تازه- بعد از این
۲- واحد پول کشورمان- منزل- بینایی
۳- ازعناصر شیمیایی که عدد اتمی آن ۸۱ می‌باشد- از جزایر جنوبی ایران- عقیده و یقین
۴- جهیدن- نوشیدنی حرام- زیبارویی
۵- کالای دست نخورده- ریاضی‌دان آلمانی- تبلیغ کننده- تکان
۶- خلاف میل و خواهش- ایوان و مهتابی- پنهان داشتن
۷- شهر و استانی در ایتالیا که مرکز جزیره ساردنی می باشد- هم عقیده
۸- تر و تازه- زمان تولد- نوعی ماشین جنگی
۹- مطلبی را قبول کردن- ذوب کننده
۱۰- وسیله احتیاطی اضافی- آگاهی- ویراستار
۱۱- رنج و زحمت- جنگ و ستیز- دیگ دهان گشاد- برگ برنده
۱۲- تباه شدن- اقدام کننده- دیوار کوتاه
۱۳- فرومایه و ناکس- کشوری در آفریقای شمالی واقع در جنوب دریای مدیترانه است- همکاری
۱۴- عنکبوت سمی- ترسناک- جنگ و پیکار
۱۵- سرد مطبوع- باز دارنده- کم‌هوش

جدول شرح در متن

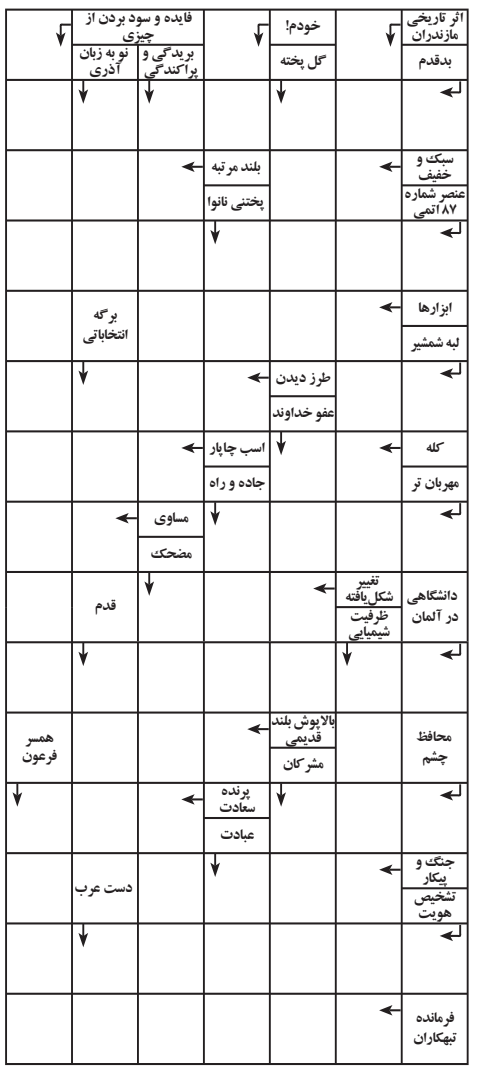

سودوکو
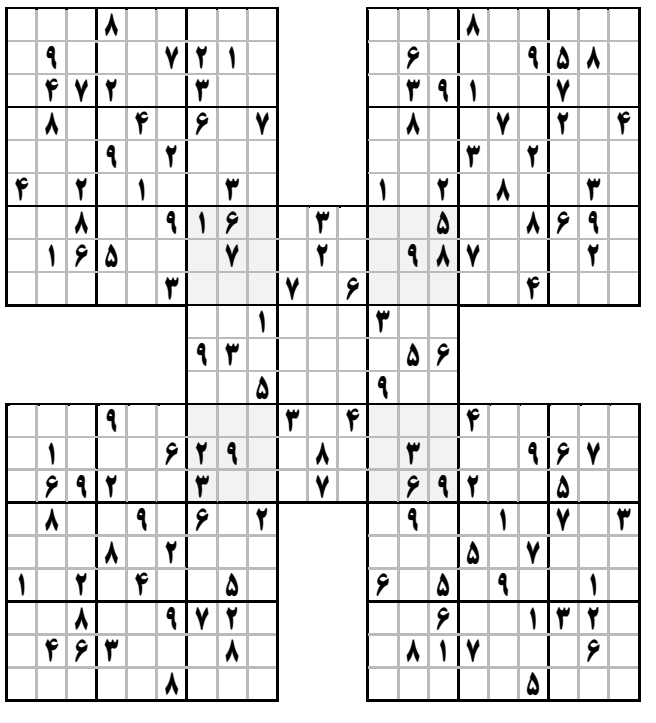
- سودوکوی سامورایی با نام سودوکوی ۵ تایی، ۵ قلو یا تو در تو نیز شناخته می شود. ترکیبات دو تایی و سه تایی از این نوع سودوکو نیز مرسوم است اما نوع ۵ در ۵ آن دارای جذابیت بیشتری است
- در این نوع سودوکو یک مربع ۹ در ۹ در وسط قرار دارد و با چهار مربع ۹ در ۹ دیگر در ارتباط است.
- هر جدول سودوکو دارای اعداد اولیه مربوط به خود است اما نکته اصلی اینجاست که هیچ یک از جدول های سودوکو به تنهایی حل نمی شوند.
- برای حل سودوکوی سامورایی باید اعدادی را در هر جدول سودوکو بدست بیاورید، در اینصورت برخی از این اعداد با مربع میانی مشترک خواهند شد و سبب مشخص شدن اعدادی در مربع میانی می شوند، همین روند باید به طور مستمر ادامه یابد تا از هر جدول سودوکو عددی پیدا شود.
- قانون سودوکوی معمولی تنها راه حل سودوکوی سامورایی است. دقت کنید سودوکوی سامورایی نیز تنها دارای یک جواب منحصر به فرد است.